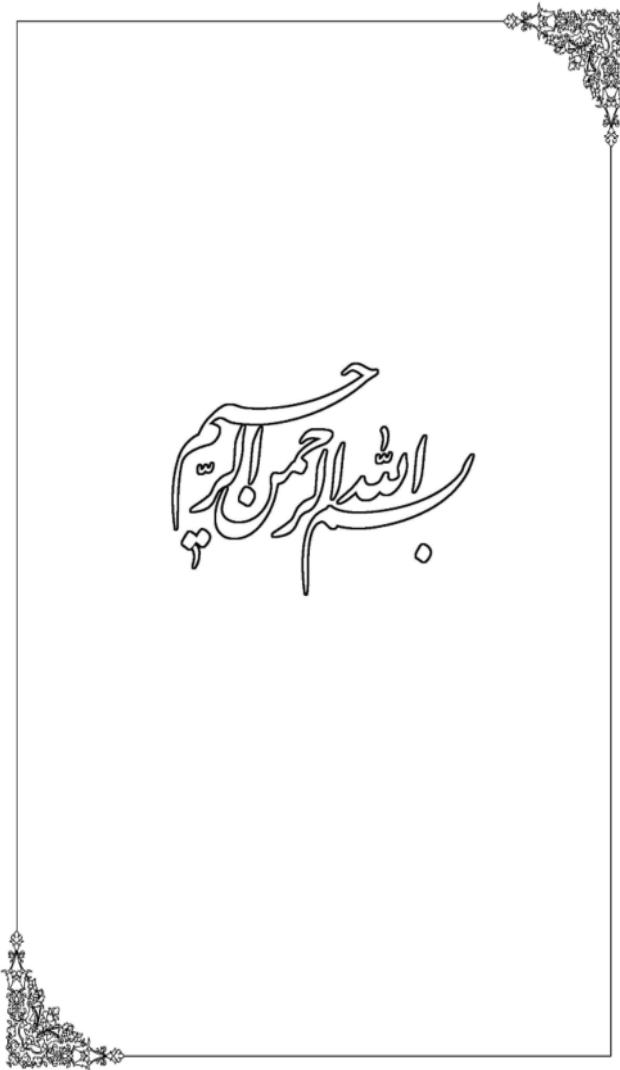


الله اکبر



نامه‌های تاریخی

گزیده‌ای از نامه‌های رجال دین و سیاست‌به

حضرت آیت‌الله العظمی سید محمد صادق روحانی (دکله‌العالی)

به کوشش
سید محمود خسروشاهی

مقدمه و پاورپوینت
ناصر الدین انصاری قمی

عنوان و نام پدیدآور	خسروشاهیان، سید محمود، ۱۳۵۵ - ، گدآورنده
نامه‌های تاریخی: گزیده‌ای از نامه‌های رجال دین و سیاست به حضرت آیت‌الله‌العظمی سید محمد صادق روحانی مذکوه از ناصرالدین انصاری قمی	سید محمد صادق روحانی مذکوه از ناصرالدین انصاری قمی
مشخصات نشر	مشخصات ظاهیری
ق: کلبه شرق، ۱۳۴۲	ص: مصور، نمونه.
شابک ۲۰۰۰۰۷۹-۷۲۵۵-۹۶۴-۹۷۸	شابک ۳۷-۹
و ضعیت فهرست نویسی	ویا
عنوان دیگر	گزیده‌ای از نامه‌های رجال دین و سیاست به حضرت آیت‌الله‌العظمی سید محمد صادق روحانی مذکوه از ناصرالدین انصاری
موضوع	موضوع
شناخته از فرد	شناخته از فرد
رد بندی کنگره	رد بندی کنگره
رد بندی دبیری	رد بندی دبیری
شماره کتابشناسی ملی	شماره کتابشناسی ملی

نامه‌های تاریخی

گزیده‌ای از نامه‌های رجال دین و سیاست به حضرت آیت‌الله‌العظمی سید محمد صادق روحانی

به کوشش:
مقدمه و پاورچی: ناصرالدین انصاری قمی
ناشر: کلبه شرق
نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۲
چاپخانه: ط
شمارگان: ۱۰۰ نسخه
قیمت: ۲۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۲۵۵-۴۷-۹

مرکز پخش: قم، ابتدای خیابان صفاییه، پلاک ۶۹۲، کلبه شرق
تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۳۶۴۴۲۴

فهرست

-
- فصل اول: مجموعه نامه‌های مرحوم آیت الله العظمی خوئی ◀ ۱۳
 - فصل دوم: مجموعه نامه‌های مراجع عظام و علمای اعلام ◀ ۲۲۷
 - فصل سوم: مجموعه نامه‌های شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی ◀ ۳۶۳
 - فصل چهارم: تلگراف‌ها ◀ ۴۴۳
 - فهرست اعلام ◀ ۵۲۳
 - فهرست اماکن ◀ ۵۲۶
 - فهرست کتب ◀ ۵۲۷
-

یادداشت

مکاتبات میان علماء و مراجع، رجال و شخصیت‌های بر جسته روحانی و سیاسی، در هر عصر و زمانی، می‌تواند به عنوان اسناد تاریخی، نشان دهنده حقایق تاریخی آن دوران باشد.

مجموعه کنونی - نامه‌های تاریخی - که هم اکنون در اختیار علاقمندان قرار می‌گیرد شامل بخشی از نامه‌ها و تلگراف‌های واصله به محضر شریف آیت الله العظمی سید محمد صادق روحانی (دام ظله) می‌باشد که از بحران‌ها!! و حوادث گوناگون روزگار، در امان مانده و به دست ما رسیده است و نشر آنها، می‌تواند برای اهل تاریخ مفید و ارزشمند باشد.

البته باید اشاره کرد که متأسفانه متن نامه‌های حضرت آیت الله العظمی روحانی (دام ظله)، به علت مرور زمان و عدم دسترسی به اسناد و بایگانی بیوت مراجع عظام بلاد، در اختیار ما نیست، ولی پاسخ‌های آن بزرگواران، که در دفتر خاص معظم له نگهداری می‌شد، هم اکنون، چاپ و منتشر می‌گردد.
همانطور که ملاحظه می‌نمایید، در نقل متن نامه‌ها، امانتداری کامل رعایت شده است و این امر می‌تواند الگوی خوبی برای کسانی باشد که اسناد تاریخ معاصر را جمع آوری نموده و منتشر می‌سازند.

این مجموعه با تلاش و بی‌گیری مستمر اینجانب آماده چاپ و نشر گردیده و مقدمه و توضیحات جانب حجت الاسلام ناصرالدین انصاری نیز در توضیح بعضی نکات مطرح شده در نامه‌ها کمک شایانی به استفاده محققین از مطالب کتاب می‌نماید.

در خاتمه برخود لازم می‌دانم که از ارشادات و افهان‌نظرهای ثاقب و مثبت والد ماجد، در انتخاب و تنظیم اسناد این مجموعه، سپاسگزار باشم که خود در پژوهش مسائل تاریخی صاحب نظر و مثبت‌اندیش و حافظ حقوق حقه همه بزرگان در حد امکان و توان هستند.

سید محمود خسروشاهی

سرو آغاز

مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی سید محمد صادق روحانی (دام ظله)، از خاندانی کهن و ریشه‌دار - که در شهر قم از ساقه دیرین علمی و اجتماعی برخوردار است - برخاسته، و در جهان تشعیع، نامی است آشنا. خدمات ایشان و تألیفاتشان، مواضع و نظریاتشان، بیش از نیم قرن است که در دنیای اسلام مطرح و مورد توجه همگان است.

معظم له، در پنجم محرم الحرام ۱۳۴۵ ق (۱۳۰۵ ش)، در پانگاه جهاد و اجتهداد: شهر مقدس قم و در بیت علم و فضیلت زاده شد. پدر بزرگ‌گوارش آیت الله حاج میرزا محمود روحانی^۱ (۱۳۰۷-۱۳۸۱ ق) و نیای پدری اش آیت الله حاج سید صادق قمی^۲ (۱۲۵۵-۱۳۳۸ ق) و نیای مادری شان آیت الله حاج آقا احمد طباطبائی قمی^۳ (۱۲۷۱-۱۳۳۴ ق) بوده است. ایشان در کودکی به تحصیل علوم دینی روی آورده و در نوجوانی - در حالی که نیوگ و استعدادشان زیانزد حوزه علمیه نجف شده بود - سطوح عالیه را در مدت اندرکی پشت سر نهادند و به دروس خارج اساطین حوزه همانند آیات عظام: شیخ محمد حسین غروی اصفهانی، سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ محمد کاظم شیرازی، شیخ محمدعلی کاظمی خراسانی، شیخ محمد رضا آل یاسین و بیش از همه سید الطائفه آیت الله العظمی خوئی (ره) حاضر شدند و سالیان فراوان (۱۵ سال) از بحث‌ها و درس‌های آنان بهره بردن و اجتهدادشان مورد تأیید آیت الله العظمی خوئی (ره) قرار گرفت. ایشان در سال ۱۳۶۹ ق، به زادگاهشان بازگشتند و در آنجا علاوه بر حضور در دروس حضرت آیت الله العظمی بروجردی (ره)،

۱. انصاری، ناصرالدین، اختیان قم، ص ۴۹۷-۵۰۰

۲. همان، ص ۱۶۱-۱۷۲

۳. همان، ص ۱۴۹-۱۵۴

به تدریس خارج فقه و اصول پرداختند و به زودی در زمرة علمای بر جسته حوزه علمیه قم در آمدند و ستاره اقبالشان، درخشیدن گرفت و در همان زمان کتاب فقهی ایشان «فقهه الصادق» به تدریج به چاپ رسید و مورد توجه حضرت آیت الله العظمی بروجردی (ره) قرار گرفت.^۱ از آن پس بود که کتاب‌ها و بحث‌هایشان در حوزه قم شهرتی به سزا یافت و پس از وفات آیت الله بروجردی (شوال ۱۳۸۰ / فروردین ۱۳۴۰ ش) به عنوان یکی از علمای بزرگ حوزه قم مطرح شده و مواضع و بیانیه‌ها و اعلامیه‌هایشان راهگشا و روشنگر مردم مسلمان ایران بود. معظم‌له، در پنجاه سال گذشته ضمن مکاتبه با رؤسای کشورها نسبت به مسائل جهان اسلام - همچون: فلسطین، لزوم اتحاد مسلمین در برابر اسرائیل، مسائل عراق و وضع قوانین ضداسلامی در آن، ساخت فیلم زندگی رسول الله (ص) - حساسیت نشان دادند و نامه‌هایی به: انور سادات رئیس جمهور مصر، حافظ اسد رئیس جمهور سوریه، ملک فیصل پادشاه عربستان نگاشتند. همچنین مواضع انقلابی معظم‌له از سال ۱۳۴۲ ش، که اگر بطور کامل گردآوری شود مجلدی بزرگ خواهد شد، و رنج‌ها و زنانه‌ها و تبعیدهای ایشان از اذهان مردم مسلمان ایران هرگز فراموش نخواهد شد.

معظم‌له، در سال ۱۳۴۵ ش به دنبال سخنرانی افشاگرانه و اعتراض آمیزشان به لایحه کاپیتو لاسیون و اعمال ضد دینی و ملی دولت، دستگیر و به شهرهای: زابل و بیزد و سپس روستای میگون (تهران) تبعید شدند. پس از آزادی، در سال ۱۳۵۶ با اعلامیه‌های توفنده- اشان مجددأ وارد عرصه مبارزه صریح با رژیم شدن و اطلاعیه‌های شدید‌اللحشان باعث سخنگیری و تندی بیشتر رژیم با ایشان شد و باعث شد از ۲۶ اردیبهشت تا شهریور ۱۳۵۷ ایشان را در حصر خانگی قرار دادند، که مردم قهرمان قم در این زمان به خانه‌اشان رفتند و حصر را شکستند و نماز عید فطر را با شکوه هرچه تمامتر به امامت ایشان به جای آوردن، به دنبال این رویدادها رژیم پهلوی ایشان را مجددأ دستگیر کرده و تا دی ماه، در بازداشت به سر بردن و با پیروزی انقلاب اسلامی، با استقبال باشکوه وارد شهر و محل اقامتشان شدند. آیت الله العظمی روحانی، پس از پیروزی انقلاب هم، ارشادات و راهنمایی‌های خود را به رؤسای جمهور وقت، مراکز قانون گذاری، رؤسا و وزرا دنبال نمودند و علیرغم همه فشارها ایشان هرگز از مواضع بر حق خود کوتاه نیامده‌اند «و لا يخافون لومة لائم».

۱. حضرت آیت الله العظمی بروجردی (ره) دوبار از کتاب فقه الصادق در منبر تدریس خود مطالبی نقل فرمودند و حضرت آیت الله العظمی خوئی (ره) در وصف این کتاب طی نامه‌ای مرفق فرمودند که: من کتاب فقه الصادق را شخصاً برای آیت الله کاشف الغطاء برمد و گفتم: بینید من چه خدمت بزرگی به عالم اسلام و فقاهت نمودم و چنین عالم محققی را ترتیب کرده‌ام.

در همه سال‌های مبارزه و زندان، ایشان به فعالیت‌های علمی و تألیفات علمی و تألیف کتب فقهی و اصولی ادامه داده‌اند که هماره جاودانه خواهد ماند از جمله می‌توان به:

فقه الصادق (۴۱ جلد) * زبده الاصول (۶ جلد) * منهاج الفقاہه (۶ جلد)
 * منهاج الصالحين (۳ جلد) * مسائل المستحدثة و دهها جلد کتب استثنائی شرعاً،
 اعتقادی و قضایی به زبان‌های فارسی عربی و انگلیسی.

* * *

درباره کتاب

این کتاب، مجموعه‌ای از نامه‌های علمی و مراجع بزرگ جهان تشیع، رؤسا و پادشاهان کشورهای اسلامی، علمای اهل سنت جهان، رجال سیاسی ایران به حضرت آیت الله العظمی روحانی است، که جایگاه بلند معظم‌له را در جهان اسلام، در نیم قرن گذشته می‌نمایاند. این اسناد تاریخی - که اینک حجاب برانداخته است - دریابی است مشحون از در و جواهر، که تواضع و فروتنی ایشان، مانع از ظهور و بروز آنها در سالیان گذشته بوده است. آدمی با مطالعه آنها از میزان علاقه و ارادت و شیفتگی و امید اعلام تشیع مانند آیات عظام؛ آقای خوئی، امام خمینی، آقای حکیم، آقای میلانی، آقای خوساری، میرزا مهدی شیرازی، سید عبدالهادی شیرازی رحمة الله عليهم و دهها نفر از علمای ایران، عراق، لبنان به آیت الله العظمی روحانی آگاه می‌شود.

قسمت نخست این کتاب، شامل نامه‌های متعدد حضرت آیت الله العظمی خوئی رحمة الله به معظم‌له است، که البته این به دلیل شناخت عمیق و دقیق استاد از این شاگرد پر استعداد و نابغه‌اشان و ریشه در سوابق علمی و تاریخی اشان دارد. آیت الله العظمی خوئی (ره) از دیرباز با بیت عظیم و فخیم روحانی ارادت و آشنایی داشته و این دو برادر بزرگوار (حضرات آیات: سید محمد(ره) و سید صادق روحانی) سالیان فراوان در تمام درس‌های استاد شرکت داشتند و آیت الله العظمی خوئی (ره) هم در سفر تاریخی خود در نیمه قرن چهاردهم به قم، به منزل پدر بزرگوارشان آیت الله حاج میرزا محمود روحانی وارد، و تمام علمای قم - از جمله آیت الله العظمی بروجردی - در این منزل به دیدار آقای خوئی آمدند، این نامه‌ها، خواننده را با عمق علاقه و ارادت آیت الله العظمی خوئی (ره) به

حضرت آیت الله العظمی روحانی آشنا می‌سازد. بدون شک این تعابیر: (شما خود من هستید)، (شما عنین من هستید)، (من با بودن شما هیچ غمی از موت ندارم)، (من خوشحالم که اگر روزی نباشم شما جایگزین من خواهید بود)، (شما نور چشم احقر هستید)، (عز شما عز من است). در هیچ جا سابقه ندارد. آیت الله العظمی خوئی (ره) با هیچ یک از شاگردانشان این همه نامه نگاری و اظهار ارادت نداشته‌اند، و از این نامه‌ها روشن می‌شود که ثبیت و تعکیم مرجعیت آیت الله العظمی خوئی (ره) در ایران و در حوزه علمیه قم، کار حضرت آیت الله العظمی روحانی بوده است. من در شکفتمن که: حضرت آیت الله العظمی روحانی با چه سمعه صدر و روحیه بالایی این نامه‌ها را در این سال‌ها پوشیده داشته است؟ این کتاب، علاوه بر آنکه حقایق سیاسی را در تاریخ معاصر روشن می‌سازد، نشان از هوش سیاسی و زمان شناسی فقهی بزرگ شیعه می‌دهد.

این مجموعه از چند بخش تشکیل شده است که عبارتند از:

- (۱) بخش نخست: دربرگیرنده مجموعه نامه‌های مرحوم آیت الله العظمی خوئی (ره) است، این مراسلات که تعداد آنها ۱۰۵ نامه می‌باشد از سال ۱۳۶۷ ه. ق آغاز و آخرین آن به تاریخ ۱۴۰۹ ه. ق می‌باشد، تعداد نامه‌ها و مطالب مطرح شده در آنها و رابطه نزدیک میان طرفین موجات قرار گرفتن این مجموعه از بخش نخست شده است.
- (۲) بخش دوم: دربرگیرنده نامه دیگر مراجع عظام تقلید گذشته، و علمای بلاط مختلف در ایران و خارج آن می‌باشد که با ملاحظه تاریخ در گذشت آنان تنظیم گردیده، در این بخش نامه‌هایی از آیات عظام خمینی - میلانی - حکیم ... قرار دارد.
- (۳) بخش سوم: دربرگیرنده نامه‌های شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی می‌باشد، نامه‌های این بخش نشان دهنده طیف وسیع و گسترده مرتضیان با حضرت آیت الله العظمی روحانی می‌باشد، که شامل سران احزاب سیاسی و فعالین اجتماعی و مذهبی با مشرب‌های گوناگون و تفکرات سیاسی و اجتماعی متنوع، و دیدگاه‌های متفاوت است. از این رو نامه‌های این بخش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.
- (۴) بخش چهارم: دربرگیرنده مجموعه تلگراف‌هایی است که در پاسخ نامه یا پیام با تلگراف حضرت آیت الله العظمی روحانی داده شده است.

ناصرالدین انصاری قمی

اردیبهشت ۱۳۹۲

فصل اول

مجموعه نامه‌های

مرحوم آیت الله العظمی خوئی (قدس سره)

عمرہ شریف
۱۴۶۹

بسم الله الرحمن الرحيم

غره شهر جمادی الاولی

۱۳۶۹

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می رسانند: ان شاء الله تبارک و تعالی وجود مبارک آن جناب و عموم خانواده محترمه در زیر سایه حضرت آقای والد^۱ - دامت بر کاته - قرین صحت و عافیت و منظور نظر مقدس حضرت ولی عصر - عجل الله تعالى فرجه - بوده باشد. اگرچه مدتی است مستقیماً از آن جنابان بی اطلاع، ولی غالباً توسط جناب آقای اخوی،^۲ - دام تأییده - از حالات آن جنابان مطلع و مسوق می باشم. از قرار نقل ایشان به محمد الله تعالى حوزه بحث جنابعالی اهمیت پیدا کرده و طلاق قم فی الجمله به مقام سرکار آشنا و مشغول استفاده می باشند. ولی امید ما این بود که به نجف اشرف مراجعت و بعد از چندی به فضل الهی از مدیران حوزه علمیه نجف یا قم بوده باشید. علی کل حال امیدواریم آن چه خیر آن جناب باشد، پیش بیاید. دیگر این که احقر بعد از مراجعت به نجف اشرف عریضه ای حضور آقای والد سرکار - دامت بر کاته - و عموم اعمام عرض کرده و در ضمن عریضه حضرت آقا به جنابعالی و آقای آقا مهدی هم اظهار ارادت نمودم. ولی متأسفانه تا حال به جواب هیچ یک نائل نشده ام. با همین عریضه خدمت همه آقایان عارض سلام و از زحمات و الطاف حضرت آقا، زیاده مشتکر و منتون می باشم. حسب الامر حضرت آقا - دامت بر کاته - در جواب عریضه تهران خدمت آقای فاضل لنکرانی^۳ هم از نجف عریضه نوشتم. جواب آن هم نرسیده، به خدمتشان عارض سلام و از همگی التماس دعا دارم. محضر مقدس حضرت آیة الله بروجردی دام ظله و بقیه آقایان که حضر تعالی مناسب بینید، عارض سلام و التماس دعا دارم. حضرت آقای اخوی و عائله شان سلامت و همه روزه به خدمتشان می رسمیم.

والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته
ابوالقاسم الموسوی الخوئی

۱. آیت الله حاج میرزا محمود روحانی.

۲. آیت الله العظمی حاج سید محمد روحانی.

۳. مرحوم آیت الله فاضل از اطرافیان آیت الله العظمی بروجردی و داماد باجناق آیت الله میرزا محمود روحانی (حاج سید عباس فقیه مبرقع) بود.

CE. 11
1359

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ایش بیان کرد و درین کار ترکیب می‌نمود. بعد از آن در هفت بیانات لامه‌ها مکالمه نمود که این

۷

۱۸ شهر ج

۱۳۶۹

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض می رسانند: ان شاء الله تعالى وجود مبارک قرین صحت و اعتدال و عزت و سعادت بوده باشد. محترم رقیمه کریمه مورخه ۱۴ شهر ماضی واصل، از سلامتی مزاج شریف و بنای شروع به بحث خارج بسی مسرور، ان شاء الله تعالى پیوسته موفق و مؤید بوده باشد. از تأخیر عریضه احقر باضمیمه اعتقاد بر این که احقر مکاتیب زیاد نوشتمام، گمانی را که فرموده بودید، از باب الجواب قد یکیو بوده، چه طور چنین گمانی فرماید؟ با این که جنابعالی و امثال شما مایه افتخار احقر، بلکه ان شاء الله تعالى ذخیره آخرت من و نتیجه عمر احقر می باشد. اگر عمر بیش از این باقی نباشد، دلم به این خوش است که به زندگی شماها زنده هستم و زحمات و بی خواهی های شب های من هدر نرفت. کسانی هستند که به نشریات نتایج عمر من از علم و دین ترویج نمایند و بالجمله غیر از امثال جنابعالی در دنیا به چه دلخوش بوده و هستم. عزّ شما عزّ من است. مرقوم داشته بودید که آقایانی که به احقر اعتراض علمی یا غیره داشته باشند، به آن جناب متوجه می سازند، البته حق دارند. زیرا که درست احراز کردند که جنابعالی به منزله خود احقر می باشد. اگرچه جنابعالی بحمد الله تعالی هرجا که باشد، مورد استفاده خواهید شد، ولی البته بودن در نجف بر جهات ثبوتی آن جناب خواهد افزوود. در صورت امکان به نجف مشرف شوید، گمان می کنم بهتر باشد. علاوه بر این که ما هم به خدمتتان خواهیم رسید. از ماه گذشته ایام تعطیل بالمعنی الاعم به مباحثه تفسیری و نوشتمن آن شروع کردند. گمان می کنم فایده آن به عالم دیانت عame و به عالم تشیع خاصه بیشتر از خدمات دیگر بوده باشد. مخصوصاً التمس دارم، دعا فرماید که موفق به اتمام آن بوده باشم در حقیقت به فضل الهی دایرة المعارف علوم اسلامیه خواهد شد. حضور محترم آقایان عموماً هر کس که صلاح بدانید و حضرت آقای بروجردی و آقای والد و آقای اخوی خصوصاً - عارض سلام و التمس دعا دارم. با همین عریضه جداگانه به محضر آقای والد - دامت بر کاته - عریضه عرض نمودم آقای اخوی و متعلقیشان همه سلامت هستند. آقای آقا شیخ محمد تقی ابروانی در اثر مرض دایی اهل بیش عازم حرکت، ظاهرآ دو سه ماه در قم مشرف باشند.

والسلام عليكم و رحمة الله و برکاته
ابوالقاسم الموسوي الخوئي

۲۴ شهریور ماه ۱۳۶۹

سبزه از فرایم

میر علی خان
اثر و پهنه لی و جدید بگزین مرت برادر و داشت عبور در مدت مقدمه زیر
در زیست طلب ساخت پروردیست امام باشیه مردم گلبه و رضاعه ها بناهه همان و مدنیه
کی زیل
هر دیر و قدم تبدیل گشود و شام ایدیت پرسته بمناسبت و مذکور بخشیده زیارت
ساخت روزی کارهه بمنزه در راجه استخ بجز بتر و برو خانه و همشده لایه
با ایش استخ ناید رای افتخارت هجر و ترسه ایانه کسر خوش هجراست
دویکه هم زده و هاشیه فردوار گاه هر هم بخت بد اینکه به چشم که نیزه
در زیست مزیت داشت و از این طلاق فلاده ایش ساخته بخچه زیر میگرد
دویکه هم زده و هاشیه فردوار گاه هر هم بخت بد اینکه به چشم که نیزه
ایش در بغلان گزم و نیزه تیغ شام هم عدا از آن استخ هال خانه شوی
نمای تبر و هر زندگی از ترقی سهی ایش ساخته مار جعلیه بخت خیز که پر
در بحیره میگزین و جذب میگزینه و هاشم در این آنچه بخوبیه بخت
کله بداریش ذالم در بحیره ایش هچه خاید و در راج طلاق خوش
سیده بالل دایع است فلک در عربات آن طرزه ایش را ناید
و غلط ادیب و هشتہ باشد و از حیث لامف طبع و قلم عزیز براجی
اگر و اگر هجر و نیزه تیغ ایش آن از خود بگاید میگزین

۲۴ شهر ذیقعدة الحرام

۱۳۶۹

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می رسانند: ان شاء الله تعالى وجود مبارک قرین عزت و سعادت و عافیت بوده و در بث علوم دینیه و تربیت طلاب معارف اسلامیه مستدام باشید. مرقومه محترمه مورخه غرّه جاری واصل از سلامتی وجود مبارک و اشغال به تدریس و عمر به تدریس تفسیر مسرور شدم، امید است پیوسته به خدمات دینیه موفق باشید. فرمایشات عالی را به جانب آقای اخوی سر کار تبلیغ نمودم. راجع به استتساخ جزوات تفسیر، آقای آقا شیخ سلمان^۱ حاضر شدند که یا به میاشرت یا بالتبییب استتساخ نمایند، ولی نوشتجات احقر در تفسیر قابل این که کسی غیر احقر استتساخ کنند نیست زیرا که زیاده قلم زده و حاشیه رفته دارد. گاهی احقر هم به زحمت پیدا می کنم مباحثتی که تا حال مذاکره شده در مقدمات تفسیر است و این سخن مطالب غالباً در کتب منتظم نیست لذا خوبی تغیر و تبدیل می شود. امید است که به فضل الهی خودم موفق به تبییض شوم که بعد از آن استتساخ سهل خواهد شد. غرض این که نه از قبل احقر و نه از قبل آقا شیخ سلمان مانع هست ولی خود مطلب میسور نیست. چندی قبیل کسی حاضر شد برای احقر تبییض کند چند صحیفه نوشته و عاجز شد. این اقدام جنابعالی بسیار قابل تقدیر است ان شاء الله تعالى بعد از شروع، فوائد روحیه آن را مشاهده خواهید فرمود. راجع به طبع جزوات سر کار بسیار با محل و با موقع است، فقط در عبارت آن نظر ثانی و ثالث فرمایید که مغلق و غلط ادبی نداشته باشد و از حيث کاغذ و طبع و قطع خوب باشد. راجع به مباحث اقل و اکثر احقر موفق به نوشتن نشدم استتساخ آن از جزوات آقایان ممکن است، هر که را میل داشته باشید معین فرمایید عملی شود و محل اثر را معین فرمایید که چه قادر لازم است. زیاده عرض قابلی نداشته و مخصوصاً التماس دعا دارم. این ایام با این که هوا بسیار گرم، يومیه علاوه بر بحث منزل سه مباحثه در ایام تحصیل و یک مباحثه شب های پنج شبیه و جمیع اداره می نمایم، بحث سیمی بحث معاملات است که تازه شروع نموده ایم حقیقتاً محتاج به دعا هستم.

و السلام عليکم و رحمة الله و برکاته
ابوالقاسم الموسوی الخوئی

۱. مرحوم آیت الله حاج شیخ سلمان بن عبدالمحسن خاقانی از علمای بزرگ خوشبهر، متوفی سال ۱۳۶۷ ش.

۱۳۷۹ شرکت پست

سهم باعث از جم

برقیه برگانه این روزهای لی و جو بسیار کن و زن مدت چرت دارد
بودم
نهشید خدیز قیر روره میرمه نیادت قیر ازان هم عالم و فضیله های
تندن نه کشت بهشت ببار اسرار خود ری عرضی هم میان نندیده از تخت
نمودت داش باطف عالی شتر خداش هبست هر قصر در زلما
دادست سند مجده بانج است خدمت هنفی در درود مرمر شرمی بیش
بلطفه پیشی هر دوزنگی و قسم داشته در دیه حواب بغض نشیم بدیا
دو خطه کرد ام ام دیگرست شیدر خانی ایش همراه اشد ازان پیش
منی دیوانی عرضه اش ناید ششم همراهست را برگشته ام بعد
ملان از هول و فوج دین حایت نام دیوان همانش همراه ایل کلت
اسد دنیار چرت همراه ایهوند عبا ز ایش با این محنت خار
لی ف ارادتی راهه پس لامک مثل همان در پیش دانی کواری
سروف در کتاب دان مذکور است چنان که طبقه همراه
که از اینان مقدمة سن و حقوق صادر میشی این در این همراه است
آن هر زنگی راه رغبت نماید از ملایم هم فراموش هر چرت خواه
دکن لام مه ایز زیارت عالی که از هر دنگ همراه است
وحشیش رسیده شتر مکن شدم دادند بارگ و نالی

۲۹ شهر ربيع الاول

۱۳۷۰

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می رسانند: ان شاء الله تعالى وجود مبارک قرین صحت و عزت و سعادت بوده باشد. چندی قبل مرقومه محترمہ زیارت، قبل از آن هم عازم عربیسنه نگاری بودم. متأسفانه کثیر ایحاث برای امور ضروریه عربیه هم مجال نمی دهد. از تأثیر، مادرت و از الطاف عالی متشرک، خدا شاهد است که قصور در اظهار ارادت مستند به وجود مانع است، نه به عدم مقتضی. در مرقومه محترمہ شرحی راجح به گلایه بعضی دور و نزدیک مرقوم داشته بودیم. جواب مفصلی نوشتم، بعداً ملاحظه کردم که در سکوت شاید رضای الهی بهتر باشد. از آن عربیسنه رفع ید و این عربیسنه را ثانیاً نوشتم. احقر همت را بر این گماشته ام که به قدر امکان از اصول و فروع دین حمایت نمایم و این امر ان شاء الله تعالیٰ کفایت امور دنیا و آخرت احقر را خواهد نمود. بعد از این ما را غمی نیست و علی الظاهر کما فی الروایة رضاء الناس لایملک، مثل لقمان و پسرش والاغ سواری معروف و در کتاب وافی مذکور است. بلی یک مطلب هست و این که گاهی از انسان غفلة منافی حقوقی صادر شود. البته در این صورت لازم است آن آقای نزدیک یا دور تنبیه نماید، از گلایه چه فایده مترتب خواهد شد و کیف کان جدأ از فرمایشات عالی که از دور در فکر احقر هستید و حق شناس هستید، تشکر و منون شدم. خداوند تبارک و تعالی بر توفیقات آن جانب بیغزاید. و اما در موضوع بحث مکاسب بسیار پشیمان شده‌ام و مزاج تحمل ندارد. چیزی که احقر را بر این مطلب وادار نمود، این که جمعی از مستعدین طلاب اظهار داشتند که بحث مکاسب متروک شده و مورد حاجت آنها است. تقریباً خود را ملزم بر این بحث دیدم. خیال دارم تابستان را تعطیل کنم، تا زمستان آینده خدا چه بخواهد.

محضر شریف آقای والد - دامت بر کاته - و جانب آقای آقا مهدی^۱ - حفظه الله تعالیٰ -

عارض سلام و مخصوصاً التماس دعا دارم والسلام عليکم و رحمة الله بر کاته

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

۱. مرحوم دکتر سید مهدی روحانی.

۶ شهر ربیع الثانی / ۱۳۷۰ بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض می رسانند: بعد از تقدیم مراتب مرسومه و استعلام از صحت مزاج شریف خاطر شریف را مستحضر می دارد که یک هفتنه قل عریضه ای به خدمت عالی ارسال، الیوم هم رقیمه محترمه غیر مورخه زیارت، ضرورت ایجاب کرد که جواب او را فوری بنویسم. ان شاء الله تعالى از حیر نسبت به جنابعالی بی ارادتی نخواهد شد.

اگر در جواب رقیمه تأخیر می شود از بی اخلاصی و العیاذ بالله از بی اعتنایی نیست. غالباً احقر نمی رسم و جواب مکاتیب تعطیل می شود. چندی قبل ملاحظه کردم که جواب های لازمه تأخیر شده، قسم خوردم تا د شب هر شبی یک مکتوب بنویسم. یکی از آنها مکتوبی بود که به خدمت عالی ارسال داشتم. جنابعالی نور چشم احقرید. عزت شما عزّت من است. بعد از مردن، حیات من به حیات شماها است. نتیجه عمر و زحمات احقر جنابعالی و امثال آن جناب است. چگونه منصور است که احقر کم اعتنایی به شماها بنمایم. احقر که از دنیا خبری ندیده ام به جز تربیت چند نفر که به منزله اولاد و ثمره قلب احقرند. دو مطلب مرفق داشته بودید که بعضی از طلاق مراجعین یکی راجع به رساله جبر و تنویض و دیگری راجع به سفارش بعضی و تشویق طلاق به حضور بحث ایشان از اقرر نقل نموده اند. جای عجب نیست. زیرا که تا حال از قبل احقر از این نقلیات زیاد بوده و لیس هذا باول قاروره، بلکه جای تعجب این که جنابعالی باور فرموده اید. هر دو مطلب برخلاف واقع و کذب محض است. اگر ناقل اشتباہ نکرده باشد، دروغ گفته است. بنده از هر دو مطلب خبر ندارم. به فرض محل اگر احقر راجع به مقامات سرکار در موضوع مناسبه اظهاراتی هم نمایم، بایستی نعوذ بالله توهین کنم؟ بسیار تعجب می کنم که چه طور جنابعالی باور کردید و به احقر نوشته و تقریباً یا تحقیقاً گلایه فرمودید؟ به قدری که جنابعالی از سمع این دو مطلب متأثر شده اید، شاید از باور کردن شما، احقر بیشتر متأثر شدم. راجع به طبع حاشیه مکاسب از قبل احقر مانع نیست و مقتضی هم دارد و گمان می کنم بعد از تبیض اگر احقر ملاحظه نمایم، بهتر باشد، ولی به شرط این که جناب آقای اخوی سرکار یا شخص دیگر که از این مطالب سابقه داشته باشد، روزی مقداری از آن را در معرض ملاحظه بگذارد و اگر چنین باشد که خود جنابعالی ایام تعطیل را مشرف شوید و این مطلب انجام داده شود، شاید اولی باشد و ضمناً معلوم باشد که اگر امر تبیض را به دیگری واگذارید، بهتر خواهد شد، زیرا که هر چه خط خوانا باشد، برای ملاحظه ←

→ و طبع بهتر خواهد شد. زیاده از این تصدیع ندهم، خدمت حضرت آقای والد - دامت برکاته - و جانب عمدة الافضل آقای آقامهدی - حفظه الله و كل من رأیت الصلاح فی تبلیغ سلامی اليه - ، عارض سلام و از همگی التماس دعا دارم.

والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

مجددًا معروض می دارد، چنان‌چه آقای ایروانی نقل کرده، اخیراً نظر احقر بر این شد که در موارد عدم قدرت به تمام اجزای صلوة و اضطرار به ترک یکی از دو یا سه جزء مثلاً از موارد تعارض است و از حسن نظر عالی که به این مطلب برخورده، بسیار مشعوف و شکر الهی نمودم که بحمد الله توانستم چنین افکاری را به راه ترقی و ادارم. ذلک فضل الله و له المنة والحمد.

واما نتیجه این تعارض این که مقتضای اطلاق کل من الدلیلین ثبوت مفاده فی مفروض المثال و التعارض بما انه بالعموم من وجه، فلامحالة يسقط کل من الاطلاقین فیرجع الى الاصل و يرفع خصوصية کل من الامرین مثلاً باصلة البرائة فیشت التخیر هذا فيما كان لکل من الدلیلین اطلاق و الا فالممیع هو ما له الاطلاق فإذا دار الامر بين ترک الاستقرار الثابت وجوهه بالاجماع و ترک شيء آخر ممادل دلیل لفظی على وجوبه کان المتعین سقوط الاستقرار. نعم لوفرض العموم اللغظی فی کل من الدلیلین وجب الرجوع الى مرجحات باب المعارضه كما انه اذا كان العموم في احدهما دون الآخر لزم الاخذ به و لبيان التفرقة في موارد التعارض بالعموم من وجه بين كونهما عامین و كونها مطلقين حيث ان مقتضى القاعدة في الاول الرجوع الى المرجحات و في الثاني التساقط و الرجوع الى الاصل او العموم او الاطلاق الفوقيين. محل آخر که این مختصر گنجایش بیان آن را ندارد. به آقای اخوی عرض می کنم به خدمتستان بنویسند، قبول می کند یا نه، خود می داند. اگر قول نداد کسی دیگر را و می دارم بنویسد.

مرقومهای که این مستله را داشت، تاریخ نداشت. البته بعد از این تمام مکاتب را تاریخ هم بگذارید، فراید زیاد دارد.

شیرین گل

۱۳۷۰

سید

خوشمه بیو سنه محترم شرمند سرخ زبان از داده از زید خوشمه

دو همین دین ایه و مکب بات ارجمند پسران و خواهران طلاق
وزوجت عاصمه عصر ارواح آدمیان به عصمه عرضی بر تشریف خوش
خوشمه بس بجه بسیه از لذت علی خوش بسته بسیه بجه بجه بجه
حصل دعای ایش و میز است در حرم الام راه را که دعا داده باشد
ایه دیگر نیست همان فریاد سرخ زید خوشمه کل از زید از زید کل
چشیدم من حصل دزد خوشی طبع حصل بیفعی خوشی

اد راجی برقیه ایست بقدر قدری می پنده سرمه خیز مقدمة
نمک نزدی و قبیل از نگینهای میں سرشن اند اند اند
صهیبی کرد و راجی بزشن حباب نام خوش بود که کش
بر پیش این دوین و مهرب بیفعی سه مدت که در خوش بوده
م در عصر ایست که کشید اند و چون بد بود حرا ایوه خوش
افز طبع بیفعی و نیز دلیل مدت کش کش کش کش ایوه
که خوش زدن و هر کسی دو پیش و هفت داده ای داده ای داده
ریشی خوشی دارم و خوبی که از خوش بوده ای خوش بوده

شهر شوال المکرم ۸

۱۳۷۰

بسمه تعالیٰ

عرض می شود: پیوسته صحتماندی و تندرستی جنابالی را از درگاه ایزد معال خواسته و خواهانم و ان شاء الله وجود مبارک از جمیع بیلات مصون و محروس و در ظل عنایات و توجهات خاصه ولی عصر - ارواح العالمین له الفداء - موفق به نشر و ترویج شریعت مقدسه بوده باشید. از حالات داعی خواسته باشید تا حال صحت جسمانی حاصل و ملالی نیست و به سلامت در حرم مطهر مولی الموالی دعاگو و نایب الزیارة بوده و می باشم. ضمناً رقیمه شریفه حضرت تعالیٰ که حاکی از سلامت وجود مبارک بود در چند یوم قبل واصل و از مضمونش اطلاع حاصل نموده، خیلی خوشوقت شدم. اما راجع به تفسیر که نوشته بودید، قادریش می پرسیم شده و هنوز مقدمات تکمیل نشده و قبل از تکمیل مقدمات میل به نشریش ندارم، ان شاء الله دعا کنید که تکمیل شود. و اما راجع به نوشتن جواب نامه که فرموده بودید کسی دیگر بنویسد، این اولین مرحله است. تبلیغ سلام خدمت آقای اخوی - سلمه الله تعالیٰ - که در عهده مرحمت سر کار می گذارم و چون مدتی بود که از احوالات حضرت اخوی اطلاع نداشتمن و در نیمه شعبان خدمت حضرت حجه الاسلام آقای ابوی - دام ظله - کاغذی نوشته و تبریک ورود ایشان و استفسار حالاتشان که نموده بودم، در ضمن عرض سلام به جناب محترم آقای اخوی و به حضرت تعالیٰ عرض کرده بودم. و بحمد الله تعالیٰ از خود حضرت آقای اخوی کاغذی داشتم، رفع نگرانی شد. ولی تا حال از خود حضرت آقای والد جواب نرسیده و به خدمتشان عرض سلام و اظهار ارادت می نمایم. خدمت جناب آقای آقا مهدی - حفظه الله تعالیٰ - عارض سلام و از همگی التماس دعا دارم، والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

۵۰ آذر صفر المی
۱۳۷۱

سمیر ابراهیم

مرسی بودند از و به لی و جو بک درین محنت پیارست و عزت و حافظت نهادند
تمام بر روزه سی رک مرده بک اعدا کرده از سیدی نزاج شریف و از عطا طلبان بمناسبت همین بی پور و مشکل
که به همین دلیل از برگات ادعیه می کردند که این دعوهایت فنا صافه مصروفت و لاعص غسل آنها
بن شد نهادند امداد و دعایت دادند از این دعایت خواهی سر بر در خوش و میکارند
بعضی این بیت موقت بحث شدند باشید همچنان و لی بن موسی بر اکابر اهل سنت

غمده ام و که به بیش ل جنابه لی را در حجزه علیمی ساید که برگات ام غرفت بیت
برده بود بست بگاهه و حذب بندی ب رهی برق خود را درست و لفایه همین
و به آن روند دادند از هر چهارمین مادر سرمه در حق بیش نیز بست بمنهاری بیش
نشد ولی از موافق هم کردند و بیش نیز بده طبع نهادند بپرسید بفضل الله
امر بعلیع ایوب زکریه موصی قیمت است و به آن روند دادند دیگر هم و تجھیه بپرسید
او کلم ایوبی کوئی

۲۵ شهر صفر الخیر

۱۳۷۱

به عرض عالی می رسانند: ان شاء الله تعالى وجود مبارک قرین صحت و سعادت و عزت و عافیت بوده باشد. محترم مرقومه مبارکه مورخه ۱۳ جاری حاکی از سلامتی مراج شریف و از عواطف آن جناب واصل، بسی مسورو و مشکر، بحمد الله بلای رسیده بود از برکت ادعیه صالحه آقایان و توجهات خاصه حضرت ولی عصر - عجل الله تعالى فرجه - رفع شد. فشكراً له مدامت السماوات والارض.

از اشتغالات جنابعالی بسی مسورو و خوشود می باشم. امید است به فضل الهی پیوسته موفق به خدمت شرع مقدس باشید. حقیقت دلم به این خوش است که اگر اجل رسید، بی نتیجه نمردهام و بحمد الله امثال جنابعالی را در حوزه علمیه به یادگار گذاشته ام. خدمت شریف آقای والد - دامت بر کاته - و جناب مستطاب آقا آقاشیخ صادق خوئی^۱ - دامت توفیقته - عارض سلام و التماس دعا دارم.

از آقای آقا شیخ صادق بسی معتقد، حق با ایشان است. محبت های ایشان فراموش نشده، ولی از موانع احقر و گرفتاری های فوق العاده اطلاع ندارند. امید است به فضل الهی همه امور اصلاح شود. زیاده عرض قابلی نداشته و التماس دعا دارم.
والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته
ابوالقاسم الموسوي الخوئي

۱. مرحوم آیت الله حاج شیخ صادق خوئی، از فضلای مشهور حوزه درسی آیت الله العظمی حجت و عالم بزرگ شهر خوئی.

جعفر و میرزا

بسم الله الرحمن الرحيم

بیان علیرغم در درستگاه کارکنان از تدبیر نمایند

باقی مکار فسیده نموده و حواس بھر ف ایمانست

لزی طاپ کل کند شہرہ پیرتھ اور سین

مروج عزیز حست و خود لام احوال عز و عزت و فرس

عنست فرموده و خیر مادر را خصا بین محدود نماید

دیکنیه در زیر و قدم رفته بود و در قسم های تعمیر می شود

دیگر از جست کردن متعمل و معنده درست و بعزم خوب است

خود را خنثی کرده و نقصه های سیاست رفاقت اینچه

اٹھ سوں ایک طبقہ خود بکھرنا وہ نہ شد کہ جبکہ

یا ب سرمه در این تدریج فایبره کنم علاوه بر اینها

سکونتگاه ایل داری مصیب و مهاده امیر
خان

وَسُرْعَمْ دَارِهِ هَبْ لَهْ وَهَدْ دَيْمَهِ سَكْ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مورخه ۹ شهر صیام سنه ۷۱

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می رسانند: مرقومه محترمه که حاکی از تأثرات قلبی آن جناب در این فاجعه^۱ بود، با یک تلگراف قبل از زیارت و جواب تلگراف ارسال شد، شاید از لحاظ مبارک گذشته باشد. امید است حضرت حق سبحانه آن مرحوم را غریق رحمت و جنابعالی را طول عمر و عزت و توفیق عنایت فرموده و احقر را از اجر صابرین محروم ننماید.

اما اشکالاتی که بر بنده مرقوم رفته بود، بر سه قسم است. بعضی منی بر تسامح و بعضی از جهت کثرت مشاغل و معذوریت و برخی چون اصلًاً وظیفه احقر نبوده.

اما راجع به تلگراف به طهران آغازاده حاج میرزا عبدالله خودش مخابره نموده بود و بقیه آقایان هم باید رفقای اینجایی ایشان عمل به وظیفه خود بکنند و مناسب نیست که احقر سبیاً یا مباشرتاً در این تلگرافاً مخابره کنم. علی کل حال بنده از آقایان که اظهار لطف و اشتراک در این مصیبت نموده‌اند مشکر و منونم و از حضرت آقای والد رقیمه تسلیت چند روز قبل زیارت و جواب تقدیم شده. در خاتمه سلامتی آن جناب و عموم متعلقین را از درگاه حضرت احادیث - جلت عظمته - خواستارم، والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته ابوالقاسم الموسوي الخوئي

۱. مقصود، ضایعه در گذشت مرحوم آیت الله حاج سید علی اکبر خوبی - والد معظم آیت الله العظمی خوبی - است.

سہیں الرحم

دش دیره لی هست رفاقت سرکل بطف های
و خطر طرف سرکل حضرت پاچھم عمر اور نارنگی پاچھم ایش و دیدیت نصیر
محابا هات رفینه فیز زیبادن و دو من بنی کرب کرد و در مقدمه تبریز رفیع
۵ هنر بر سر و یکم نیز است آن در مردم شد و این ره کشانی نزد رفیع است در آنی هنر
از طلب نزد هنر بر طبع داندگاه حضرت همیت آن بطل بخواست
و حسن داشت در زم روحانی آن را شتر قرق داشت بسیار
سهم شد با اندک کفر درده اید عین اسکن و بقیت نهاده مت هشت بهشت آخر
در تقدیر و تبریث نیز هنرمان طبع نمود رفقت بر اینه بلند پیش
دل این طبع رفع است در بیان این خبر میدونند باز بر اینه باشند و خود
ست بزیان مکنن میری همیت واله آمیه میباشد همیت شرعیه هفدهم
هر فیزیز شرود دستبرد ایمان خان دی صفت فتح رقد مرد و آن را ایمان
۱ جهاد خان پاچھم قدریه همراهان با بسیار خود مدد موزه ام عای ای
کسی را تمهید مانم در روانش ^۲ لذت و خواست بث بته کله ایج
۰ سلطان بر عیازه ای روحیه ملل همراه باشند از تبریز همچنان نزدیم
خیز بر راریش نزدیم بازی خیز بر سه راه ایجه همیش
حروف ریال هفت میزد و ایکم معلم شکه اید ایشه ایمل هشتم

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می رسانند: انشاء الله تعالى با صحت و عافیت مشمول الطاف خاصه حضرت حق سبحانه و منظور نظر مقدس حضرت ولی عصر- عجل الله تعالى فرجه - بوده باشید و امید است به فضل الهی در اثر مجاهدات دینیه عزیز الدارین و در ضممن مجاهدین محسوب گردید. دو مرقومه محترمه مورخه ۵ شهر جاری و یستم زیارت، گویا مرقومه اولیه بلکه ثانیه نیز در پست قدری تأخیر کرده بود. از مطالب مندرجه هر دو مطلع و از درگاه حضرت احادیث به آن جناب طلب خیر و عافیت و حسن عاقبت نمودم. راجع به آقای حاجی سید موسی مازندرانی^۱ شرحی مرقوم داشته بودید معلوم شد همان طوری که فرموده اید به مقداری که با تکلیف منافات نداشته باشد احقر در تجلیل و تجلیل ایشان حاضرم و این مطلب هم متوقف بر اظهار لطف ایشان نیست ولی این مطلب واضح است که برای احقر معامله نمودن با مردم با حسابی که خودشان نسبت به خودشان می کنند، میسرور نیست ولی البته بعد از جهات شرعیه ملاحظه جهات عرفی نیز بشود و به قدر امکان نباید خلاف توقع رفتار نمود و اما راجع به اجازه اجتهاد، جنابعالی مسبوقد که احقر این باب را بر خود سد نموده ام، بلی اگر کسی را مجتهد بدانم در مواقعن لسانا گفته و خواهم گفت انشاء الله تعالى اگر جناب آقای معظم له به اجازه امور حسیه مجلله حاضر باشند از قبل احقر مانع نیست، عجالتاً چیزی برای ایشان ننوشتم تا از جناب عالی خبر برسد. اجازه آقای سید جلیل در جوف ارسال می شود، از آن جایی که مکاتبه ابتدائیه را میل نداشتم فقط اجازه را به خدمتتان ارسال نمودم جنابعالی بفرستید. عدم ارسال غلط نامه و تقریرات از جهت مسامحه واسطه شد فردا انشاء الله تعالى با همین عرضیه ارسال می شود. راجع به خودداری از اجازه دادن البته همین طور است که مرقوم داشته اید کمال ملاحظه را دارم. از گزارشات خوبی مطلع شده از آقایان مشتکر امید است حضرت حق سبحانه جزای خیر عنایت فرماید. از معامله قند ریز و مشهدی عبد مناف مسیویق، قبض در جوف ارسال خدمت است. علی الظاهر برای طبع حاشیه عروة که از حواشی معمولة خیلی مفصل تر است حاجت بر وجه خواهد شد، اگر وجهی رسید برای آن جهت باشد.

۱. مرحوم آیت الله حاج سید موسی مازندرانی - شوهر خواهر آیت الله العظمی روحانی - صاحب کتاب «العقد المنیر فی ما يتعلّق بالدرّاهم والدّناریّ».

در اینجا نهاده شد از افضل چون دیگر آنچه صلح و امنیت علی یا نیزه مصطفی است هر روز از برادران شش اتفاق
هر چند روزت راهی خانه شیخ سیدم در از زادم با دو پسر خانه شیخ "السید" طبع و کتب بضم از
قشر قله غیر مرتب دسته ادارگیری از این مانند در از زاده ایام احمد خیری را این است در این بهار
نهاده شد که طبع بزرگ در دهشت غراز راه بخت مکرر شد و کثرت اینست و تغذیه ایشان
از حضرت حق سعادت رفیع سید احمد و از ائمه و علم را درست برای کهنه و مفت شاهزاده ایشان
سبی سید و ششم زیر اکبر از ایشان در کفر شاهزادم دلار از حضرت حق سعادت رسیده دستور داشت نهاده
اسیده است سعادت و ایشان را در عرضی راحم کرد و گفته بود ایشان را باید دستور داد و حکم اعدام
برای ایشان ایجاد کرد

علیه نهاده شد و در حرف تصریفات ایشان شد

و راجع به آقا شیخ ابوالفضل خوانساری^۱ آنچه صلاح بدانید عمل نمایید، مضی است آقای ماکوئی رساله منتخب الاحکام آقای حجت را فرستاده بود، حاشیه نسودم و فرستادم. بنا بود حاشیه را مستقلآ طبع و به کتاب منظمه نمایند. تفسیر فعلاً غیر مرتب و مقدار کثیری هم ناقص مانده و ننوشته‌ام، اهتمام حقیر بر این است که مقدمه را تهدیب کرده، طبع شود. در وضعیت غیر از مراجعت مکتوی و کثرت استفتاء تغیر ظاهری نیست. از حضرت حق سبحانه توفیق می‌خواهم و از این که مرقوم داشته بودید بحمد الله وضعیات شما تنزل نکرده است بسیار مسروشدم زیرا که زیاد در فکر شما بودم و کراراً از حضرت حق سبحانه استمداد و استعانت نموده‌ام. امید است مقرون به اجابت گردد، عرضه را ختم کرده و مخصوصاً التماس دعا دارم، والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

غلط نامه‌ها در جوف تقریرات ارسال شد.

۱. آیت الله حاج شیخ ابوالفضل خوانساری – از علمای حوزه علمیه قم –

بر حسب تصریح اداره آموزش و پرورش شهر و بخش شهریار
هر دو قوه مددکار است زندگانی خود را به این سه امکان نهاده است
که از جمله آنها درست هضم کاملاً پرورده شوند تا کون از این امکانات
عزم ترقیت شرائمه و افزایش را حداکثری داشته باشند. در مردمه که در زمره فقر و
آزار از این راه امتحان بسیار بطریق خود و همچنان خود و قدره را نهاده دارند،
از طرف شیخ چیزی با خبر نداشته باشد و حبشه است که نزد امیر
که به رفیق شد ایده ایم علیه تصریح می‌نماید که این طبقه ایشان را
نهاده است و به بیشتر رفیق خواهید شد و آنها هم از امداد الهشیه نداشته باشند.
فقط در این مورد ایشان را می‌توانند در این مورد می‌توانند خواهند شد اگر از جهات
دیگری که این ایشان را دارند این ایشان را می‌توانند نهاده کردند و این ایشان را
در غرفت گذاشته و در جهات دیگر که بجهات ارضیه ایشان را نهاده
روزی از قرار مسح و خر و چیزی بر این طبقه خوب نداشته باشد
غیر از این ب دست دوام از صفت این غیر ایشان را دارد.

بسم الله الرحمن الرحيم

بر حسب مقهوریت اراده بنده نسبت به اراده حضرت حق جل و علا عریضه ظهر ورقه
مدتی است نزد احقر مانده خواسته تمکیل کنم، مانع رسیده است که از جمله آنها فوت
مرحوم آقا علی شاهروdi بود. تاکنون از این حادثه غیرمتربقه متأثر، انا الله و انا اليه راجعون.
در مرقومهای که در خود مرقومه و پاکت آن راجع به مکتوب سمیعی به طرف خود در قم
و شرحی مرقوم داشته بودید تا حال از طرف ایشان چیزی به احقر نرسیده است و حسب
عادت هم نخواهد رسید. بحمد الله موفق شده اید در ایام عید تقسیمی بین طلاب نموده اید،
امید است ان شاء الله بیشتر موفق خواهید شد. و اما احقر از ماه شوال گذشته تا ماه مبارک
امسال نتوانسته بودم تقسیمی بنمایم خواهی نخواهی در ماه مبارک تقسیمی کرده و از توابع
آن تا حال نیز راحت نشدم والامر الى الله، او ضاع مالی بنده هیچ تعریف ندارد و مع ذلک
شکایتی ندارم زیرا که اگر از جهات مادی در زحمت باشم از جهات دیگر بحمد الله خوب
است. مرقوم داشته بودید از قرار مسموع احقر وجهی برای طلاب خوی و طسوج توسط
غیر آن جانب فرستاده ام از مصلحت این عمل استفسار فرموده بودید. چنین مطلبی واقعیت
ندارد البته ملاحظه می فرماید جایی که این مسموعات کاذبه در آن جانب تأثیر کند در
دیگران چه خواهد کرد و قس على ذلک باب فعل و تفععل.

در موضوع صیغه آقای حاجی سید موسی، آقای اخوی آن جانب با احقر مذاکره ای
نمودند. بعضی از آقایان تجار امسال در نجف اشرف مشرف بودند، با آنها مذاکراتی شد
شاید نسبت به طلاب قم و آذربایجانی ها بی تیجه نباشد و در صورت انتاج البته توسط آن
جانب خواهد شد. مرقومه اخیره که غیر از طلب دعا چیزی نداشت زیارت و مخصوصاً
برای آن جانب دعای خیر نمودم، امید به فضل الهی این که مقرون به اجابت گردد.
والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته
ابوالقاسم الموسوي الخوئي

مَنْ هُوَ إِلَّا كَوَافِرُ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بازیست دید نهاده هر کس و هر گز و در گذشته
دیدار شده بیکت همچنان میخواسته باشد
لذت امانت داشت و میتوانست خود را در این شرایط
که بر سر گشتم میخورد از این سر برخیزد
بیهوده و لذت خود را که میتوانست خود را خوش
نماید و هنوز را داده آیینه جالب خواهد بود
هر چیزی غریب نداند و این نظریه این رسمیه
نیز عجیب است و میتواند دلیل داشت که در این
مکان از این رسمیه عالم آنها نیز میتوانند
آنها را در این رسمیه داشتند و این نظریه
این طبقه بسیار خوب نماید و از این نظریه
که این رسمیه این طور خوب نماید و از این نظریه

مورخه ۱۳ محرم الحرام سنته ۷۲

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض می رسانند: رقیمه شریفه که مشعر بر سلامتی آن وجود محترم بود واصل و زیارت شد. امید است حضرت حق سبحانه جنابعالی را با سایر متعلّقین از تمام آفات و بلایات محفوظ و سالم بدارد، از احوالات حقیر جویا باشید بحمد الله به نعمت صحت متعنم امیدوارم از آن جانب نیز بدين منوال در گذر بوده باشد ولی از قراری که چندی قبل آقای اخوی آقای آقا سید محمد می فرمودند و بنده زاده آقا سید جمال نیز از تهران نوشته بودند که جواب تلگراف شما و آقایان انصاریان^۱ نرسیده ولی بنده جواب را مخابرہ نموده بودم ولی چون کوییه بوده، شاید تلگرافچی اشباها تمام آنها را خدمت مرحوم حضرت آیة الله آقای خوانساری تقدیم نموده و از ایشان نیز متوجهم که چرا این مطلب را به شما اظهار نفرموده اند. لذا از شما خواهشمندم که این مطلب را به آقایان انصاریان نیز ابلاغ نمایید. راجع به موضوع آقای کاشانی حسب الامر به خدمت ایشان عرضه ای ارسال و به مناسبت قدوم از سفر حج تبریزیک عرض کردم تا حال جواب نرسیده ولی دیر هم نشده بسیار میل دارم که جنابعالی که محبت شما به احقر الهی و جنبه دنیابی ندارد به نجف اشرف مشرف و حال احتر و کارهای زیاد بی معاون را ملاحظه فرماید به رأی العین خواهید دید که عدم ادای وظیفه نسبت به آقایان قصور است نه تقصیر و ما غلب الله عليه فهو أولى بالغذار انانه و انا اليه راجعون. محضر محترم حضرت آقای والد - دام بقاءه - و آقایان اعمام آقای آقا مهدی و سایر فامیل محترم و آقایان دوستان تبلیغ سلام منوط به لطف سامی است. التماس دعا داریم، والسلام عليکم و رحمة الله و بر کاته

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

۱. حضرات آیات: حاج شیخ احمد انصاری و حاج شیخ محمود انصاری قمی - قدس سرهمما - هر دو از علمای نجف اشرف و اعیان تلامذه آیت الله العظمی خوئی بودند، حاج شیخ احمد انصاری به دست رژیم بعث عراق به شهادت رسید.

18.55

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مروج پر میزند اسٹ وہ نالے درست رفیق حضرت ولی عصر گیر ایرانی لے فوجہ و ہجر بکر
و عین دشمن کو کم سخت رین غزت و سارے علمیہ مکن و روزیہ بارکو و مرضہ ۱۰ شریف بدر زیارت
از اطاف نبود و سر شکر ندز را صبر بریں تو فیضت و میدیات لے از ازدایا حضرت ہریت
حضرت یہشم را جو بہنیہ اکنہ دانیہ نہ پیدا نہ دعویٰ طویلیات دنوری نورہ انہی تیری
حکمیت کے از زر اذل از حدگزیش دن در راه دنی و حیثیت و ہمدردی ظنیہ شوالر کریں
نبود و کم شفی پیدا کر و دعویٰ نہیں را پیغمبیر کھنی سسم جوارد و لکھنے درست غلطہ دعویٰ نہ
میری آنے اخیر حضرت نمی خپڑہ و ہم بحال ایضاً در وکارہ حضرت ایضاً پیغمبر علیہ السلام
سریزایران انس عبد الدین و المدن لئے علی اس ستم دیدورنی حیثیت از درست ایشان الحجہ کرایہ
از حضرت ۹۰ سنت چوتا ۱۳۷۸ھ تخریج با یک دار قدام دنی طهرا بجهت دن بونی و از
شراں دنیں مختلف مدارد راجح بائیشی عروہ الویش و مقتدا شریعت دو دین ماشی لکیں صدر
نهضت و فاعلیت کی اس طبقہ در مدد و مددت ہت بایترت بایرت و اتنی بہریت
شتم ایسا کت لیضا ایں ۱۶ آخر تاریخ ستم نہت پہنچم گیرید و ایسا یاد طور پر کمکوں لزوم
ہبستہ ساری کل تاریخ سے عبد الحکم کو کام در ہماران ایکم داریم مہربانی شوالی
سدیار دین زادہ بیرونی ایصال حواب بروشنہ لکھا را دی وہیں ہمیں عرضی پا یافتہ ایصال
نیں یہ کھنہ کھنہ کھنہ حضرت ۵ روید دامت بکار و حسنه پا یافتہ
مرلا ہم را بیرجہ ۶۴ لے تھا کام دیکھ دی دام دیکھ علیکم و حسنه ہم در بکار
اویا کام ایکم ایکم

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می رسانند: ان شاء الله تعالى در تحت توجهات حضرت ولی عصر - عجل الله تعالى فرجه - وجود مبارک و عموم فامیل محترم به سلامتی قرین عزت و سعادت بوده باشد. محترم مرقومه مبارکه مورخه ۱۱ شهر جاری زیارت از الطاف مبذوله بسی تشکر و زیاده بر سابق توفیقات و تأییدات عالی را از درگاه حضرت احادیث خواستار شدم. راجع به تنهایی آن جناب و اینکه ثانی پیدا نشده و ملاحظه جهات دنیوی نموده اند، البته بر جنابعالی مخفی نیست که از روز اول از خود گذشتن در راه دین و حقیقت و عمل به وظیفه شرعی کار هر کس بوده و کم شخصی پیدا شود که مصلحت دینی را بر مصلحت شخصی مقدم بدارد و لکنه جلت عظمته وعد فی صریح کتابه العزیز بنصرا من ينصره و هو الغالب القاهر؛ و جد بزرگوار ما حضرت ابی عبدالله الحسین - علیه السلام - می فرماید: الناس عبید الدنيا و الدين لعقم على المستهم يدورونه حيث مادرت معايشهم الخ. و كيف الحال از حضرت احادیث خواستارم که احقر و جنابعالی و سایر خدام دین مطهر را بر خدمت دین موفق و از شر انس و جن محفوظ بدارد. راجع به حاشیه عروة الوثقی مرقوم داشته بودید حاشیه کتاب صلوة خلاص شده و حاشیه کتاب طهارة در حدود ثبت است با کثرت ابحاث و اشغال به جدیت مشغولم امید است به فضل الهی تا آخر شهر صیام ان شاء الله تعالى انجام بگیرد. و اما رساله مطبوعه آچجه لازم باشد به جناب مستطاب آقای حاجی سید عبدالحمید ماکویی در تهران مرقوم دارید خدمت شما ارسال می دارد، بندهزاده سید جمال جواب مرقومه عالی را یا در ضمن همین عرضه یا مستقل ارسال می نماید. مخصوصاً محض محترم حضرت آقای والد- دامت برکاته - و جناب ثنته الاسلام آقای آقا مهدی - ایده الله تعالى - عارض سلام و التمام دعا دارم، والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

۳ صفر ۱۳۷۴

بسم الله الرحمن الرحيم

فروز

بهر علیرزه نه بره که من از مادرت مکررت داشت

سوزان

و ملکه زیست باید بدرست خسرو خرم و با غصت امانت
و باید بسیز تغیر شود و در از رعایت خاصیت و لاعصر نیز
فرمود و از جمیع بیت حضرت پیشنهاد زده بودند و از خواسته
که بر این مکت تردن به فضیلت عز و رحمه از نیز و کوچک
که خواهد نمود و شعور عدالت این بیان و در صبر و این مخصوصیت
همه را در این محبت از این من منع و ممنوع که بعد از
از این طبقه ایک خوبه از این فتنه سه عدد راهیزه نهاد
بد دیگر نهاده زرشته و جوانه نهاده شد و باعین عذر داد
که نهاده که این نظریه را ز طرفه از دیگر صورت از نهاده
لئن عصر از چونسته بود و همینه از این نهاده آن
نظر از این امر موکل ببعض دیدگیریات.

٣ صفر الخیر

۱۳۷۴

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می رسانند: ان شاء الله تعالى مزاج مبارک در کمال استقامت و عین
 عافیت بوده و ملالی نخواهد داشت. امید است پیوسته خوش و خرم و با عزت و سعادت
 قرین و توأم و به تأییدات غبی مؤید، در اثر توجهات حضرت ولی عصر- عجل الله تعالى
 فرجه- موفق و از جمیع بلیات محفوظ باشید. از احوالات اینجانب خواسته باشد، بحمد الله
 نعمت صحت مفرون به قدری ضعف، برقرار و تازه‌های نیست. ریشه کریمه که حاکی از
 سلامتی و مشعر بر عودت آن جناب به قم بود، واصل و از مضمونش اطلاع حاصل
 گردیده، از محبت‌های شما ممنون و مشکرم.
 لابد این کاغذ در قم از لحاظ مبارک خواهد گذشت. ضمناً سه عدد اجازه
 نامه خواسته بودید، آنها را نوشت و جوفاً تقدیم شد. راجع به عکس برداری کاغذ
 آقای کاشف‌الغطاء یکی از اطرافیهای ایشان اصل کاغذ یا یک نسخه عکس از ما
 خواسته بود و اما بیشتر از یک نسخه احقر نظری ندارم، امر موکول به صلاح دید
 آن جناب است.

فیضان خود را در حجاج ۱۴ هجرت در این پیغمبر که موده عزیز بر دریه قدر داشته
عزم ترسن بدو راستایی خود را باستاده دریا شد. قبده زدن طبق این
ذکر ششم مناسک عجیب که خدمت علیا در شیراز است که این سهت ناصر سید
باشد و بخطه در فخر برده و دعوه در فخر نیاید. جو بصر اسلام در زیر عرض شاهزاده
پسگشیده عروه نمیخواهد که از بجهاد شاهزاده که هم شهادت بر پسر غفرناب بعد از آنها
دهشت و زحمت طبع تبریز را به خوبی داشت. که نیز جو بگذران من شاهزاده

سی ایس بی چرچ میراث جو پیغمبر مسیح
د (قصہ) یعنی بارگاں کو حق دانتے بود و میرا میراث نیک کہ مارادو مرست
ولذب و مروج در بگارت قیص پیچے پکن وجاذب نظر فوج میرست و قدر اسلام
میراث فتح خواهند کرد این ملکیں کو کاملا خود شد و میراث خداوند نایم
د و پاسد و اجر متفق پندرہ تاریخ ایام شوائیز است اگر کوئی زیر پیش
لهمتی کی ایسات همکر کرده و دیگر عرض کر کے تو تمود کیا میں اصرافت
میر غیرت و چکر سس و دیگر بخوبی ایسات کم کا خبر نہیں

لیکن بجز این دو نیز کاملاً عجیب و در عرض آنها از نظر این افراد
نمایم که اینها را در این شرایط ممکن است که از اینها در اینجا دارای دوستی و عین
شناخت باشند. ولی نظری نمایم که اینها همچنان که اینها در اینجا دارای دوستی و عین
شناخت باشند. ولی نظری نمایم که اینها همچنان که اینها در اینجا دارای دوستی و عین

لهم عاصم بن أبيه معاذ ولي شهادة بغير حكم لمن أنت به قادر
لهم دعوة معاذ لحضرتكم مني ناجحه ارجوكم اول روحه خارجه
لهم عاصم معاذ وله شهادة بغير حكم ارجوكم اول روحه خارجه

نمی دانم مراد از ارجاع تمام امورات در ایران چه بوده که مورد اعتراض گردید. آقای آقا رضا خلخالی^۱ عازم تهران بود. توسط ایشان عبای تابستانی ارسال شد. قبل از این مطلب سابقه نداشت. مناسک حجج که خدمت عالی ارسال شده بود، امید است تا حال رسیده باشد. واسطه در نظرم بود، ولی فعلًا در نظرم نیامد. جواب دو مسئله هم در ذیل عرض می شود. راجع به حاشیه عروه خیلی کم از کتاب طهارت مانده که تمام شود. ان شاء الله عنقریب بعد از اتمام صلوة و طهارت را از جهت طبع به تهران ارسال خواهم داشت. تأثیر جواب را خودتان منشأ آن را می دانید، البته قبول معدتر خواهد نمود.

۱- تقدیم سال ربع که مرقوم داشته بودید، محل اشکال است، زیرا که سال امر واقعی است و از مبدأ شروع در تجارت تعین پیدا می کند و جواز تغییر محتاج به دلیل است و آن هم مفقود است. فعلی هذا لازم است آن دو شریکن هر کدام سال خودش را ملاحظه نمایید.

۲- و اما مسئله راجعه به تلفن، اگر مراد شما در این مسئله این است که گوشی و سیم هایی که اتصال تلفن به آنهاست، مال کسی بوده و دیگری غصب کرده، البته مجرد استعمال آن هم تصرف در مال غیر است و حکمکش معلوم و اگر به نحو دیگری است که ما خبر نداریم.

در موضوع اقدامات از نجف اشرف بر علیه احقر شرحی مرقوم داشته بودید، این موضوع تازگی نداشته و از اوایل سن اصغر ادامه دارد. کثیراً متذکر فرمایش حضرت علی اکبر - سلام الله عليه - می شوم، عرض کرد به محضر والدش - اروختنا له الفداء - اولستنا علی الحق؟ قال بلى. فقال اذا لانبالي اوقتنا على الموت ام الموت وقع علينا. اميدوارم به فضل الهی یک جزیی از این معنی در احقر هم باشد. اگر عمل تکلیف شده باشد، باقی سهل است و این مطلب هم نزد احقر واضح است که اگر انسان یک دوست داشته باشد که جامع بین آنها خدا و دین باشد، بهتر از دوست های کثیر است که جامع آنها امور دنیویه باشد و بحمد الله تعالى حضرت حق سیحانه به احقر از قسم اول مرحمت فرموده است، والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

۱. شهید آیت الله سید رضا خلخالی از علمای نجف اشرف و نویسنده تصریفات آیت الله خوئی به نام «معتمد العروة الوثقی».

به عرض عالی می رسانند: ان شاء الله تعالى وجود مبارک قرین صحت و عافیت و به توفیقات خاصه الیه موفق و منظور نظر مقدس حضرت ولی عصر - عجل الله تعالى فرجه - بوده باشد. مختوم مرقومه مورخه ۲۲ شهر ج ۱ زیارت، از آن جایی که مشتمل به مطالب عدیده است یکی یکی حواب عرضه می دارم:

۱- از الطاف آن جناب پسی مشکر، گمان می کنم اگر یکی از دعاها احقر در حق جنابعالی مستجاب شود و هو المأمول منه سبحانه برای دنیا و آخرت شما کافی شود.

۲- در موضوع دعوت احقر به قم شرحی مرقوم داشته بودید از احساسات آقایان که کاشف از تقدیر علم و علاوه آنها به تحصیل و اقامه حوزه مقدسه است، زیاده مسروور، در این موضوع سه مطلب است: یکی اینکه بی اشکال جهات دنیویه در قم مربوط به جهات نجف اشرف نیست و البته از همه لحظات دنیوی برای احقر آنچا خوش تر است ولی این جهت در وقتی مراجعت است که خلاف رضای الهی نباشد. دیگری اینکه حرکت احقر از نجف، حوزه اینجا را صدمه فوق العاده وارد خواهد ساخت بلکه به نظر بعضی هایش از این است. سیمی اینکه حرکت احقر موجب خدمت به حوزه مقدسه قم خواهد شد البته این دو جهت مراحمت می نماید، نمی دانم ترجیح کدام فعلًا موجب رضای الهی است. البته بعد از تمامیت مقتضی به فضل الهی از تکلیف تجاوز نکرده و آنچه را که رضای الهی را در آن احراز کرده باشد ترجیح خواهند کرد و البته این فرضی که احقر به قم حرکت نمایم جمعی هم از اهل علم نجف حرکت خواهد کرد و البته این کار به ضرر نجف تمام خواهد شد. پس باید با کمال دقت و مطالعه و مشاوره و استخاره چیزی گفته شود. از حضرت حق سبحانه خواستارم که رضای خود در هر چه باشد او را در حق احقر مقدار فرماید. مطلب دیگر می گذرد آنچه که اهمیت دارد تحصیل مرضات حق سبحانه می باشد.

۳- راجع به رساله مرقوم داشته بودید دویاره چاپ شود، فعلًا حاجتی نیست زیرا که نسخ آن زیاد است و به بنده زاده سید علی می نویسم هر قدر جنابعالی خواسته باشید خدمتتان از تهران بنویسد. میل دارم اگر نایاباً طبع شد ابسط از این بوده باشد. مکنوبی در جوف به بنده زاده ارسال می شود توسط مسافر یا پست به ایشان ایصال فرماید و خودتان هم چیزی مرقوم دارید هر مقدار نظر مبارکتان باشد تعیین نماییم. جناب آقای میرزا ابوطالب فاضلی و آقا میرزا آقا بستان آبادی تبریزی که از رفای آقای آقا میرزا محمدعلی شرایانی است و خود آقای شرایانی هم مقداری رساله خواسته اند. البته آنها را هم ملحوظ داشته به تهران مرقوم دارید اگر غلط نامه آنچا باشد فیها و الا از نجف خدمتتان می فرستم در صحیفه ۶۱ سطر ۳ چنین نوشته شد:

(پس از مردمانه ای روزگر دوچرخه کم و حرط جم) مدد مرابت از دنیا نیمه مسح
کند
تو کنیت حضرت مسیح تمام میر کند و اخط کشند و باید این طبقه در (پس درین شر و روزگر دوچرخه کم)
مسیح تمام نزدی مصطفی را ملک عصی خیر و فضیل لعنه دبر جناب ای افتخار شد مفهوم است و همان چند دارند نیست
تصدر را نسبت زاده ده رفاقت سید عبد الحکیم کاظمی میراند + راجح کنیت شرعی و قلم ایشان روزگر مسلم شدند و ای را
ناعمر بر قلمیر خود نیکن و دکران حوزه مسیحاند مدار خوشان ای دادن یعنی دادن بخت نیز نیز ده کنیت مسح
بهمیت و ایهام مسئول امام همیشہ دیگر تالیق آفرینش بگر ایام رسید و دیگر نیز ایام رسید
با محقق مشارکه شخصی و علم داشته بودیز که همچنانکه ایشان ای ایشان بسیار مقدار ایشان مفقود شده باشد
و عاد ایام شخصیه هضرت خضرت ۵ روزه داشت راجح ملک عصی و همان را ای ایشان دادن دادن

سنته ایشان دوچرخه کرد

فند و دادت دفعه نیوچه است از این مرتبه فرمودند کار زدن
بدست همان ایشان پنهان شدند و همچو که در این ایشان مقدمه ای
انباره دادن دلیل مقدمه شد که از دزد شدیده ایشان خواست
دیگر ایام روب غیر ایشان نباشد و مجب دادن ایشان را در این ایشان
کامی به مدد زاده دستور دیدن ایشان مقدمه خواست که این ایشان
هر چیز از کارهای مذکورین بست نشاند لطف نایاب دلیل
هزست خواهند باز ایام لازم داشته باشند و قلم روزگر

داند

(پس در میانه آن دو منزل احوط جمع) مستدعی است امر فرمایید اصلاح کنند به نحوی که احقر اصلاح می نمایم یعنی کلماتی را خط بکشند که باقی این طور باشد که (پس در میانه دو منزل احوط جمع).

نمی داشتم نزد آقای مصطفوی رساله بوده یا خیر در فرضی که بوده و به امر جنابعالی گرفته شد مضی است و حاجتی به پول دادن نیست تفصیل را بنده زاده و آقای حاجی

سید عبدالحمید ماکری می دانند.

۴- راجع به خوی شرحی مرقوم داشته بودید معلوم شد ان شاء الله تعالى ما عمل به وظیفه خود می کنیم دیگران خود می دانند و خدای خودشان. امیدواریم خداوند عالم همه را عاقبت به خیر نماید.

۵- حاشیه عروه را با جدیت و اهتمام مشغول اتمام هستم ان شاء الله تعالى تا آخر ماه مبارک انجام می باید و به خدمتتان ارسال می دارم.

۶- راجع به اخلاق معاشرتی نصیح مرقوم داشته بودید زیاده متشکر، امید است به فضل الهی بهتر از سابق باشد. فعلًاً زیاده عرض قابلی نداشته و التماس دعا دارم، مخصوصاً محضر حضرت آقای والد- دامت برکاته - عارض سلام و السماس دعا از جنابعالی و ایشان دارم،
والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

فعلًاً دو ساعت و نیم به فجر باقی است از این عریضه فارق شدم کار زیاد با دست تنهایی البته این مکاتیب را هم به دیگری واگذار نمود جدًا التماس دعا دارم.
ولی معلوم باشد که از روز مقداری تهیه خواب را دیده‌ام موجب نگرانی شما نباشد و عجالتاً هم می خواهم قدری استراحت نمایم به بنده زاده دستور می دهم یک‌صد نسخه خدمت شما بفرستد. به هر یکی از آقایان مذکورین بیست نسخه لطف نماید و چهل نسخه هم خدمت جنابعالی باشد. باز هم لازم داشته باشید مرقوم فرمایید ارسال دارند.

سے ۱۴۷۶
۲۸.۵۸

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می رسانند: مرقومه محترمه مورخه ۱۲ جاری زیارت و از سلامتی وجود
مبارک مسورو و از الطاف مبنده متشکر توفیقات آن جناب را از درگاه حضرت احدثیت
خواستارم. چند روز قبل عرضه ای به خدمت عالی ارسال و اجازه نامه و مکتبه راجح به
آقا شیخ علی اصغر سلامت - حفظه الله تعالى - در جوف بود ان شاء الله تعالى رسیده باشد.
جریانات آنجا و مذاکرات آقای قاضی و آقا سید علی اصغر خوبی و غیرهم معلوم شد و
قبل‌اً هم مقداری معلوم بود و لکل وجهه هو مولیها فاستینتو الخبرات. مفسرین ضمیر هو به
خداد ارجاع نموده‌اند و احقر در بحث گفتمن که این معنی با تفريع مزبور نمی‌سازد بلکه مراد
این است که هر کس به جهتی از جهات متوجه است پس شما به جهت خبرات متوجه
شوند و امور خوبی را در نظر گرفته و استیاق نمایید امید است به فضل الهی مقصد همه
خبر باشد. تلگرافی که به امضای آن جناب به احقر و آقای حکیم شده بود علی الظاهر بی
اثر بوده زیرا که جواب از قبل احقر مناسب نداشته و علی الظاهر ایشان هم حاضر بر جواب
نمی‌شد وداعی هم ندارد بلی احتمال می‌دهم اگر این سؤال کتاب از آقای کاشف الغطاء
پشود و با تحفظ بر مقام خودش جواب بددهد زیرا که ایشان به دیگران اهمیت نمی‌دهند.
غلط نامه نزد حقیر مقداری است با این عرضه ارسال خدمت شریف می‌شود از تجار تهران
نسبت به نجف اشرف تا حال اثر ظاهري نیست البته بعد از عید کاملاً معلوم خواهد شد.
جلد ثانی تقریرات را تحصیل با پست یا مسافر ارسال خدمت می‌شود. آقای حاجی
یحیی سلامی خوبی اینجا مشرف است احتمال می‌دهم دو سه روز بعد از تحويل حرکت
نماید. از مرقومه سر کار به آقای دهخوار قانی مطلع می‌دارم جواب ایشان را هم مطلع شوم
در صورتی که محدود شرعی نداشته باشد. آقای آقا سید علی اصغر خوبی^۱ چندی قبل
راجح به جواب تلگراف، از اصغر گلایه کرده بود بعداً به ایشان معلوم شد که اشتباه از
تلگراف خانه بوده و مرقومه‌ای هم در این موضوع به احقر نوشته بود نمی‌دانم باز جدیداً
گلایه شده یا جنابعالی تازه مسبوق شده‌اید علی کل حال در حق ایشان دعا می‌نمایم.

۱. از علمای تهران.

جناب مستطاب حجۃ الاسلام آقا محمد آقا - دامت تأییداته - از سابق به احقر محبت داشته و اظهار التفات می نمایند و احقر هم کماکان در اظهار محبت کوتاهی نمی نمایم آچه نشده قصور است مخصوصاً در اثر تمجیداتی که از ایشان می نمودم مورد گلایه بعضی از حاضرین بحث شده و بالاخره به تکرار آنها متنه شد و این مطلب را هم تا حال به ایشان عرض نکردہام البته اگر ایشان ملاحظه اذیت بعضی نبود بیش از این شاید اظهار التفات می نمود ولی معذور می باشند. راجع به شبهه عدم سیادت مرقومه داشته بودید مبدأ این حرف کیست می دانم غیر از حسد داعی نبوده، مخصوصاً روزی در حرم مطهر به مناسبت اقتضای مقام از تمام اشخاصی که به احقر تعذر و ظلم نموده اند عفو کردم ولی از این شخص و آخرين تابعين او نتوانستم بگذرم البته در محکمه عدل الهی حساب صاف می شود البته جنابعالی مسیو قید سادات دو قسم می باشند قسمی عادی و قسمی اجاق نامیده می شود. احقر خود در نظر دارم که شب یازدهم محرم الحرام به درگاه منزل ما، از دور و نزدیک شمع می آوردن و می گذاشتند، به مناسب این که چراغ حضرت سید الشهداء به وجود نسل مطهرش قطع نشد و ما مورد ن سورات بودیم البته پیر مرد های خوی از علماء و غیرهم در نظر دارند مع ذلك چهل و دو سال بیش نیست که از آن بلد مهاجرت کرده ایم، چنین مناقشه شود انا الله و انا الی راجعون و سیعلم الذين ظلموا آل محمد حقهم ای منقلب ینقلوون. بگذارم و بگذرم فرض کنیم این مطالب هم مورد مناقشه است آیا مناقش ظالم چه می گوید، دعوی می کند که احقر عالماً عامداً دعوای باطل می نمایم این دعوی برخلاف بداهت است زیرا که از فوت پدر من هنوز یک سال نگذشته و مرد معروف و سال ها در خوی و مشهد مقدس، امام جماعت بوده و اگر می گوید که احقر مشتبه هستم و این دعوی به خلاف واقع است اولاً خودش هم می داند دروغ می گوید، غایة الامر شک کند جزم بر عدم چه علت دارد و ثانیاً اشتباه که مضر به جایی نیست که محل مناقشه شود. البته جنابعالی می دانید احقر از مردم این زمانه، زیاد کشیده ام این بکی را هم بر سایق، عطف می نمایم مهون خطب این است که این مصائب هدر نخواهد رفت.

در خاتمه تصدیقات و توفیقات آن جناب را از درگاه حضرت احادیث خواستارم.
والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته
ابوالقاسم الموسوی الخوئی

١٣٧٦
الدُّرْجَاتُ الْمُحْكَمَةُ

سے بہارِ حرم

۳ شهر ذیحجه الحرام

۱۳۷۲

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می رسانند: مرقومه محترمہ مورخه ۲۰ شهر ذیقعدۃ الحرام که ممزوج از مهر و فَہر ناشی از مهر بود، واصل؛ امید است پیوسته قربن صحت و عزت و سعادت بوده باشید. جواب اعتراض جنابعالی را در ضمن دو مقدمه بیان می نمایم:

الأولی: این که احقر قل فوت مرحوم آفای حجت - قدس سره - بیکار بوده و برای اوقات خود کارهای معینی که اغلب آنها راجع به جهات علمیه از ایجاد وغیرها صرف می شد و آن جهات فعلاً باقی و طبعاً مکاتیب و استفتاء وغیرها که از جمله توقعات آقایان در حضور تشییع و حضور مجلس فاتحه و نجواه می باشد، زیاد شده است.

الثانیة: جنابعالی گویا به حسن نیت و صفاتی باطنی و طب نفس، دیگران را هم به خود قیاس می فرماید و گمان می فرماید اشخاصی که در ترقی آنها اگر زحمات احقر علت تامه نبوده، مقتضی بوده است، تا حال لساناً هم با احقر تعارف نتموده اند که در کارهای احقر کمک بنمایند. بلی! بعضی از آنها گاه گاهی از رسیدن پول از تهران وغیره سؤال می نمایند.

با این دو مقدمه معلوم می شود که احقر مسامحه نمی کنم. وقت احقر وفای به مطالب ندارد. آقا شیخ کاظم خوانساری را که به خدمتمن رسید و یکصد و پنجاه تومان حواله داشت، برای نوشتن جواب مکاتیب عادیه معین کرده بود. فی الجملة فرجی شده بود. آن هم به ایران مسافرت کرد. تا حال سه مکتوب نوشته و هنوز جواب هیچ یکی را تنوانته ام بدhem. در صورتی که دوران امر بین حفظ موضوع که وجود باشد و حفظ بعض جهات دیگر، البته اولی اولی خواهد بود. بلی از آقایان بعضی است که به تمام معنی الكلمه از جواب مکاتیب و استفتات را حسب الظاهر حاضر است انجام بدده، ولی مساعده کامله لازم دارد که امور معاشیه او را اداره نمایم. آن هم که برای احقر میسور نیست. علی ذلک غیر از ایکال امر به حضرتش جاره‌ای نیست. آچه پیش آید، خوش آید.

چندی قبل استفتاتی که از آفای آقا سید جلیل ملکی بود، با جواب مکاتیب اش و هم چنین آفای آقا سید جعفر مرقاتی که علاوه بر مکتوب چند اجازه هم خواسته بود، ارسال نمودم. گمان می کنم تا تاریخ صدور مرقومه مبارکه رسیده باشد. راجع به حاشیه عروة، صلوة تمام شد و نسخه خطی او را به مرند فرستادم، مشغول اتمام طهارت بودم. از بعضی از آقایان مساعدت خواستم که شبها بیاید

با اح^ل ملک نمای^ل ایله این زور تر^ل هیش برید و هر سرت^ل بیوت ادر رده رسید^ل ایک^ل زور زد^ل لان
 نز ایله این^ل نص^ل هر اخز^ل حجه^ل است^ل که^ل شفیع^ل هر خود را از^ل این نسبت^ل هجراد^ل بروی رسید^ل از
 اول برآیان^ل از^ل ای^ل را کو^ل هر خبر رسید^ل هر مائی^ل غرده^ل داشت^ل که^ل عصمه^ل متذل^ل نی^ل کش^ل هم^ل چین^ل بوزم^ل را^ل ای^ل
 آن^ل عالم^ل داشت^ل که^ل هم^ل هج^ل رسید^ل ایک^ل زند^ل ای^ل بیل^ل دیگر آن^ل در^ل هم^ل هوف^ل هجرد^ل حواب^ل ای^ل
 تا^ل ای^ل از^ل طلب^ل که^ل هم^ل نکن^ل دام^ل و خود را^ل ای^ل هم^ل هب^ل ای^ل هم^ل هست^ل
 حق^ل بس^ل ای^ل نس^ل مطابق^ل ناید^ل هر^ل لات^ل دیک^ل است^ل بر^ل هم^ل هفت^ل شاه^ل پادشاه^ل ای^ل ای^ل
 در^ل سف^ل ای^ل ای^ل مول^ل هر^ل جم^ل ریخت^ل راه^ل نیز^ل دم^ل دخ^ل هم^ل هر^ل سلطان^ل ران^ل هم^ل آن^ل بر^ل ای^ل
 هر^ل عصر^ل عصمه^ل دلجه^ل عصمه^ل را^ل باشد^ل که^ل در^ل خوز^ل و^ل طران^ل بب^ل هم^ل آن^ل هم^ل برو^ل هم^ل
 اعد^ل سع^ل هر^ل شرف^ل را^ل بیع^ل در^ل ای^ل داشت^ل بیش^ل نزد^ل ای^ل نیز^ل است^ل نزد^ل آن^ل هم^ل نیز^ل ای^ل
 هر^ل سلطان^ل ای^ل هم^ل است^ل هر^ل قوم^ل خواهد^ل زنود^ل و^ل سیم^ل در^ل هم^ل داشت^ل ای^ل ای^ل ای^ل

با احقر کمک نماید. البته با معین زودتر پیش می رود. دو سه شب تشریف آورده و بعداً ترک فرمودند. گمان نفرمایید، این شخص، آقای اخوی جنابعالی است، بلکه شخصی است خود را از ایشان نسبت به احقر اولی به رعایت می داند. ماه شوال از آقای ماکویی خبر رسید که حاشیه عروه را متارکه نموده، مشغول مناسک باشم. چنین نمودیم، مع الاسف آن هم تمام نشده، موسم حج رسید آگر زنده بمانم به سال دیگر افاده. ملخص عرض احقر در جواب این که ان شاء الله تعالی از وظیفه کوتاهی نمی کنم و امور خود را به حضرتش می سپارم و از جنابعالی مخصوصاً التماس دعا دارم که حضرت حق سبحانه توفیق عطا فرماید که حرکات و سکنات بر طبق رضای حضرتش باشد.

البته جنابعالی مسیو قید که منتخب الاحکام مرحوم آقای حجت را حاشیه نمود، در خیال هستم که تعطیل های آینده بین آن رساله و رساله خود جمعی نموده، فی الجملة مفصل تر باشد. گویا در خوی و طهران اسباب طبع اش مهیا باشد.

آقای حاجی آقا احمد به نجف اشرف مشرف، گویا یکی دو ساعت بیشتر نبوده اند، به خدمتشان نرسیدم. البته نتیجه کاغذ آقای شالبیلر را که مظنون العدم است، مرقوم خواهد فرمود، والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

موردخه ۱۱ ع ۲ سنه ۷۳ بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض می رسانند: رقیمه محترمہ کے حاکی از سلامتی وجود محترم و استقامت مزاج مبارک بود واصل و زیارت گردید امید است حضرت حق - جلت آلاه - جنابعلی را از جمیع بلیات و ناملایمات مصون و محروس داشته و به تأییدات غیبی خود مؤید بدارد. اینجانب نیز بحمد الله سالم و [خبر] تازه‌های ندارم. راجع به جناب آقای مقبره‌ای شرحی مرقوم داشته بودید از اقدام آن جناب در استخلاص ایشان و منذاکره با حضرت آقای بهبهانی - دامت برکاته - و ارسال رقیمه به جناب معظم له و بیان گزارشات بسی متشرکم. در موضوع ایشان چنان چه مرقوم داشته بودید و از خارج نیز مسموع شده بود گمان می کنم مقدار کثیری از آنها واقعیت نداشته و در اثر تبلیغات معارضین ایشان بود، علی کل حال وجود ایشان برای حوزه علمیه نافع اگر در جهات سیاسیه اشتباھی شده مربوط به جهات دینیه نیست از این جهت احقر بسیار میل دارم که ایشان با عزت و احترام به آن بلد مراجعت نموده مشغول تنظیم وظائف شرعیه و امور طلاب علوم دینیه بوده باشند. البته آنچه میسور جنابعلی بوده باشد مضایقه نخواهد فرمود و ضمناً میل دارم دانسته باشم که در جواب مرقومه مبارک که چه نوشته‌اند البته تفصیل را بعداً مرقوم می فرماید.

راجع به مبلغ بیست و شش تومان که به آن شخص مروج لطف نموده‌اید البته بجا و در محل بوده است و راجع به دویست تومان آنچه عمل فرموده‌اید ممضی است. در پشت پاکت عریضه سابقه چیزی نوشته بودم گویا مغفول عنه شده و آن راجع به جواب مرقومه سرکار به آقای کاشف الغطاء بوده است و فعلًا در جوف ارسال می‌شود، البته این مرقومه را محفوظ دارید. بنا بود بهتر از این بنویسند مع ذلک همین مقدار هم که نوشته‌اند بد نیست و این کاغذ و پاکت به خط خود آقای کاشف الغطاء است.

راجع به مباحثات آن جناب بسی مسرور شدم. امیدوارم حضرت حق سبحانه عزت دنیا و آخرت به شما عطا فرماید و مطمئن هستم که عطا خواهد فرمود... .

ابوالقاسم الموسوی الخویی

189
LEVE

ج ۹

۱۳۷۳

سم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می رسانند: مرقومه محترم که حاکی از سلامتی آن جناب بود واصل و زیارت گردیده از مضمونش اطلاع حاصل شد. اقداماتی که از جهت جناب آقای مقبره ای نموده اید، بسیار موجب شکر، امید است به فضل الهی متوجه و به بشارت مراجعت ایشان به خوی مسرورم فرمایید.

فوت مرحوم حجت الاسلام آقا شیخ خلیل را قبلاً مسیوق شده و به آغازادگانش تسلیت نوشته و مجلس فاتحه نیز اقامه نمودم. در فوت مرحوم آیة الله آقا ای صدر تلگراف تسلیت به آغازاده شان مخابره شده و جواب تلگراف جنابعالی نیز مخابره شد. ولی از باب سوء اتفاق طریق بسته بوده، چند روزی تلگراف در تلگرافخانه معطل و مخابره نشده، لذا طبعاً دیر رسیده است. مستدعي است در موقع مناسب در فرضی که خود جناب آقا رضا مذکوره می فرمایند، سبب تأخیر تلگراف را به ایشان بگویید و جواب مخابره جناب آقا رضا تا حال نرسیده است. اگر فرضآ تلگراف نرسیده باشد، از کیفیت مسیوق شوند.

مناسب عرض دیگر این که آقای مقبره ای دفعه دوم از تبریز مرقوم داشته و جریانات را نوشته است. ولی اعتماداً به مرقومه اول آدرس نوشته اند. من بباب اتفاق مرقومه اولی در ضمن کاغذها بوده و فعلآً مفقود است. لذا جواب نامه ایشان را در جوف عریضه عالی ارسال می دارم. مستدعي است سریعاً به ایشان ارسال دارید. کتاب فقه الصادق مرقوم داشته بودید، تا حال زیارت نکرده ام. نمی دانم نزد کی است و به که نوشته اید به اینجانب برساند. امید است که ان شاء الله بقیه اجزای آن از طبع درآمده و برای آن جناب اثر باقی باشد. کاغذ حضرت آقا کاشف الغطاء که البته تحفظ می فرمایید و فائده آن بر جنابعالی مخفی نیست. زیاده عرض قابلی نداشته و التماس دعا دارم، والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته ابوالقاسم الموسوي الخوئي

مروده لارج اکادمی

سید علی‌الله علیم

بهر علیره نش و پر زاج بدل بهر علیره علیره
 برگزند خاچ خواهد بود فیضت مذکور طرف نسبت
 مذکوم است در پیمان خوب است لذا اینجا باید خواست
 باشیم که برقیت صفت برقرار و تأثیره در آن غرض نسبت
 سپر از این بعد از همه خوبی اینکه از قدر مسح در این امور
 باید معرفت نهاده باشد لای بخطاط اول از جای خود
 قدر ایام بزرگ این از خود خبر نمی‌آورد و از این خبر
 بخوبیت این یادگار داشته باشد و این یادگاری
 دو حکم را بگیرد اینکه جزو این معرفت نهاده
 و معرفت در این خوبی این از خوبی این معرفت نهاده
 باشند و این از این طبقه درین این معرفت نهاده
 و معرفت نهاده این از این طبقه و این از این طبقه
 در این
 این این این این این این این این این این این این این

مورخه ۱۱ ع سنه ۷۳

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می رسانند: ان شاء الله مزاج مبارک در کمال استقامت و عین عافیت و از هر گونه ملالی خالی خواهد بود. مدتهاست که از طرف آن جناب اطلاعی ندارم ان شاء الله مانع به خیر است. از احوالات اینجانب خواسته باشد، بحمد الله نعمت صحت برقرار و خبر تازه‌ای ندارم. غرض از تصدیع پس از استعلام از احوالات جناب‌الله علی آن که از قرار مسموع در این اواخر به واسطه بعضی اتفاقات از باب غلط‌انداز جناب مستطاب آقای آقا میرابراهیم مقبره‌ای را از خوبی به تبریز آورده‌اند و اجازه مراجعت به خوبی به ایشان تاکنون داده نشده و البته نبودن ایشان در خوبی موجب انحلال حوزه علمیه آن محل است. مقامات و خدمات مشارالیه نیز بر جناب‌الله علی مخفی نیست. لذا ممکن است با حضرت آقای والد - دام ظله - در این باب صحبت بنمایید و تلفوناً یا به واسطه دیگر از حضرت آقای کاشانی - دامت برکاته - ارجاع ایشان را به خوبی درخواست نمایید، امید است این اقدام بی‌نتیجه نماند.

دیگر آن که کاغذی که در جوف است مدتهاست بود و جناب آقای حاج میرزا هادی^۱ که بنده هرچه منتظر شدم تا آمدن، که ایشان را ملاقات نموده کاغذ را بر سانم اتفاق نیفتاد، نمی‌دانم ایشان نجف مشرف نشده‌اند یا این که از تشرف ایشان بنده مطلع نشده‌ام، به هر حال کاغذ را جوغاً فرستادم. اگر ایشان قم باشند، برسانید و الا لابد ارسال به میانه خواهید نمود. در خاتمه سلامتی آن جناب مطلوب است و در حق شما دعا و از شما التماس دعا دارم، والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

^۱. مرحوم آیت الله حاج میرزا هادی نیری میانجی

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می رسانند: ان شاء الله تعالى پیوسته قرین صحت و عایف است و در ترویج شرع مبین و حمایت از حوزه مقدسه اسلامیه مستدام باشید. مرقومه محترمه مورخه ۲۲ شهر جاری دیشب واصل از سلامتی آن جناب و اظهار الطاف کریمه، مسرور و مشکر می باشم. استفتایی که جناب آقای آقا شیخ غلام حسین، امام جمعه طسوی چندی قبل ارسال داشته بود، مدتی است جواب آن را ارسال ننموده ام اگر به محل نفرستاده باشد خوب است جنابعالی آن را ملاحظه فرمایید. راجع به طلاب خوی نه حواله ای داده و نه شهریه مرتب ننموده ام فقط کتاباً و لساناً مقداری که ممکن از مساعدت آنها بوده مضایقه نکرده ام در چندی قبل صورت واردات حقر را به خدمت آن جناب نوشته، مطلب از همان قرار است که عرض شده با این پول های جزیی و موانع کثیره منویات انجام داده نخواهد شد. مرقوم داشته بودید بعضی از آقایان نجف اشرف، بین طلاب خویی تقسیم ننموده اند البته اگر میسور باشد بسیار کار خوب و مناسب است تا خدا چه بخواهد. برای نمونه همین کافی است که نسبتاً رساله مفصله ای که ترتیب داده ام که مدت زیادی صرف وقت و نوشتن شده، چند ماه است که در تهران معطل و مصرف طبع آن از غیر سهم امام - علیه السلام - مهیا نمی شود. جناب آقای آقا سید جلیل ملکی - دام تأییده - مرقوم داشته بودید مرد موثر و متدين که گویا مرتباً به وسیله تهران برای احقر پول می فرستد و به وظایف لازمه عمل می نماید، بلی ایشان از همه جهت آراسته و در اظهار الطاف خود مستمر می باشند. و اما راجع به پول غیر از یک مرتبه که جنابعالی هم سابقه دارید برای احقر پول نفرستاده اند از آن جایی که مرقوم داشته بودید مطلب را

وَيُسْكِنُهُمْ إِلَيْهِمْ وَيُنَزِّلُهُمْ مِنْهُمْ مِنْ كُلِّ
جَهَنَّمِ مَا يَرَوْنَ لَا يُنَزِّلُهُمْ مِنْهُمْ مِنْ كُلِّ
عَوْنَقٍ إِلَّا مَا شَاءَ وَمَا يَرَوْنَ لَا يُنَزِّلُهُمْ مِنْهُمْ مِنْ كُلِّ
جَهَنَّمِ مَا يَرَوْنَ لَا يُنَزِّلُهُمْ مِنْهُمْ مِنْ كُلِّ
عَوْنَقٍ إِلَّا مَا شَاءَ وَمَا يَرَوْنَ لَا يُنَزِّلُهُمْ مِنْهُمْ مِنْ كُلِّ

الْأَنْسُونِيُّونَ

بُن عَرْك كِتَابَتْه

میراث اسلامی

سیمین

وَهُوَ مُسِيْحُ الْأَمَّةِ

عرض کردم و الا مسلک حقیر را جنابعالی بهتر آشنا هستید. چندی قبل عریضه به خدمت آن جناب ارسال و در جوف نامه‌ای به آقای آقا سید ابراهیم مقبره‌ای ارسال نموده بودم، از وصول آن اطلاع نداده‌اید مستدی است به وصول این عریضه به فوریت چگونگی را اطلاع و آدرس ایشان را کاملاً مرقوم دارید که موجب امتنان خواهد شد، قبوض سه فقره وجه، در جوف ارسال شد. مسیری را که در موضوع اختلاف بازار قم اختیار فرموده بودید بسیار مناسب و مقتضی مانت بوده متربق از جنابعالی نیز همین بوده، امید است پیوسته مؤید و مسدود بوده باشد. بندهزاده سید جمال حاضر و به عرض سلام و ارادت متصدی است. راجع به حاشیه عروه امید به فضل الهی تا آخر ماه مبارک، طهارت نیز خلاص شده و به ضمیمه صلاة در معرض طبع برآید از آن جایی که مشغول ترتیب مناسک حج بودم که واضح و نسبتاً مرتب و منظم بوده باشد، مقداری حاشیه عروه تأخیر شد ان شاء الله همه امور اصلاح خواهد شد عمله چیزی که هست مباحثات و استفتاثات با اشغال دیگر مجال نمی‌دهد کارهایی که انسان باید از قبیل حاضر نماید در تأخیر آن به محذوری که احقر مبتلا شده‌ام واقع می‌شود. زیاده عرض قابلی نداشته التماس دعا دارم، والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

آقای آقا میرزا ابوطالب فاضلی نامه‌ای نوشته بودند که عازم رفتن خوی می‌باشند و جوابش نیز نوشته شده و با همین پست ارسال شد اگر تا رسیدن این نامه خدمت عالی ایشان حرکت کرده باشد معلوم است که نامه به ایشان نخواهد رسید لذا به احقر اطلاع دهید تا تدارک شود. والسلام.

٢٤
شیخ سعید

٢٦ شهر شعبان المظمم

١٣٧٣

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض می رسانند: رقیمه کریمه که حاکمی از سلامتی آن جناب بود، واصل و از مضمونش اطلاع حاصل گردید. امید است حضرت حق سبحانه آن جناب را از جمیع بلایات محفوظ و به تأییدات غیری خود مؤبد بدارد. راجح به آقای شالچیلر شرحی مرقوم داشته بودید، بعد از ورود ایشان به نجف اشرف، سه چهار روزی به بنده منزل تشریف آورده، مدتی با هم صحبت داشته، مشغول مذاکرات دینی و غیره بودیم. بعداً هم احقر بازدید نموده، تقریباً نیم ساعت در منزل ایشان بودم. از آنجایی که این مرد منشاً آثار خیریه است، البته وجودش مغتنم است. چه منافع شخصی بر آن مترب باشد، چه نباشد. جناب آقای آقا میرزا محمد حسین شیرازی میل داشتم بفهم که گلاایه ایشان از احقر از چه رو بوده تا تدارک شود. احقر که در موضوع ایشان تقصیری برای خود تصور نمی کنم و مقام ایشان را نیز اجل از تقصیری می دانم. موضوع چه بوده، نمی دانم، خوب بود اشاره به موضوع فرمودی. آغازاده ایشان چند روز قبل نجف مشرف بوده و به واسطه مشارالیه به والد ماجدشان اظهار ارادت نمودم.

آقای اتفاق^۱ امسال به زیارت مشرف، روزی هم به بنده منزل تشریف آورده و بنا شده بود که بازدیدی از ایشان بنمایم. در اثر پیش آمد سفری از ایشان میسر نشد. مراجعتی به احقر ندارند، فقط اظهار ارادت و رفاقت است. راجح به وجہ طبع رساله که از سهم امام - علیه السلام - اجازه ننموده ام، وجه آن این است که اکثراً رساله را مجانی می خواهند و اغلب اشخاص که می گیرند، مورد سهم مبارک نیستند. ولی بحمد الله چنان چه مرقوم داشته بودید، حضرت حق سبحانه اسباب فراهم آورده، مبلغی از خوبی برای طبع آن فرستاده اند. شاید ان شاء الله تعالى تکمیل شده و طبع گردد. آقای مشهدی عبدالمناف حقیری و آقای اخروی که به خدمتان رسیده اند همان طور است که به جنابعالی اظهار داشته اند مقدار معنایه که در حدود سه هزار و هفتصد تومان از خوبی به تهران فرستاده اند که به احقر برسد و آن وجه ت حال نرسیده، خیال دارم که تا چند روز دیگر که ان شاء الله می رسد، تنتیم کرده برای ماه مبارک تقسیمی نموده باشم. در اثر گرانی دینار و کمی عواید، امور اهل علم در شدت، امید به فضل الهی آن که فرجی عنایت فرماید. آقایانی که امسال به ایران حرکت کرده اند، حسب المقدور با هر یکی مساعدت نموده ام، زیاده بر قدرت حد که مکلف نبوده ام.

۱. مرحوم آقای حاج محمد تقی اتفاق از بازرگانان و متمکنین نیکوکار تهرانی که باقیات الصالحات فراوانی در عراق از خود بر جای گذاشته از آن جمله ساختمان (جامعة النجف الدينية) و برخی درهای طلای حرم مطهر امیر المؤمنین(ع).

راجع به آقای مصطفوی در قم زیاد متأثر شدم. زیرا که احقر ابدآ حسابی با ایشان ندارم تا ایشان طلبی داشته و از مطالبه خجالت بکشند و تفصیل قضیه این که در سال گذشته توسط آقای حاج شیخ عبدالکریم تبریزی که در نجف اشرف دکان کتابفروشی دارد و خود نیز اهل علم است از قبل آقای شریانی کتابفروشی در قم چند جلد کتاب که در عین همان کتاب هایی است که صورتش را ارسال داشته بودید به حفیر داد و بعد از مدت کمی آقا میرزا علی تبریزی که شاید فعلأ در تهران یا قم باشد و چند روزی است از نجف اشرف حرکت کرده، به احقر اظهار داشتند که آقای شریانی هفتاد و چهار تومان وجه آن کتاب ها را به عهده احقر حواله نموده، اتفاقاً وجه همراه داشتم و بلافصل اداء نمودم. در این موضوع با آقای مصطفوی حسابی نداشته ایم. آن قبض مرسولی را به جانب آقای حاج شیخ عبدالکریم مذکور که همین ایام عازم ایران است، دادم و تفصیل در پشت آن نوشته و وجه مزبور را حواله کردم که به حامل ورقه رد نمایند. قبلأ جنابعالی ایشان را مسبوق نمایید تا آقای آقا شیخ عبدالکریم برسد، فرضًا اگر کتاب ها در واقع ملک ایشان بوده وجهش را باید از آقای شریانی بگیرند، زیرا که در همان تاریخ وجه به ایشان پرداخته شده است، بسیار تعجب می کنم که آقای مصطفوی احتمال بدنهند که احقر یکسال طلب ایشان را معطل کرده باشم، با این که اصلاً با ایشان محاسبه ای نداشتم. مرقومه قبلی که جواب آن با جواب رقیمه ثانیه عرض می شود. در جواب استفقاء قبلی که نوشته بودم، تصرفات از قبلی وضو و آشامیدن مانع ندارد، در آن صورتی که نوشته شده بود، با منع مالکین نیز مانع ندارد. ضمناً از قراری که نوشته بود، قبلأ اهل بلد حق چنین تصرفاتی را داشته و مالکین جبه حق منع نبوده است، پس به غصب غاصب حق اهل بلد از بین نمی رود.

و اما سقی مزارع با آن آب

فهر از مرور از بده و بالعده از مرور با خلط با این میر باشد ل خلط
 فتح و بفتحه که نیز است راجح به تأثیر میگردد از زیره این
 مرقم داشته برای معلوم آنکه هم که صدح و میره این نتیجه صدر ح
 برآنسته است راجح به فتح لصق وارد مدرک نیز هم مرجم کرد
 بای رسم و رود از سر شدم ایمه است که نتیجه اینه که فتح
 آمر و با قدر طبع شود میگردد از نتیجه گرفته به تأثیر که نیز
 ایمه است پیشتر در خدمات مذکوره موقت و میر به عین شیوه نیز میباشد
 در اینسته همچنان داشتم خوش تا قبده حذف که بالصور عذر
 نموده نتیجه اینه سیده از مردم این محظوظ بکشند و بله و بله
 بعضی هم صدح و لصق عینک و دهنده و بجهانه اینکه آنکه اینکه اینکه
 راجح بوضع مائیه عروه کا زنده مرا از عرض شده تقدیر وضع
 متزل و از ضد او فرست عطفه طاب تدقیق خواه از اینکه
 که باید بسیاریه وضع او قاست من غیر خوب جو اینه
 دلهم علی

قبل از مرور از بلد و یا بعد از مرور با خلط با آب دیگری یا بدون خلط محتاج به اجازه مالکین است. راجع به آقای آقا سید موسی مازندرانی^۱ شرحی مرقوم داشته بودید، معلوم شد آن چه را که صلاح دیده اید ان شاء الله صلاح بر آن است. راجع به فقه الصادق موارد عدیده آن را مراجعه کردم، بسیار مسرور و مؤنس شدم. امید است که ان شاء الله تعالی اسباب فراهم آمده و باقی نیز طبع شود. یک نسخه از آن را گرفته به آقای کاشف الغطاء دادم. امید است پیوسته در خدمات دینیه موفق و مؤید بوده باشد. زیاده عرض قابلی نداشته، التماس دعا دارم.

اخوی آقای آقا مهدی چندی است که به آن طرف عزیمت نموده، ان شاء الله به سلامتی وارد شده اند. محضر مبارک آقای والد - دامت برکاته - به عرض سلام مصلحتم.

والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

راجع به موضوع حاشیه عروه کما این که مراراً عرض شده، به قدر وسع مشغول و از خداوند جلت عظمته طالب توفیقم. خوب است از آقایانی که به ایران می آیند، وضع اوقات و مشاغل احقر را جویا شوید.

والسلام خوئی

۱. مرحوم آیت الله حاج سید موسی مازندرانی.

۴۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَاللَّهُمَّ إِنِّي أَذْكُرُكَ فِي دُنْيَا وَمَا يَرَى
وَإِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا أَنْتَ أَعْلَمُ
أَنْ تَهْدِنِي لِمَنْ هُدَى
وَمَنْ هُدَى فَلَنْ يُضْلَلَ

و من خد آنیت اینکه قدر تصریف باشد و هر داشت مرد را از این

حضرت شیخ زاده برادر ائمہ اکابر فرزند و خالی شیخ علی خوشی

وَلِرَجُلِيْتَ حَفْظَهُ بِالْأَدَدِ (ذَانِيْسِ) مُنْظَرُهُ بِالْأَدَدِ
فَطَّلَأَهُ دِخْلًا لِمَدْرَسَةِ حَفْظِ قُرْآنِ خَلِيلِيْنَيْنِيْزِيْنَهُ بِالْأَدَدِ
كَمْ قَدْ جَاءَهُ عَوْنَسِيْزِيْدِيْسِ مُنْظَرُهُ بِالْأَدَدِ فَرِيدَانِيْزِيْنَهُ
عَوْنَسِيْزِيْدِيْسِ مُنْظَرُهُ بِالْأَدَدِ كَمْ جَاءَهُ عَوْنَسِيْزِيْدِيْسِ
مُنْظَرُهُ بِالْأَدَدِ فَرِيدَانِيْزِيْنَهُ

میرزا محمد علی خان از این مکانات بود که در آن مدت از
عازمی اسلامیه تهران است چنان‌که اولین از خود را نگفته
و زنده و مادر و برادر و خواهر و همسر و سه زن و سه مرد
محلس ایشان را می‌دانند فرمایند که در این مکانات
بود که در آن مدت از این مکانات بود که در آن مدت از این مکانات

۲۳ شهر شوال المکرم

۱۳۷۳

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض می رسانند: مرقومه محترمه که حاکمی از سلامتی آن جناب و حاوی مطالعه چندی که من جمله آنها بشارت (طبع جلد اول کتاب فقه الصادق بود) واصل و باعث مسرویرت گردید. امید است حضرت حق جلّ و علا بر توفیقات آن جناب افزوده و به تأییدات غیبی خود مؤید داشته و از جمیع بیانات محفوظ بدارد. از این که حساب آقای مصطفوی روشن و باعث آسودگی خاطر گردید خیلی از شما ممنونم. جناب آقای آقا شیخ عباس مرندی را که جنابالی توثیق و اجازه نامه خواسته بودید، مشار الیه به توسط آقای آقا میرزا یوسف ابروانی اجازه نامه گرفته اند چون اجازه نامه هایی که از اینجانب صادر می شود، تماماً مضبوط و در دفتر خاصی قید می شود، مع الوصف وجه اجازه نامه خواستن ایشان ثانیاً چه بوده با این که تقریباً یک سال است این اجازه نامه فرستاده شده ولی من باب این که عمل به احتیاط شود و شاید مشار الیه غیر از آن اولی باشد ممکن است جنابالی اولاً از خود ایشان تحقیق فرماید که مسبوق به اجازه بوده اند یا خیر یا آن که از آقای آقا میرزا یوسف ابروانی، به هر حال اگر غیر از اولی باشد مرقوم تا اجازه نامه فرستاده شود. احقر جنابالی را همیشه در مطان استجابت، مد نظر داشته و فراموش ننموده ام مأمول از جنابالی نیز همین است. در خاتمه سلامتی و سعادت و موفقیت آن جناب را از درگاه حضرت احادیث مستلت دارم، والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

ابوالقاسم الموسوی الخویی

۱۴۰۳
دی ۱۳۹۸

ششم اعصر الیام

میرزا پرورد
کریم

ساخت و نهادن مهندسیت
بیانات درست راجعت
حصت و اعضا عجیز بله فرمودن به عیسیٰ پیغمبر برای واسطه هست
سرمه. خوشبختی پیش کرده به ملک هاشمیت و از اسلام مدد
کرد. این از طرف مدد عوام شد و میتوان بودن بودن، ایشان خوشبخت
نموده از طرف شاهزاده ایشان بیانات مهندسیت خود را در
دانشگاه آزاد اسلامی دانشجویی داشت و از این دانشگاه مدرک تحصیلی
دستور فوج زیدی را در تظم داده و مطلع شد و لذت از این اتفاق
پذیرفته و از این پذیرفته و این اتفاق نسبت نهادن از دانشگاه
دانشگاه اسلامی دانشجویی داشت و از این دانشگاه مدرک تحصیلی
دستور فوج زیدی را در تظم داده و مطلع شد و لذت از این اتفاق
پذیرفته و از این پذیرفته و این اتفاق نسبت نهادن از دانشگاه

۶ ذیحجه الحرام

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۷۳

به عرض عالی می رسانند: ان شاء الله تعالى وجود شریف قرین صحت و مزاج مبارک در کمال استقامت و ملای نخواهید داشت. امید است در تحت توجهات خاصه حضرت ولی عصر- عجل الله تعالى فرجه- موفق و به تأییدات غیبی مؤید و از جمیع بیانات محفوظ باشید. اینجانب بحمد الله تعالى متّعّم به نعمت صحت و تازهای ندارم. مدتی است که از طرف شما اطلاعی نداشته و نگران بودم تا این که اخیراً مسبوق شدم که تشریف برده اید زنجان. امید است همیشه خوش و خرم و با عزّت و سعادت قرین و توأم باشید. امسال مناسک مفصلی که دارای فروع زیادی بود، تنظیم داده و طبع شد و سه نسخه از آن را به توسط آقای آقا سید حسن قزوینی ارسال خدمت نمودم، ان شاء الله به لحظه مبارک می رسد. جناب آقای آقا میر جلیل ملکی به عزم حج مشرف بودند، مذاکره نمودند که از رساله های جدیده چند نسخه برای حقیر آورده اند، ولی در اثر فراموشی در کاظمین مانده است. نمی دانم تا حال خدمت شما ارسال شده یا خیر؟ عرض دیگر این که یکی از بستگان مرحوم آیة الله کاشف الغطاء - قدس سرہ- از حقیر خواهش نموده که از جنابعالی استدعا نمایم جواب سؤال جنابعالی را که ایشان نوشت و ارسال نموده اند عکسی برداشت، یک نسخه ارسال فرماید. مستدعی است حسب اصرار آن شخص هر چه زودتر عملی فرماید، موجب امتنان خواهد شد. زیاده عرض قابلی ندارم.

والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته
ابوالقاسم الموسوي الخوئي

ریشه

ایرانی زبان و ادب ایرانی

که نماید که در زبان زیر است شجاعه من گویا
نمایه که زبانه می دارد که این عبارت میشود باید
سرمه بسیار بیش از این بوده است
ایرانی نمایه خود را بازست که در زبان
برای نمایه هم عرب دلیل هم چون خود نمایه
دراج چونه فکر خود را در سفر در فرج چشم
در زمانی بیش از دو سال
نه از مردم ای
چون کمی نمایه باشید باز نمایه
برای ای
فیضیت از نمایه که خود را در سفر در فرج چشم
دو لطف داده است ای ای ای ای ای ای ای ای ای
بیزاب نمایه خوب ای
تمدنی ای ای

۷ ذی حجه الحرام

۱۳۷۳

بسمه تعالی شأنه

این عریضه نوشته شده و در پاکت گذاشته شده و مهیای ارسال بود که رقیمه مبارکه از زنجان زیارت شده، بحمد الله رفع تلگرافی گردید، تجلیلی که از جنابعلی شده و این که مشغول مباحثه می باشد، بنهایت مسرور امید است همیشه اوقات موفق و مؤید به تأییدات الهی بوده باشد.

حیر را گمان بر این است که در اثر حسن نیت و نتیجه اعمال عزت دارین را حائز خواهد بود. راجع به اجازه آقای آقا شیخ عباس مرندی در دفتر اجازات، اجازه ایشان ثبت است و توسط جانب مستطاب آقای آقامیرزا یوسف ایروانی اجازه داده شده، مع ذلک جنابعلی تحقیق فرماید به اینکه یا از جناب آقای آقا میرزا یوسف سوال شود و یا به خودش مراجعه شود که قضیه چیست؟ اجازاتی که احقر می دهم اسماء اشخاص و محل و واسطه و خصوصیت اجازه و تاریخ در دفتر ثبت می شود. البته مناسب تحقیق جانب آقای ایروانی است. زیرا محتمل است مسمی به این اسم دو نفر باشند تا اگر چنین باشد، اجازه نوشتہ شود. اجازه آقای آقا سید نعمت در جوف ارسال می شود. حاشیه عروه کتاب طهارت هم در شرف تمام است. امید است به فضل الهی تا اربعین تمام شود و طهارت و صلاة را در معرض طبع بگذاریم. چنان چه مرقوم داشته اید، ان شاء الله تعالی خطه خود را تغییر نداده و یک قدم هم پیش نخواهیم گذاشت. (آنچه پیش آید خوش آید)

ماشاء الله کان، فقط ما مسئول وظایف خود هستیم جهات خارجیه با خدا است و ربطی به ما ندارد. بسیار میل دارم که جنابعلی را زیارت نموده باشم. امید است که همت فرموده چند روزی هم نجف مشرف شوید.

در خاتمه سلامتی و عزت و سعادت و موفقیت آن جناب را طالب و التماس دعا دارم.
والسلام عليکم و رحمة الله برکاته
ابوالقاسم الموسوي الخوئي

از خوی تلگراف داشتم که جناب آقای مقبره‌ای به خوی مراجعت فرمودند خیلی مسرور شدم، لابد جنابعلی نیز از این مطلب مسیو شده بودید. والسلام خوبی

۲۲ ع ۱

۱۳۷۴

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض می رسانند:

رقیمه شریقه که حاکی از سلامتی آن جناب بود واصل و از مضمونش اطلاع حاصل گردید. امید است پیوسته در اثر توجهات خاصه حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - موفق و از جمیع بیانات محفوظ و به تاییدات غیری مؤید باشید. چندی قبل نیز نامه ای از طرف آن جناب واصل گردیده بود. اینک جواب هر دو نامه عرض می شود. راجع به اجازه آقای حاج میرزا عبدالرحیم در ورقه ای علی حده جواب نوشته می شود راجع به چهار نفر از اهالی اطراف خوی علی الله بوده و فعلًا مشغول تحصیل می باشند، فعلًا با همین مکتب اظهار مسرت از اشتغال به تحصیل آنها نموده و در همین نزدیکی ان شاء الله برای هر یک چیزی و لو مختصر باشد ارسال می دارم، چون فعلًا موردي ندارم. اگر بر جنابعالی زحمت نباشد مبلغ دویست تومان قرض کرده به هر یک آنها مبلغ پنجاه تومان برسانید و یا آنکه تأمل فرماید تا خود احقر برسانم.

آقای اخوی چند روز قبل به سلامتی وارد نجف اشرف شده اند راجع به موضوع رساله ما با آقای ملکی صحبت نموده

و به آقای ماکویی هم منفصلً یک چیزی نوشتم. نمی دانم این چه مشکله‌ای است که حل نشده، فقط مقدار پانصد نسخه برای احقر فرستاده شده با این که به قناعت صرف می کنیم ولی مع ذلک باز هم محل حاجت خواهد شد تا خدا چه بخواهد. امیدواریم ان شاء الله به زودی کتاب مستطاب فقه الصادق جلد اول آن نیز از طبع خارج و به زیارت شن نائل گردیم.

مرقومه تاریخ ۲۲ صفر که جوابش به تأخیر افتداد بود، تأخیر آن مبنی بر گرفتاری های مرتب و پیشامدهای غیر مرتب و کسالت مزاج بود و الا البته معلوم است جواب مرقومه آن جناب خصوصاً اگر مطلب مهمی داشته باشد با اختیار و تعمد تأخیر نمی شود. چند عدد عکس که در جوف ارسال نموده بودید واصل شد. مناسک حج که مرقوم داشته بودید نرسیده. جناب آقای آقا سید حسین قزوینی شخص امینی است. گویا به قم تا حال نیامده و البته ایصال خواهند نمود. چند نسخه دیگر هم بعداً خدمتستان خواهم فرستاد. مقدمه تفسیر که چند صحیفه از او، یعنی به مقدار یک جزو شخصی از جهت طبع برده است تهران و بقیه آن محتاج به مراجعة است، لذا به ایشان داده نشد، زیرا که در اصل مطلب طبع تردید دارم به هر حال مقدار قابلی نبوده که به قم فرستاده شود. امید است حضرت حق توفیق عطا فرماید که از مراجعه او فارغ شده و یک فکر اساسی برای طبع آن بنمایم. مطالب راجع به آقای میرزا عبدالرحیم زنجانی در ورقه مستقله نوشته شد، جنابعالی بعد از مطالعه مختارید که عین آن یا مضمونش را به ایشان برسانید.

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

١٣٧٤
ج ٢٦

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می رسانند: همواره سلامتی و تدارستی و توفیقات آن جناب را از درگاه ایزد متعال درخواست نموده امیدوارم در اثر توجهات خاصه حضرت ولی عصر عجل الله تعالى فرجه - موفق و به تأییدات غیبی مؤید باشند. مرقومه محترمه که حاکی از سلامتی آن جناب و حاوی مطالبي بود واصل و از مضمونش اطلاع حاصل گردید. مرقومه سابقه مورخه ۱۷ ع او ۱۹ ع نیز چندی قبل از این، واصل گردیده جواب هر سه مرقومه عرض می شود:

داماد آقای حاج میرزا عبدالرحیم که حامل رقمیه اخیره بود با چند نفر از همشهری ها به سلامتی وارد و مشغول تحصیل می باشند. دیشب را به بازدید داماد آقای مزبور رفته است انشاء الله تعالى در موضوع ایشان کوتاهی نشود. جزء اول فقه الصادق تا حال به احقر نرسیده از قراری که آقای اخوی مذاکره نمودند نزد ایشان است احتمال می دهم که امروز لطف نمایند. زیاده عرض قابلی نداشته التمام دعا دارم.

راجع به موضوع مرقومه آقای حاجی میرزا عبدالرحیم که به جنابعالی نوشته و در جوف تقدیم می شود ملاحظه نمودم حسب اطهیان می دام آن شخص کیست که نامه به ایشان نوشته است. احقر هم به این معانی ملتفت می باشم ولی اهمیت نمی دهم. کار خود را به حضرت حق - جلت عظمة - واگذار نموده ام هر چه پیش آید خوش آید. انشاء الله تعالى عامل به وظیفه بوده باشیم باقی سهل است لیس للانسان الا ما سعی. راجع به داماد آقای حاجی میرزا عبدالرحیم انشاء الله تعالى از مساعدت مالی نیز کوتاهی نمی شود. کما این که با همشهری های دیگر که نیز توصیه فرموده بودید و فعلًا نجف مشرف هستند، همین طور خواهد شد انشاء الله تعالى. راجع به چند نفر در قم فعلًا میسور نشد انشاء الله تعالى در وقتی همراهی می نمایم فعلًا مبلغ جزیی از آقای حاجی شیخ ناصرالله گرفتام در جوف حواله آن ارسال می شود. امید است حضرت حق سیحانه، احقر را بر منیات خود موفق بدارد. عجالتاً دست ما کوتاه و خرما بر نخلی. دیشب خواب می دیدم جنابعالی به عراق تشریف فرما و در کربلا مشف هستید مرحوم والد و حضرت آقای والد شما و احقر با آن جناب در مجلسی هستیم و احقر با جنابعالی عازم مسافرت به ایران می باشیم احقر به مرحوم والد عرض کردم که با معیت فلان، یعنی جناب عالی، عازم سفر ایران هستم امید است انشاء الله تعالى این خواب احقر و جنابعالی به خیر باشد.

فیروز نرده کانه هار جدید او ایندر فاید
اسفنا ک لرز و دن لر ز هاج نصره به تغیر کمیه جو ب ترس در حرف
اسه صفت میتوانند بکار راندارد اگر صدیع باشد لپکار
اسه دلبر و دلبر ارجاع دهنده و سیم خود خود بخوبی استفاده
دارد خل و فاید



قبول زحمت نموده کاغذهای جوفی را امر به ایصال فرمایید. استفتائی از قروین از حاج نصرت الله معینی رسید. جواب آن در جوف ارسال خدمت می شود که به جناب آقا محمود آقا ارسال دارید اگر صلاح باشد به صاحبش ارسال دارند و الا ارجاع دهند.

والسلام
خوئی

خود جنابعالی نیز استفتا را ملاحظه فرمایید.

لشکر چشم

سیاه پرچم
۱۳۷۴

بهربری خارج و جود میرانگرم را فرماد

دیگر نگزیده شد و داشت توجه خاص حضرت اعظم حضرت
 فوجه برآفتن و خودت و سعادت بیشتر نداشت بلطف حمل عیشه
 سعیدین بزمی حضرنموده شده و در وقت بیشتر بزمی
 همان روزه از طرف خانه دهر و جویش ناخوشیده
 تئزیز که فلاح غایب که نظریه اشرف خاطر بر داشت
 و بعد از آن بزمیدن بدم خودم جواشتم مدریس برده بزمی
 برگردانه و لسانه برخرازیده و نهضت جویی قدر نمایند
 آنها مرکفر نگانه هم نموده بدمید نوشت و نهایتاً با دلدن جویی
 سعادت نهاد بزم خودم نهاد جویی و رؤاست رئیسیه بزمی
 از اعراض جنیم در خانه در حق خادم و از آنها پنهان در دسته داشتم
 عصیان و ده بدم در گاه اور گاه امکانی اخراج

سلخ شهر ربیع

۱۳۷۴

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض می‌رساند: خدای متعال وجود محترم آن جناب را از کافه آلام و اسقام
محفوظ داشته و در اثر توجهات خاصه حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه- به توفيق
و عزت و سعادت آنجناب بیفزاید به مناسبت حلول عیدین سعیدین تبریک عرض نموده،
شادکامی و موقفیت آنجناب را طالبم. تا حال سه مرقومه از طرف جنابعالی واصل و
جوابشان تأخیر شده و علت آن انحراف کلی مزاج اینجانب که تقریباً مشرف به خطر بود،
بوده است و یکی از آنها نیز لازم بود خودم جوابش را بنویسم به هر حال مدتی از جهت
استراحت به کوفه رفته و نسبتاً استراحتی نموده و اکنون جواب رقیمه ثالثه را که توصیه
آقای آقا مرتضی زنجانی را نموده بودید نوشته و انشاء الله با دادن جواب به مشارالله
مساعدت مالی نیز خواهم نمود. جواب مرقومات سابقه را نیز انشاء الله بعداً عرض می‌نمایم
در خاتمه در حق شما دعا و از شما التماس دعا دارم، والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته
ابوالقاسم الموسوی الخویی

۱۲ شهر رمضان المبارک

۱۳۷۴

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض می رسانند: ان شاء الله تعالى مزاج مبارک در کمال استقامت و عین عافیت بوده و از هر گونه ملالی خالی خواهید بود. امید است پیوسته در اثر توجهات خاصه حضرت ولی عصر - عجل الله تعالى فرجه - در اعلای کلمه حقه و تبلیغ احکام اسلام موقف و مؤید و از جمیع بیلیات محفوظ باشید. دو رقیمه سابقه آنچنان را بنا داشتم خودم به اسرع اوقات امکان جواب بنویسم ولی تصادف با ماه مبارک و بحث رضاع و اشتغال جادی به حاشیه عروه مانع شده و ان شاء الله تعالى در اول ازمنه امکان جواب را عرض می نمایم. راجع به جناب آقای آقا سید ضیاء زنجانی توثیق و توصیه نموده بودید با مشارکیه ملاقات به عمل آمد و معلوم شد واقعاً شخصی آراسته هستند و بنا داشتم مساعدت مالی به ایشان بنمایم ولی یکی از اصحاب بحث که با معظم له مربوط بودند چنین اظهار داشت که ایشان از وجوده چیزی قبول نمی نمایند و از غیر آن که موردی نبود و گویا با این مقدمات تکلیفی دیگر بر اینچنان بناشد در خاتمه عزت و سعادت و سلامتی و توفیق آنچنان را طالب و در این ایام و لیالی متبرکه در حق شما دعا و از شما التماس دعا دارم آقای مستبطن^۱ و آقای ایمانی^۲ و بنده زاده سید جمال بحمد الله وجوداً سالم و البته خدمت جانبعالی سلام دارند،
والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

ابوالقاسم الموسوی الخویی

۱. آیت الله حاج سید نصر الله مستبطن از علماء و مراجع نجف اشرف و داماد آیت الله العظمی خویی که به دست رژیم بعث به شهادت رسید.

۲. مرحوم حاج سید جلال الدین فقیه ایمانی از علماء اصفهان و داماد آیت الله العظمی خویی.

حاشیه مقاله‌گذشت
۱۳۷۴

بسم الله الرحمن الرحيم

بهربر ب نشانه مراجع شریف در محل آنهاست و میں فرماتج داشتم
که این مسیح است که از آنها نسبت به دو صور از شخصیت میراث

در موضع جایی قرار گیرد و این طور و شکل مذکور بود در خانه شورش مدیر شرکت
دیگر شرکت و اصلی از روز ۲۰ شهریور ۱۳۷۴ میلادی در مسکونی شده از آنهاست و اینجا
آنها را می‌نمایم لکنه این از دو جهت معتبر می‌باشد و بنابراین موضع تصریح فرموده
هم از این شرکت از زیر پیش باشد و این موضع حفظ شده و مذکور شده است از عراق از همانجا
از این شرکت و اینجا مادرگی از مسکونی مشترک باشند بنده خود بجهة در مورد این
موضع بگوییم که این مسکونی پرداخته بوده و اینجا مادرگی در مسکونی سرپرست
دلخواه خود گرفته و بعد از این راهی این مسکونی از عراق مفقود شده است
اسف است که این مسکونی پرداخته بوده از اینجا خوب است این
اگر این مسکونی پرداخته بوده بجهة اینجا در دو شهر عرض می‌گردید
دعا و آدم و این مسکونی در واقعه اینجا و برخاسته اند اما این مسکونی کوچ

۱۵ شهر شوال الکرم

۱۳۷۴

بسم الله الرحمن الرحيم

بعرض می رسانند: ان شاء الله تعالى مزاج شریف در کمال استقامت و عین عافیت بوده و ملالی نخواهید داشت رقیه شریفه که حاکی از سلامتی آن جناب بود واصل و از مضمونش اطلاع حاصل گردید. در موضوع جناب آقای سید ضیاء زنجانی اظهار تأثیر نموده بودید اینجانب بنابر مساعدت به مشارالیه داشتم ولی دونفر از رفقای ایشان که ثقة نزد اینجانب هستند بعد از اینکه اینجانب ایراد این معنی را نمودم گفتند ایشان از وجود قبول نمی کنند و بنده در این موضوع تقصیر بل قصوری هم نداشته ام زیرا که بنا داشتم و این حرف مانع شد و فعلًا ایشان شاید از عراق هم خارج نمی باشند و فعلًا تدارک این معنی را می شود نمود به اینکه خود جنابعالی در صورت سیر مبلغ یکصد تومان به معظم له پرداخته حواله اینجانب نمائید و در صورت عدم سیر مرقوم دارید حواله گرفته ارسال دارم راجع به کتاب مستطاب فقه الصادق جزء ثانی استفسار نموده بودید نظر احقر با جزء اول یک سنت و خیلی خوب است امید است ان شاء الله اسباب طبع باقی نیز به احسن الوجوه تهیه گردد زیاده عرض قابلی نداشته التماس دعا دارم، والسلام عليکم و رحمة الله و بر كاته

ابوالقاسم الموسوي الخوئي

در مردم ای ای خانه هایی می خواهند میراث را در این دنیا بگیرند و نه در آن دنیا که نیز می خواهند میراث
بیمه است ولی مردم ای ای خانه هایی که میراث را در این دنیا بگیرند و نه در آن دنیا که نیز می خواهند میراث
پنهان خود را بگیرند و میراث
خوب نمی باشد می خواهد که این دنیا که نیز می خواهد میراث خود را بگیرند و میراث خود را بگیرند و میراث
دانش بگیرند و میراث خود را بگیرند و میراث
قائم خواهد شد و میراث خود را بگیرند و میراث
سرطان میراث را بگیرند و میراث خود را بگیرند و میراث
و اینکه بگیرند و میراث خود را بگیرند و میراث
ارزیابی می کنند و میراث خود را بگیرند و میراث

لهم إني أنت السلام وأنت العافية فامنعني من كل شرٍّ

در مرقومه تاریخ ۷ شهر صیام چنین مرقوم نص عبارت (به طوری که تحقیق شد امسال وضع شما بسیار خوب بوده است ولی رفتارتان هنوز تغیر نکرده است) اگر مراد شما از وضع، وضع غیر مادی است همانطور بر طبق تحقیقات شما است و اگر مراد وضع مادی است اتفاقاً امسال برعکس پارسال وضع خوبی نبوده است منشأ تحقیق شما از کجا بوده نمی دانم که چنین برخلاف تحقیق است راجع به جناب مستطاب آقا شیخ ابوالفضل مرقوم داشته بودید احقر خیلی میل دارم با اینگونه اشخاص حتی المقدور مساعدت نموده و مضایقه نمایم مقتضی موجود و مانع مفقود ولی شرط منتفی است به هر حال جنابعالی مبلغ یکصد تومان نیز به ایشان پرداخت نموده و به ضمیمه مبلغ سابق حواله نمائید و الا بتویسید تراه دیگری در نظر بگیرم.

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

بسمله تعالیٰ

به عرض می رساند در دو سه مرقومه راجع به جهات مسامحة احقر اشاره فرموده و به اشاره مليحه اعتراض می فرمائید و اینکه معاصرین احقر جدیت و فعالیت می نمایند نقض فرموده اید دلم می خواست جواب مفصلی عرضه بدارم مجال نتمود ناچار بدین چند کلمه مصلع می شوم البته تصدیق می فرمائید احقر هم این مطالب را لاسیما بعد از تبیه ملتفت می شوم ولی چیزی که احقر را از این مطالب صرف کرده این است که اگر احقر در این موضوعات اقدامی بکنم قطع نظر از جهات دیگر پیش خود منفعل و ناراحت هستم زیرا که بالیان می بینم که این دنیا به کسی دست نداده و هنوز بکر است و هیچ ارزش ندارد انسان در راه این بی وفا قدیمی بردارد بلکه به حال خود باید واگذاشت هر چه پیش آید خوش آید بسیار بی انصافی است که شخص عمری را در زحمت گذرانده و نتیجه او را به مفت بفروشد. اقدامات دیگران محمول به صحت است ولی ان شاء الله تعالیٰ احقر نخواهم نمود و اگر جنابعالی در این موضوع ان قلت دارید امید دارم به جهت زیارت نجف اشرف مشرف شوید شفاهای بحث می نمایم.

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

١٧ ذیقعدة الحرام
بسم الله الرحمن الرحيم
١٣٧٤

به عرض می رسانند: مرقومه محترمہ مورخه ۱۱ شوال که حاکی از سلامتی و تدرستی آن جناب بود، واصل و از مضمونش اطلاع حاصل گردید. امید است پیوسته در اعلای کلمه حقه موقق و مؤید و از بیانات محفوظ باشد مطالبی را که نمره بنده نموده بودید جوابشان مرتبأ عرض می شود: -۱- راجع به قضیه بهاییها و تأثیر حضرت آقای بروجردی در این موضوع شرحی مرقوم داشته بودید این موضوع در نجف اشرف فقط به وجهه دینی تلقی شده، اشخاصی که در این موضوع تلگراف نمودند که از جمله آنها احقر بودم فقط به لحاظ دین بوده و مخصوصاً در آن ایام وجودی داشتم که این فرقه ضاله مض محل و نابود گرددند، اگر خدای نخواسته واقع امر مطلب دیگری بوده و آقای بروجردی هم اغفال شده، البته معذور خواهم بود میزان در تحسین و تقبیح مقام احرار است اعتباری به مصادفه و مخالفت واقع نیست. -۲- آقای آقسید حسین قاضی، بنده هم چنان چه مرقوم فرموده اید ایشان را مرد پاک و با واقعیت یافتم آن قدری که معظم له خدمت شما نسبت به اینجانب اظهار لطف نموده اند، اینجانب نیز اظهار ارادت می نمایم و در خصوص بقای ایشان در نجف بنا به اشاره بعضی از رفقا که اظهار میل احقر را نسبت به بقای ایشان تحسین می نمودند، اظهار میل شد ولی عملی نگرددید مقتضای عبارات جنابعالی آن بود که رسماً دوباره ایشان از قبل احقر طلبیده شوند که در دستگاه مفید است، ولی لابد لوازم این مطلب را از هر جهت در نظر گرفته و امکانش را به نظر خود تجویز نموده اید. این صدای دهل است که از دور شنیدنش خوش است. احقر با ملاحظه وضع مادی فعلی خود علی الخصوص امسال نمی توانم بر چنین موضوعی اقدام نمایم و لابد جنابعالی از کثرت عائله مشارالیه خبر داریم. به هر حال به کار خوردن ایشان در دستگاه اینجانب یا لازم داشتن احقر ایشان را در دستگاه خود نمی دانم عبارت از چیست. به هر حال راه حل این مطلب آن است که جنابعالی از قبل خودتان با ایشان مذاکره نموده و اظهار میل احقر را در اینجا به مشارالیه تذکر داده و قراری که اینجانب از عهده برآیم گذاشته و به اینجانب اطلاع بدھید تا جواب عرض نمایم و بعداً تکلیف معلوم شود و اینجانب از مساعدت مقدوره مضایقه ندارم ولی تکمیله مؤنه مقدور اینجانب نیست.

۳- موضوع آقای آقا شیخ ابوالفضل ان شاء الله عرایض احقر خلاف واقع نیست. علاقه احقر نسبت به مشارالیه زیاد است و در این موضوع به خودشان عریضه ای نوشته ام و منشأ رد ایشان ظاهراً مستند به شنیدن صدای دهل بوده، امید است که ان شاء الله حضرت حق تسهیلی در امور فرماید و تمکن بدهد تا از خدمت نسبت به اینگونه اشخاص کوتاهی ننمایم.

۴- راجع به موضوع آقای آقا سید ضیاء زنجانی وجهی به توسط بندهزاده سید جمال فرستادم، شاید تا حال به ایشان رسانیده باشد. ۵- موضوع دو اجازه و دو آقا را نفیاً و اثباتاً نمی دانم چیست زیرا که تا حین تاریخ آتجه از مرقوم جات آن جناب واصل گردیده جوابش عرض شده و موضوعی مهمی نمانده، اگرچنان چه جنابعالی این دو آقا را اهل می دانید ثانیاً به صورت فوری معرفی نموده و مرقوم دارید که اجازه بنویسم شاید در این موضوع شما چیزی نوشته اید و به احقر نرسیده یا این که جوابش نرسیده باشد. علی ای حال اینجانب مطلوب نیستم فقط جواب این قیمه است که آن هم الساعه ان شاء الله تمام می شود.

۶- موضوع تغیریات را غیر از تغیر آقای سلامت چیزی دیگر در نظر ندارم اگر مراد این است که به خود ایشان جواب نوشتم و کما این که عرض شد از جنابعالی رقیمه ای بی جواب نماند.

۷- از سلامتی و تدرستی خود و رضایت بخشی مباحثتان مژده فرما شده بودید، باعث مسربت گردیده حمد الهی را به جا آورده امیدوارم بیش از پیش در اثر توجهات خاصه حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - تقدیم داشته و از هر حیث در ترقی باشید. تبلیغ سلام خدمت حضرت آقای والد - دامت بر کاته - به عهده آن جناب است زیاده عرض قابلی نداشته التماس دعا دارم، والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

رساله

لزبط لسب بر قدره همراه ملک طلب با آن مانند که خود همراه با در حواب میم
 و آن طلب را می شنیدند بقیه است که اطلاع نداشتند و خود را این در حواب میم
 شنیدند طوری که در حق در حق روزبه این که همراه همراهش نیستند در حق قایع
 شدند و بعدها به تمام دلجه بدانند اگر احتمال ناشی سعادت داشته باشند اینها
 بسیار دلچلی طبع همچنان مصادف با هم مدارد با این که دارند و بروز وقتی خود را هدایا
 می خواهند اش و پنهان اصرح سب طبقه همراه روزبه مسلم بداران راه
 همیش این خوش این و بحال در و دل دلیل همراه دین باز نیستند
 ز این عرض تابع از همراه دلخواه دلخواه دلخواه دلخواه دلخواه

با این همه این

بسمه تعالیٰ

از مطالب مرقومه اخیره یک مطلب باقی مانده که خود احقر باید جواب بدhem و آن مطلب راجع به شخص نجفی است که اظهار تأثر فرموده اید که بعد از این زحمات نتیجه این طور باشد و ضمناً درخواست فرموده اید که احقر به منزلشان رفته و وجه قابلی تقدیم و استعماله بنمایم. البته بدانید اگر احتمال تأثیر می دادم البته امر عالی را انجام می دادم ولی قاطع هستم که اصلاً قایده ندارد. باید کجدار و مریز رفتار نمود تا خدا چه خواهد. ان شاء الله تعالى احقر حسب وظیفه شرعیه رفتار می کنم بعد از آن هرچه پیش آید خوش آید. به افعال و تروک دیگران احقر و جنابعالی مکلف نیستم زیاده عرض قابلی نداشته و التماس دعا دارم، والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

ج ۱۴۷
ج ۱۴۶

بگلریز نه رو و مر مرد که ببر طافت دیگر مر نظر
و همروز این عذر نه بله بعده همگو دید زیوار میگشت ریسمان
در سهیم آینه بخواسته داشت این میگفتند شیر خوار چون
سنه که خود را در راه پسرخواهی رفاقت نمودند از این
دسته بود این طبق داشتند همچنان و به این سه دسته
در قرآن همراه بوده این دسته مقصود جان فصلیه است و کلمه
درینه همراه بیست خبر برداشت راچ بمنزه زاده میگفتند
و دعوی برینه از دست برده و طبق راسته درینه
به او شروع و قدم داشته و دسته بود که باشند نهادند
که بخلصین دیگر طرف دسته بود رسانیمه که بخلصین
این طرف بشه غدر خلصین خوب است و دفعه داشته
شاید خواهیم بود زیاده عرض نمایی رئیسه پهلوی داشت
و لیسم میگفتند این دسته براحته او را کاملاً بخواهیم

ج ۸

۱۳۷۵

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می رسانند که: مرقومه محترمه یکی به توسط پست و دیگری به توسط آقای آقا سید یحیی واصل و از مضمونشان اطلاع حاصل گردید از قرار صحبت مشارالیه معلوم شد که از سهم امام نمی خواهد و ان شاء الله بعدها تحقیق بیشتری می نمایم اگر خواستند مساعدتی خواهمند. راجع به موضوع آقای آقا سید مرتضی تبریزی شرحی مرقوم داشته بودید. این مطلب داستانی داشته و به این سادگی ها که مرقوم داشته بودید نیست و مقتضی بیان تفصیل هم نیست و آنچه پیش آمده امید است خیر باشد. راجع به بنده زاده سید جمال و دعوت رسمی شما از مشارالیه و اظهار لطف و مرحمت و کاغذ نوشتن به او شرحی مرقوم داشته و نوشته بودید که به ایشان سفارش کنم که با مخلصین این طور رفتار ننمایند کسی که با مخلصین این طور باشد عذر مخلصین خواسته است و مع ذلك ان شاء الله سفارشی خواهمند. زیاده عرض قابلی نداشته التماس دعا دارم.

والسلام عليكم و رحمة الله و برکاته
ابوالقاسم الموسوي الخوئي

حاشیه عروه نه^(۹) مرقومه اش طبع شده و تا یک ماه دیگر بقیه نیز انجام خواهد گرفت.
آقای مزبور اظهار کرد که امورشان از روضه خوانی می گذرد و وجوده نمی گیرند.
توصیه ای در موضوع مشاهراش به یکی از تجار خواست احقر هم نوشت.

۲۴ فوج خواه

۱۴۷۶

(لشکر عزیزم)

بهربرت و دوزن ترمه مرصد ۸ شهریور که کار زدگان
 دهند و لازم نمود سرمه عاد مطهیر بعده طبع خالق گردید این سه شنبه
 در آن روحانیت خاصه که داشت داعی عجیب شاه فرمود و بعد از حکم عزله

بسیار برق نمود و نمود در کسرم پاک شد و این سفت را که در آن روز
 سرت کشیده دارد و در آن روز اینجا نچه منزل تا خوش رفته باشد این روزی
 ولد و میشه بیه صبح بود مدراج به دفعه هشت هزار گنجینه خوش خوار زد
 دیگر شاه بود و در آن گرچه نکه مدد در پادشاهی و مقدم و اولاد درین شاه
 دلخواه داریم تا بهی و بیدر صیرت صدیع وی طبع داشته باشد
 بعده بعده آن روز خوش گردیده بدرست از همان روزه نامه شد
 از آن طسوخ کاتنه نایاب نمود و به سر زد صولت نامه
 چنان طهاره کرده است ای میریسم مکتوبه ای از هفت
 قوه ضربی و نتوشتر و مطعن بکشید و بیدر صیرت میدرید
 مت برخوبی باید ده همان نام بکشند بخشنوده جویانه

۲۴ محرم الحرام

۱۳۷۶

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض می رسانند: مرقومه محترمه مورخه ۸ شهر جاری که حاکی از سلامتی آن
جناب بوده واصل و از مضمونش که حاوی مطالبی بود، اطلاع حاصل گردید. امید است
پیوسته در اثر توجهات خاصه حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه- در اعلاه کلمه
حقه و اعزاز دین مبین موفق و مؤید و معزز و محترم باشید.

- ۱- جریان مسافت را مرقوم داشته بودید مسرت بخش بود، در مرند اگر چنان چه منزل
آقا میرزا علی اکبر مرندی وارد می شدید، اصلاح بود.
- ۲- راجح به وضعیت آقای میرزا محمد، شرحی مرقوم داشته بودید اگر چنانچه مرودی
برای تهیه وجه و ادای دیون مشار اليه در نظر دارید تهیه و الأ در صورت صلاح دید اطلاع
دھید تا به میرزا علی اکبر آقا یا آقای حاج میرزا محمد بنویسیم از همانجا تهیه نمایید.
- ۳- از آقای طسوجی تاکنون نامه‌ای نرسیده انشاء الله پس از وصول نامه همان طور که
مرقوم داشته اید می نویسم.
- ۴- آقای مرقاری^۱ از جهت قروض ایشان فکرش شده و مطمئن باشید، و البته در صورت
میسور بودن مشار اليه به نجف بیاند والا همان قم باشند مانعی ندارد. جریان مراجعت

^۱. مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج سید جعفر مرقاری.

قد بد مرست کما آم مرقه دهش بدمید رجیت اند دید باز مرد شد

کوشش های سید و سیدی دست زیر تدارک و آن دنیا کافی
ش راجی و دنیا ش مرقی داشت بدمید مد هیز همنه گرچه نیز خود که ای
حاج ضیفه حاج عذر لاه مطابق این هم منزه از نیافت بودند شخص ای
بایت ن کنم میمیم تبعیض سه مذکور و به مذکول بدهیم که بایت
لذت جذب ت خواسته است بی طدم دگویا اجهم خودی مانع است
بهر عالی مذکوت بیکشند و هم در عاددم . خانه کار دارم اینه
و خود ده دل در دست کانه خوار در خوده پاشنه لذت قدره بین زرده
لیمان ت خواهی رفته بجهد پارسی متفکرات خاک سلطنه فرع
پر فرم و حم زنگنه مزلفه که بگزینه باز کن مذکوت فرجونه ای
می شد که ت بی خوبی بیکشند و بگزینه نمکونی
مزله بگزین که مذکور دیده بدمید مذکومه بیست ده میزه
دینیه که دیگر سفر نموده ایم چو در دست بیمه و آواره نزدیک از رو
غایبه عرض گذاشت دیگر چنان دعا در زنها که این دعا میم مسکونه
است که چو بر دفعه مزله نوچنگان نموده دغیر بنت بیکشند
لشکریه سه دستگرد غریب ایم ای دلیلیم دلیلیم دلیلیم دلیلیم

ابوالحسن احمدی المحب

آقای والد - دامت برکاته - را مرقوم داشته بودید موجب تأسف گردید با این سوء تصادفی که شده، بهر حال امیدواریم در وقت تشرف به زیارت تدارک و تلافی مافات شود.

۵- راجع به رضائیه مرقوم داشته بودید ملا می خواهند اگر چنان چه خود آقای حاج خلیل آقا یا حاج غفار آقا مطالبه این معنی را از اینجانب نمودند، شخصی را برایشان فکر می کنیم. تبلیغ سلام خدمت آقای والد موكول به عهده آنچناب است. از جناب آقایی اخوی متى است بی اطلاع و گویا آجیل خوری مانع است، بهر حال خدمت ایشان سلام و التماس دعا دارم.

جانبعلی در این سفر شاید برخورد به واردات ما از خوی و مرند نموده باشید لذا قبل مبلغ هزار تومان آقای میرزا محمد برای من مشکل است.

جناب مستطاب آقای حاج میرزا رحیم زنجانی مشرف شده و یک مرتبه با ایشان ملاقات و جریاناتی صحبت شد که شاید خود ایشان ابراز بدارند و به جهت نامناسب بودن منزلشان قبول نکردن بازدید بروم در خاتمه امید است در این خدمات دینیه که در این سفر نموده اید مأجور و مثاب بوده و آثارش نیز ظاهر گردد. زیاده عرض قابلی نداشته در حق شما دعا و از شما التماس دعا دارم. مدت یک هفته است که به بیرونی منزل نو انتقال نموده و عنقریب انشاء الله اندرونی تخلیه شده و منتقل خواهم گردید.

و السلام عليکم و رحمة الله و برکاته
ابوالقاسم الموسوی الخوئی

غذه شهربند
۱۳۷۶

بسم الله الرحمن الرحيم

برخی این نامه را
روز دهه ای سپتامبر در فستیوال به پیش از مردم

میرمه ۱۹۷۶ زیارت از مدارس پیغمبری ها مدرسه هایی که در خانه
از قم سوال شده است نسبت بآغاز نهضت بگوی و نهضت جهانی
رشید امام دیجی محترم داطراف این مخصوص در اینجا مذکور شود
آنچه صحبت برخی باشد من این تبعه می باشم، آنچه در این ایام
مردگرد عرض کرده بودم غرض عرض باشند بگوی و بگوی این
ظرف خودم بعد این سه ماه است که این بجهود عربستان را می خواهم
فرمود از سیستمی بخش خود را در قدر نامه رسیده به پیش از
موزم دو سه ماهیم درجه به در لایه ابوالثمام مادر ائمه

غرة شهر رجب

۱۳۷۶

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می رسانند: ان شاء الله تعالى به سلامتی و عافیت بوده باشید، مرقومه محترمه ۱۹ ج ۲ زیارت از مطالب استحضاری حاصل راجع به موقوفات که از قم سؤال شده است، نتیجه‌ای تا حال نه نسبت به خود و نه نسبت به دیگران تشنبه‌ام و هیچ صحبتی در اطراف این موضوع در اینجا مذکور نمی‌شود، مگر این که به صحبت‌های سری باشد و من سابقه نداشته باشم. آن چه در موضوع آیة الله بروجردی عرض کرده بودم، غرضم اعتراض به آن جانب نبوده، بلکه بیان نظر خودم بوده، البته معلوم است که آن جانب همه جهات را ملحوظ خواهد فرمود.

از آقای سید یحیی باغمیشه‌ای چند روز قبل نامه‌ای رسید، جوابش را ارسال نمودم.
والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

ابوالقاسم الموسوي الخوئي

۲۷ شعبان المظہم

۱۳۷۶

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض می رسانند: ان شاء الله تعالى مزاج مبارک در کمال استقامت و عین عافیت بوده و ملالی نخواهید داشت. امید است پیوسته در اثر توجهات خاصه حضرت ولی عصر - عجل الله تعالى فرجه- در اعزاز دین میبن موقف و مؤید و از بلیات محفوظ باشید. ولادت باسعادت حضرت ولی عصر - عجل الله تعالى فرجه- و عید نوروز را تبریک عرض نموده سعادت و عزت و سلامتی آنچنان و فامیل محترم را طالبم. غرض از تصدیع پس از استعلام از سلامتی وجود محترم آن که جناب مستطاب آقای آقا سید ابراهیم علوی^۱ - دامت برکاته- در اثر علو همت و شهامتشان در خدمت به امور دینیه مورد علاقه و تقدير احقر بوده و خواهند بود ان شاء الله و چندین پیشنهاد ایشان تا حال داشته‌اند که من جمله شهریه قرار دادن اینجانب برای آقایان طلاب خوبی مقیم قم بود و این مطلب واجد مقتضی و مانع و فاقد شرط بود و علتش این است که جناب ایشان تاکون از نزدیک به وضع بنده روشن نشده‌اند و از قراری که جناب آقای سعید (جهل ستونی) و آقای اخوی آن جناب اظهار می‌داشتند مشار اليه از اینجانب به علت عملی نکردن پیشنهاد مزبور گله‌مند هستند و لذا به طوری که معلوم نشود از قبل بنده است با ایشان مشافه‌ایا مکاتب‌ایا تماسی گرفته و موجبات تکدر ایشان را استفسار نموده و حتی المقدور در رفع آنها سعی فرماید.

اینچنان تصمیم دارم ان شاء الله الرحمن در ماه مبارک رمضان مقدمه تفسیر را مراجعه و تکمیل نموده و بعد از ماه مبارک اقدام به طبع آن نمایم و ان شاء الله نسخه‌ای از آن ارسال خدمت جنابعالی و آقای معظم له ارسال خواهد گردید، زیاده عرضی نیست.

والسلام عليكم و رحمة الله برکاته
ابوالقاسم الموسوي الخوئي

۱. آیت الله آقای حاج سید ابراهیم علوی خوبی، از علمای شهرستان خوی.

در مسجد و حمام

۱۳۷۶

باسم

فیض

بزم علیه نه نه دسته طراح مبارک دعائی شنیده

لذت خواهد بود
دست پوسته در از لوجه هم خضراف که
غمزه ایله فوج در عده از این سین و عده خود خود موافق
دو نوی و لزیست محظوظ بشهی گرچه نهاد است یقیناً از طرف
بخط دهنم دله پوسته از گوش و کدر رجایی همی سرمه جی
او روح تنهی شریعت نامه را خوی لذتی را با این طبقه شدم
که شمع میشروع ناگواری می باشد هر عنصر از من بود و شیر
با این شریعت دارم بسیار نامنوعه و سرمه کنیت
لطفات از این نعمت اند اذ اصم بایتم شمش بمنزه
مصحح ششم که از این کنیت طرف این طبقه است
در صوره چاره ایشان بیش از همکاری ایشان
و به هر قدر ممکن باشد صدور شاید دلیل عکسی در جهان بود که ایشان
اینها ایشان بروی ایشان

۶ ذی الحجه الحرام

۱۳۷۶

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می رسانند: ان شاء الله تعالى مزاج مبارک در کمال استقامت و در عین عاقیت بوده و ملالی نخواهد داشت. امید است پیوسته در اثر توجهات خاصه حضرت ولی عصر - عجل الله تعالى فرجه - در اعزاز دین میین و اعلاء کلمه حقه موفق و مؤید و از بلیات محفوظ باشد. گرچه مدتی است مستقیماً از طرف جناب تعالی بی اطلاع و لی پیوسته از گوشه و کنار جویای سلامتی هستم. چیزی که موجب تصدیع شده آن است که نامه از خوی از یکی از آقایان طلاب داشتم که شارح پیش آمد ناگواری بین آقایان اهل علم آن بلده بود و منجر به این شده بود که عدهای را به شهریانی جلب نموده و پس از تحقیقات به ضمانت آزادشان نموده اند. لذا لازم دانستم بدین وسیله مصدع شوم که اولاً تحقیقی در اطراف این مطلب نموده و بعداً در صدد چاره‌ای شوید شاید اصلاح اساسی اگر ممکن باشد والا هر قدر ممکن باشد صورت بگیرد، والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

۲۱ مرتکب بحث
باسم رحمان رحم

۱۴۷۶

برگردان
بعض عیرنه مردم محترم غیره و خوازندگی و نشسته بسی اینجاست

در زمان معاشر پیغمبر مسیح پوسته توحیدت دایی است اینجاست زرگان
ایزد مسماط خلیم جنسه قبر عرض نجات نجات دارد و جریان قصه
طهدب خودی خاصیت آنرا ت حوز عرض ننمود و فیلم چاره داشت ت از
آن م حاوی بود در جم خوشی داده بودیم حسنه ایشان بجا آوردیم
حواله داشت حضرت آیت الله علی بیانی بهشت عرض داشت ت شکر کوب خود را
پر از داشتم لقا از لاله خواست گردید و این از بجهت سُنی بر طبق میگذرد
برده و بگزیده از همان سمعه اور مادر خدمت میشدند میشدند میشدند
در جعفری شریعت مخدوشه داشتند که سردار در در در در نهاده اند گردد
این دسم ایشان و بآنها و بمناسبت حسنه ملهم فرمودند بخوبیه نهادند
خوبی م ملده و حب این ارجاع داشتند نامر داشتن به صفت
پنجه چشم داشتند یاد بخوبیه میگردند که به فای نظر به فای ماقعی چیزی
میگردند و لذت خود را داشتند بشه در صورتیکه میگردند
میگردند میگردند میگردند میگردند میگردند میگردند میگردند میگردند
پنجه میگردند میگردند و بجهت اینکه اینکه اینکه اینکه اینکه اینکه اینکه

۲۱ ذی الحجه الحرام

۱۳۷۶

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می رسانند: مرقومه محترمه غیر مورخهای که حاکم از سلامت و تقدیرستی آن جانب بود واصل و از مضمونش اطلاع حاصل گردید پیوسته توفیقات و تأییدات آن جانب را از درگاه ایزد متعال طالبی چندی قبل عریضه به خدمت آن جانب ارسال و جریان قضیه طلاب خوی را به ضمیمه تأثرات خود عرض نمود. رقیمه عالی که بشارت تدارک آن را حاوی بود موجب خوشوقتی گردیده حمد الهی را به جا آوردم. حسب الامر عریضه خدمت حضرت آیة الله آفای بهبهانی عرضه داشته تشکرات خود را ابراز داشتم لفأ ارسال خدمت گردید و این از جهت مشی بر طبق میل آن جانب بود والا اگر از اینجا مستقیماً ارسال خدمتشان می شد شاید اوفر بود. اگر چنانچه ارجاعش به اینجانب محذور نداشته باشد مسترد دارید تا از اینجا ارسال گردد.

امید دارم ان شاء الله با تأمل و تدبیر حسم ماده فساد را بفرمایید نامه های اخوی مطالعه و حسب الامر ارجاع داشتیم. نامه نوشتند به صدرالاشرف را به نظر احقر مناسب نیامد بی میل نبودم که به آفای نورالدین امامی چیزی بنویسم، ولی نخواستم بدون شور آن جانب باشد. در صورتی که صلاح بدانید مرقوم بدارید تا به مشار اليه نوشته شود زیاده عرض قابلی نداشته التمس دعا دارم. والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

دست و آن کارهای دیگر بکار آوردن نیست و دیگر نیز
میتوانند این میوه را در خود بگیرند و از آن استفاده کنند
و آنها را در پختن یا سرخ کردن طرف رفت و مولید ملک خواهان کردند و خوب نبودند
این اتفاقی را که کسی شاید از همان میوه استفاده کند و خوب نباشد میشود از اینها
که همان میوه که در میوه های قلیل از این میوه هایی بودند و همچنان خوب نباشد و از این میوه هایی
جهت میبد آنها کارهای فنی موارد طنزان میشوند میتوانند از همچنین در زمان
این میوه های خوب نباشند. این میوه را نظر خود گرفته و میتوانند از همچنان خوب نباشند
و ای از آنها که می خواهند خوب نباشند میتوانند از آنها گذشت و نه بخوردند بر این
داد اندیشه اند از این میوه را باعث برخاسته و بگذشت که این میوه های خوب نباشند این نیز خوب نباشد
بر و ص حابن و دهد از نکره از این میوه است خوب نباشد و همچنان دیگر نیز خوب نباشد
بروکت سیب از از که میگذرد و همان میوه های خوب نباشند همان نیز خوب نباشد
که همان میوه از آن گرفت. علیک که از این است که از این ایشان است که از این است
این از همیشه میگذرد از این میوه است دو رض بند طی این کار میتوانند از این میوه هایی
سیب رشک مرشد از این میوه است اول این برد خوب نباشد با خود از این میوه هایی
در میبد از این میوه هایی داده اند از این میوه هایی میتوانند از این میوه هایی
تا این نامه از این میوه هایی میگذرد و این میوه هایی نیز میگذرد این میوه هایی

۲۷ شهر محرم الحرام

۱۳۷۷

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می رسانند: ان شاء الله تعالى وجود مبارک، فرین صحت و عافیت بوده باشد. مرقومه محترمہ مورخه شهر ذیحجه الحرام جندی قیل زیارت، مقدمتاً مقداری وجه حاضر کردم تا حواله بر سد زیرا که مطمئن بودم طرف، وقت وصول مطالبه خواهد کرد. چند روز بعد طرف مسجد آمد و اظهار کرد که به اسم شما کذا مقدار حواله آمده از آن جایی که مقدار حواله بیشتر از وجهی بود که احقر حاضر کرده بودم گفتم قبول دارم ولی همه وجه حاضر نیست برای مقداری چند روز مهلت بدھید. اظهار کرد مانع ندارد به تهران می نویسم که مقداری از وجه در ذمة ایشان یعنی احقر مانده. البته این مطلب در نظر احقر محذور داشت و وجه حاضر هم نداشت ولی از آن جایی که حضرت حق نخواست خجل بشویم اسبابش را قبلًا فراهم فرموده بود و او این که مقداری وجه راجع به رقای آقای ماکویی به اسم احقر به عهده ایشان حواله بود و صاحبان وجه از مکه مراجعت ننموده بودند لذا وجه نزد ایشان موجود بود. گفتم بقیه را از آن وجه کسر کنید و حاجتی به نوشتن به تهران نیست غرض این که بحمد الله مطلب انجام گرفت. مطلبی که لازم است تذکر دهم این است که اوقات انسان همیشه یک نحو نیست و وضع بد طوری شده که تحصیل وجه گاهی بسیار مشکل می شود از این جهت اولی این بود که جتابعلی قبلًاً به احقر مراجعه و بعداً حواله بدھید و لا اقل در مرقومه مقدار حواله را معین فرماید تا مهایم تا خدای نخواسته طوری پیش نیاید که موجب انفعال احقر و جتابعلی فراهم شود. اما وضع خوی سپیار مرا پریشان کرده و چاره هم ندارم.

مرقومه ثانیه آن جناب فی الجمله موجب تسکین شد. امید است در اثر همت و عقل آن جناب به خوبی انجام باید البته کمال جدیت را اعمال خواهد فرمود. راجع به آقای امامی فعلًاً صلاح نمی داشم چیزی بنویسم اگر اقدامی نموده باشند بعداً تشکر می نمایم و البته جتابعلی چکونگی را اطلاع خواهد داد. آقای ناصر زاده تا حال نجف نیامده در وقت آمدن ایشان آنچه مقتضی است ان شاء الله تعالى عملی می شود. شخص پیرمرد معقولی در مسجد آمد و اظهار کرد که از آقای آقا سید ابراهیم نامه ای دارید دو نامه به احقر داد ملاحظه کردم دیدم یکی راجع به آقای حکیم است و دیگری راجع به اخوه عالی است نامه ها را به ایشان برگرداندم خلی متعجب شد گفت نامه شما لابد در منزل مانده بعداً هم ملاقات نشد و مطلب مجھول ماند نفهمیدم

مکوب ب هشتم این یعنی از نظر از اهل میش آور کرد . تئوریه همراه باست ام وارد می شود
 انتهی هفتاد و سی این خواهد بود " نظر از طبع فاعل شد هب انتهی هشتاد
 طول دارد در این نظر از این احتمال تغیر به تغیریق تا آخر خواه بر قدره عالی است باز
 لطف لجه زدهم عرض قایع هشتاد و هشتاد و دارم و رسیدم کنند و رفته به در راه
 از همان اینکار اگرچه

مکتوب نداشتم، یا این که مانعی از ایصال پیش آمد کرد. تفسیری که احقر نوشته ام وارد طبع شد انشاء الله تعالی عذریب خدمتان ارسال خواهد شد فعلاً مختصری از طبع خارج شده است البته چند ماهی طول دارد. در ایام تعطیل، اکثر اشتغال حقیر به تفسیر بوده تأخیر جواب مرقومه عالی هم شد به این مطلب بوده. زیاده عرض قابلی نداشته و التماس دعا دارم.

والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته
ابوالقاسم الموسوي الخوئي

ج ۱۴۷۷

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ وَسَلَامٌ عَلٰى مَنْ حَفَظَهُ اللّٰهُ

بی بیت پیر فریز عزت و سعادت و دعوه اندیشیک
دوایی به شهی از آهن خوب نمای کشم تعریز مرد
دشت روای موقی بودن داشت در تپه خجخه خوب داشت
دلاهات داری بیک در تپه مطیع خان نسکنی داشت
به شهی هدیه زمزمه نداشید که از دنیا کافی
هدیت جلد معلمه در حیات نام بیچ سهم و هم برخوا
هدت داشت معلمه حیات داری بقصیدی
حیی را فروز در داشت که بود نادره رسیده در
ای پیغمبر ای ایستاده سو نام کی رفته در داری بقصیدی
ساخته در خود خونی اکبر خواجه هجری شریعت
آن عدهه که ام ایگر کشیده طین قصیده
تریت من از آنها کارهای دیگر نیز نیاز نداشته
هزار در دلخواه بدر پیش و قدم داشته در در کارهای
دارد هب در خوش بیشه داشته بوده بگردید
سرکوز غمبه که بوجله هجری شریعت داشت

۱۷

۱۳۷۷

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض می رسانند:

رقیمه شریفه مورخه ۲۱ ع ۲۱ و اصل و از مضمونش اطلاع حاصل گردید. امید است پیوسته قرین عزت و سعادت و در اعزاز دین مبین موفق و مؤید باشد. از آمدن جناب مستطاب آقای ملکی به قم شرحی مرقوم داشته بودید. موقتاً بودن ایشان در آن جا خیلی خوب و بی مانع است. ولی اقامت دائمی ایشان در آن بلده طبیه گمان نمی کنم صلاح باشد. به هر حال مزید توفیق و تأیید ایشان را از درگاه حضرت احادیث - جلت عظمته - درخواست دارم، تبلیغ سلام و احوالبرسی خدمت ایشان مستند به لطف جنابعلی است. و راجع به قضایای خوی که شرحی مرقوم داشته بودید، تا اندازه ای موجب سور شد، امید به فضل الهی این است که سوء تفاهم به کلی مرتفع گردد. راجع به مرقومه سابقه مورخه غرة' ۱ که تسریع در جوابش نشد، علت مهم آن علاوه بر کارهای دیگر، اشتغال به طبع تفسیر است که تقریباً مانع از تمام کارهای دیگر شده به غیر از مباحثه ضروری و مانع دیگر این که مرقوم داشته بودید که به قرار اطلاع واردات امساله خیلی خوب بوده و نوشته بودید که اگر خلاف باشد، مسکوت عنده باشد که موجب ناراحتی نشود، با این که ناراحت می شوید، امسال بدترین سالهاست، زیرا که علاوه بر این که وجه درستی نرسیده، بعضی ها وجه گرفته و تاکنون آن را نپرداخته اند و نمی دانم این مخبرین که این قدر حسن ظن دارند، کیانند که این طور اخبار را به هم جور می کنند. مطلب دیگر این که به فرمایش سابق خود اشاره نموده و تالی فاسد عدم امثال آن را مرقوم داشته بودید آن که جناب آقای ملکی در آنجا تشریف دارند واردات سالیانه مرا از ایشان از آن ناحیه تحقیق نمایید. اگر مرادتان این باشد که از وجود آن جا چیزی تعیین شود، احقر که در مورد ایشان گرفتگی ننموده ام و هر چه ایشان صلاح می داند امضا می نمودم و اگر مرادتان این بوده که از این جا وجهی ارسال شود (اگر تصدیق فرماید) مقدور احقر نبوده است

د و ب مد نیش راجع به فخر حزب ده است، من نظری دارم
دل این مقدمت که گزارنده ای کسی باشد شاهد باید نهایی خواهد
در حق راه آزاد هر چیزی را که این مقدمت را در حق خود نداشته باشد
مشهود است راجع به این طبق خود را باید در حق داشته باشد
بدینجا این مقدمت عذری بخواهد اگر داشت و بدینجا آن طبق عذر میشود اما در
بررسی این مقدمت عذری بخواهد اگر داشت و بدینجا آن طبق عذر میشود اما در
هر زید منش بکار برداشت از میان در درود مقدمه ای متسرب عاصم
طیح تیمه هر زیدی بخواهد از میان طبع در این زیده همان
ارهای خود میتوان در فتاوی مقدمت در حقیقت درست و صحت و سدقی
بنام طابع و عاصم عیسی و قده بورخا = اولین پسر ایشان

و الا مضايقه نمی شد.

راجع به آقای بلوچی نفیاً و اثباتاً بنده نظری ندارم ولی این قدر هست که اگر از آنجاها کسی بنا داشته باشد با ایشان همراهی نماید و متوقف بر اجازه احقر باشد، مانعی ندارم. ولی اگر از اینجا از بنده چیزی بخواهند مقدورم نیست. راجع به مشاهره آقایان طلاب خوبی ها که اشاره فرموده بودید، بناء است عنقریب انجام بگیرد. ان شاء الله از انجام آن اطلاع دهید تا موجب سرور شود. با این که نمی خواستم خاطر شریف را مکنتر نمایم ولی از آنجایی که گرفتاری احقر زیاد شده به حدی که نزدیک است از میدان در بروم، جداً ملتمنس دعا هستم. طبع تفسیر هنوز انجام نیافته، ان شاء الله پس از انجام طبع در اولین ازمنه امکان ارسال خدمت می شود.

در خاتمه سلامتی و موفقیت و عزت و سعادت و سلامتی جنابعالی را طالیم.
والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته
ابوالقاسم الموسوی الخوئی

برگ من حرم

۲۸۴۶

۱۳۷۷

- جمع بورگیره بث بیان میان مادر کوئین من دست
- دلم که همه دست مردم از جن باز است شفعت بطلان
- کما فرازه نازم سخت جناب مذکور بتو
- ۱- آن را عرب خوش ماضی بسیه بر قیده میگذاشته
 - ۲- چند روز بپرست خواسته
 - ۳- پنجه زدن بهی بارگشت زاده بیرون رز حبک بپرسته
 - ۴- ملی ملکه عجده بسیه چویی بآن کاسی نیای خواسته
 - ۵- گوده خسته فیاده خوان رقیب خوارزمه اول دلبه گزار
 - ۶- خوبی نادره بده در جن خوش بزم رافت و خوبی خواه خواسته
 - ۷- آن را نامه مده ف ۱۸ آن را بر کمیتی داشت و خواهد بود
 - ۸- در مردم از صد زنده داد و نیمه بیوس دست کامن خواهند بود
 - ۹- مردم عرب بکه هشت باز جن از وضع مردم دوست از خواسته
 - ۱۰- خواسته چنان حرفه ای از مردانیه بقیه سراسر پنجه
 - ۱۱- سیم کا بکه دنمه ای ای خصوصی ظاهرانه و قدم داشته
 - ۱۲- مردم همین سه ای بکسی هست و لام از جن چنان بخوبی

۲۶ ج

۱۳۷۷

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض می رسانند: ان شاء الله تعالى مزاج مبارک قرین صحت و عافیت بوده و ملالی نخواهد داشت. دو رقمیه از جنابعالی زیارت شد، مشتمل بر مطالبی بود که تا اندازه ای متاثرم ساخت. جواب مطالب ذیلاً عرض می شود:

۱- آن که راجع به قیمت عبای جنابعالی خاطر جمع باشد، به هر تقدیر به آقای کلباسی چند روز بعد پرداخته خواهد شد.

۲- پنجاه تومان بدھی آقای محدثزاده به ایشان نیز حسب الامر پرداخته می شود.

۳- راجع به آقای آقا شیخ عبدالعلی اهری به آقای سجاستی ثانیاً مراجعته نماید، اگر پرداختند فبها و الا خودتان از قبل احقر برای ایشان ارسال دارید و اگر از خود ایشان نامه ای رسید، در جوابش خواهمن توشت که به عهده جنابعالی حواله شده.

۴- آن که در نامه مورخه ۱۱ ج ۱ آقای آقا میرزا اسماعیل رستگاری و آقای آقا سید علی اصغر موسوی را توصیه فرموده و امر نموده بودید، مساعدت مالی شود، امثال خواهد شد.

۵- موضوعی بود که باعث تأثر احقر از وضع مردم و تعجب از خوش باوری جنابعالی شد، همان حرفي است که از بنده راجع به رفتن سامراء به سمع مبارک رسیده، کما این که در نامه های سابق دو قضیه نظری این را مرقوم داشته بودید.

بنده که ناقل را ننمی دانم چه کسی است، ولی از جنابعالی تعجب می کنم که چه طور احتمال این که یک همچو حرف هایی از دهن بنده بیرون بیاید، به ذهستان خطور می نماید. بنده اگر قادر [باشم] جلو کلمات خودم را بگیرم، ولی قدرت بر جلو گیری از دهن مردم را ندارم که چیزهایی که موجب تأثر جنابعالی می شود، جعل نکنند. البته این معنی از قدرت بنده خارج است.

زیاد عرضی نداشته، التماس دعا دارم، والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته
ابوالقاسم الموسوی الخوئی

۴ سفید

۱۴۷۷

بستان

زده

بهره بسته بسته بسته بسته بسته بسته

لطفه لطفه لطفه لطفه لطفه لطفه لطفه

ذج به ذج به ذج به ذج به ذج به ذج به ذج به

بهره بسته بسته بسته بسته بسته بسته بسته

لطفه لطفه لطفه لطفه لطفه لطفه لطفه

خودم خودم خودم خودم خودم خودم خودم

و سلطان و سلطان و سلطان و سلطان و سلطان

تاده تاده تاده تاده تاده تاده تاده

تاده تاده تاده تاده تاده تاده تاده

تاده تاده تاده تاده تاده تاده تاده

گوچین گوچین گوچین گوچین گوچین گوچین گوچین

بسته بسته بسته بسته بسته بسته بسته

عنه عنه عنه عنه عنه عنه عنه عنه

دشت دشت دشت دشت دشت دشت دشت دشت

۳ شوال المکرم

۱۳۷۷

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می رسانند: ان شاء الله تعالى مزاج مبارک در کمال استقامت و عین عافیت بوده و ملالی نخواهید داشت امید است پیوسته منظور نظر اعلیٰ حضرت ولی عصر عجل الله تعالى فرجه بوده و قرین عزت و سعادت باشید عید سعید فطر را بدین وسیله تبریک عرض می نمایم رقه شریفه واصل و از مضمونش اطلاع حاصل گردید راجع به کتاب (الیان) شرحی مرقوم داشته و حسن ظن خود را بیان فرموده بودید گمان نمی کردم تا این اندازه مطبوع و منظور نظر عالی واقع شود به هر حال خواهشمند است دعا فرمائید تا در اثر دعای آجتناب توفیق اتمام آن حاصل گردد راجع به مسأله بقاء بر تقلید مدرک آن بناء عقلاء است و در بنای عقلاً اگر چه بین بقاء و تقلید ابتدائی فرقی نیست ولی از جهت دعوای اجماع و ظهور ادله شرعیه در اعتبار حیاة عند السؤال و الأخذ تقلید ابتدائی را جائز نمی دانم و ان شاء الله تعالى یک نسخه از کتاب مصباح الاصول ارسال می شود این مطلب در آجنا مشروحاً درج شده خانم والده بحمد الله در نجف اشرف و حاشان خوب و تازه ندارند و از قرار مسموع حضرت آقای والد دامت بر کاته به کربلا مشرف شده‌اند.

زیاده عرض قابلی نداشته در حق شما دعا و از شما التماس دعا دارم، والسلام عليکم و رحمة الله و بر کاته

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

ص

۱۴۰۷
۱۳۷۹

سیم آبرعن الرحمی

برمن علی رساز سید از تمدن مراتب لازمه و نکر زاد

الله ف سبده دلوب بند دلا حقا که کی از آینه قیم بر فنا که حق

۵) مکار از خود چند طلب باین مرشد
(۱) مکار اف عهای باین صحن مکار اف به تگیر بزوره در حضور هر کوچه
بیهودت آداب بزمشته شد و همراه این و بزوره و شخص این
و مخلع عتماد بزده و مخابره کرد و هست اگر در هنر افونی قدم
و پر نظر بزی بکت هر ف دهد و محترم پیغمبر از

۱) هنر تصریحی خداونم در فست مراسم دله میز باغ از ۶۰
چنین پیش آمد کرد و سید اصلی طلب نمود هر شد و آنچه ممکن
جذب مایل کار مکار افونی را این برصت بوزوره و چنان شاهد
اعتناء مکرده و مکنم داشته ای که خادمی طبع هنر تصریحی
مرقوم بزیست که مادفع هنر تصریحی اذ اسن یعنی نهادم پیش در
در پیش هر حواب استینی با تکناب بزیله و خنف خود
مشهده است دانیه تکرار افونی را جهود فرازد و هست بیکمال
مرشد در صورت عدم هنر لازم است باقی رفیعی که مکار از
ساخت از نهاده بزیم که مطعنه چنین بزوره ای این
طلب عاده محترم است که هنر جواب مکار ف جذب کار

۲۱ شهر ج ل

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۷۹

به عرض عالی می رسانند: بعد از تقدیم مراتب لازمه و تشکر از الطاف مبدوله سابق و لاحقاً که یکی از آنها قیام به امر فاتحه راجع به مرحوم آقای اخوی بود، چند مطلب بیان می شود:

(۱) تلگراف جنابعالی ضمن تلگراف به دیگری نبوده، در حضور احقر با تحفظ به جهات آداب نوشته شده و احقر امضا نموده و شخص امین و محل اعتماد برده و مخابره کرده است. اگر در تلگرافخانه قم و هو الظاهر یا نجف اشرف و هو المحتمل بعيداً اشتیاه شده باشد، احقر تصسیری ندارم. در فوت مرحوم والد نیز با یکی از آقایان چنین پیش آمد کرد و بعداً مطلب ظاهر شد و از آنجایی که جنابعالی کار تلگرافخانه را حمل بر سرت حفظ نموده و احتمال اشتیاه را اعتنا نکرده و مسلم دانسته اید که ماقع با اطلاع حقیر بوده است، مرقوم نداشید که ماقع چه بوده، لذا من هم نفهمیدم. همین قدر دانستم که جواب مستقیماً به آن جناب نرسیده و خلاف احترام شده است و البته به تلگرافخانه مراجعت فرمایید شاید اشکال حل شود و در صورت عدم حل لازم است به آقای قبله ای که تلگراف را به جنابعالی نشان داده بتویسم که مطلب چنین نبوده، آیا این مطلب عادتاً محتمل است که حقیر جواب تلگراف جنابعالی را

مرت

در این حباب دلگیری هم اسید بند اکنینه مکافات دلگیر چنین نشود و شد
این پیش آمد که برخیز مرتفع بدار خبر رسانی باشد . آنچه از عالی نیز سفید خود میباشد
دلگیر دایم قلع از عمر خوش بشن نماید و به عالم البه آنچه از ادب روح بخوبت حق

بیرون عده بیشتر فراموش نمود اصح خواهیم بود

(۲) در اثر قرائت نفت اول مرقوم شریعت سپاه و در اثر قرائت نفت ثانی جذب شد
در درسته در عرض دفتر را ، باشترین دست بخواب داشتم شاشم شناسم شجاع و دهان ایشان
ش را من انم بشه اند دل که بهتر ترک شد

(۳) اندیشه مکافات نمودن به حضرت آیت الله بروجردی پاکجه فعالیت اگرچه فاضل است
اد اسکال جده ا داده است و شدید بین جهت و شد که از تبر حضرت ن نزدی
همز سید است نه مکافات نه کتب و مطلع پرداخت است که این اسکال اکنینه بزرگ دارد نیزه
و معن اورسم و ظلیله از تبر نیزه که اطیع همیم و از قبره دلگران استوار نیزه نیزه

(۴) در درباره ترتیب از نسخه ایشان نهضت عالی ربط داشت از این زبان زنگنه
راویه مرحوم صاحب اکنینه خود آنوز ارسال کردند این حرام نسخه است
گلن مکنیم مکنیم داده است وزیر سید است در این زمانی بایشان مرچه نیزه

(۵) به مردم در رفع ارسال لکت ایشان در بر ته داشت که ره ایگان مکنیم
ارسال شده سرمه شد زیر سید است مناب غریب نیزه ثانی صحبت نیزه ایشان
لکت را مرقم داریم از این نیزه دش خودیه و ببر شناس ارسال جوانم

(۶) از اراده ایشان تا حال رسیده نمیگذرد تا رسیده ایشان مدتی است
انتظار زیارت ششم

در ضمن جواب دیگری بدهم؟ امید به خدا این که تلگرافات دیگر چنین نشود و شاید این پیش آمد های غیر مترقب برای حقیر امتحانی باشد. آن چه از حال خود می فهم چند صباح دیگر و ایام قلالی از عمر حقیر بیش نمانده والله العالم. البته آنچه از اسباب توجه به حضرت حق جل و علا بیشتر فراهم شود، اصلاح خواهد بود.

(۲) در اثر قرائت نصف اول مرقوم شریف، مبتهج و در اثر قرائت نصف ثانی چند ساعتی دردرس شدید عارض و ظهر را با این که عادت به خواب داشتم، نتوانستم بخوابم و احتمال می دادم شب را نتوانم میاخته کنم، ولی بحمدللہ تر کش نشد.

(۳) این که تلگراف نکردن به حضرت آیة الله بروجردی یا به حضرتعالی اگر چه فی نفسه بی قاعده بوده و اشکال جداً وارد است و شاید به این چهت باشد که از قبل حضرتشان تعزیتی هم نرسیده است، نه تلگرافاً و نه کتاباً ولی پرواژه است که اشکال به حقیر وارد نبوده و علی الرسم وظیفه احقر نبوده که اطلاع بدیم و از قبل دیگران مسئولیتی ندارم.

(۴) در دو ماه تقریباً دو نسخه الیان خدمت عالی توسط جانب آقای ابوالحسن زنجانی نواحه مرحوم صاحب کفاية خودآموز ارسال شده، نمی دانم چرا نرسیده است؟ گمان می کنم به کسی داده است و نرسیده است. در این موضوع به ایشان مراجعه می نمایم.

(۵) با آقای مقرم در موضوع ارسال کتب ایشان دو مرتبه صحبت کرده ام. گمان می کردم ارسال شده، معلوم شد نرسیده است. مناسب نمی بینم ثالثاً صحبتی بکنم. اسماء آن کتب را مرقوم دارید، از کتابفروشی خریده و برای شما ارسال بدارم.

(۶) القواعد الثلث تا حال نرسیده، هر آنچه زودتر برسد، اولی است. مدتی است در انتظار زیارت شن هستم.

۳

(۷) قبر من جو ن اسند بند در حفظ است

(۸) آنکه راجح است همه سمعی شد عذر داشت و این است

(۹) ایام ۶ مردادی مرحوم دبیر خاتم تقطیر بین خانه توزیت عرضه مدام چون از
بسیار باری مکافات توزیت نایم دله و قال دادم که نسبت به این بابت رذیغه ایان
نمایم لذا اینجا هر کوچه بس عذرست شنید

(۱۰) آنکه نزاج حضرت امیر توزیل کرد و داشت یه متدادی رعایت پدر اکبر ره داشت
اصل نزدیک باشد و بعضی از این این را داشتم و فهمم که این تدبیر مبارز فتح کرد
نمایم دفع کسر مقال حق داشت از اینجا بدل اینها را دارم

(۱۱) چند سال قبیر در حرم بطریق اطهان از حضرت حق هم رده خواسته
برجایه که از عده این برخایم و مکفرم صدره بمن از هبات شرعیه باشد
لضیب من نشود و در صور ممکن حیوة من خدمت عابن امر گرد و فدا از نه
مرک را نصیب نمایم و آنکه بده از هاست آن را همراه داشتند
لذا هشت ششم که هب ب هست برین شنبه بجزء حرم دعا برین سنجی ب
و مکفر ب از هبات آن را همراه که از هدایت این است داشت و در صور
از عده حد باری هستید اسما ساره دیدم این هاست همروز اول نزدیک از
شور دلاسا یا اندیز از هبات کثیره دنیا که از عده آنها عدم حق از قائم
بر ظاهت نسبت باید این مذهب بکشد و غیره بز وقوت س عذر
ماهر بسیار در ز همات میکشم و دل خوشی باید نهاده ایان را دارم
بگراند که تمدن مذکور میگم

(۷) قبوض جوفی امضاء شده در جوف است.

(۸) آچه راجع به مشاهره مسموع شده، خلاف واقع است.

(۹) الیوم آقای حمامی^۱ مرحوم و مباحثات تعطیل، به جنابعالی تعزیت عرضه می دارم، خواستم به جنابعالی تلگراف تعزیت بنمایم، ولی احتمال دادم که نسبت به آن جناب تویید اشکال بنماید، لذا استخارة کرده، مساعدت ننمود.

(۱۰) این که مزاج حقیر زیاد تنزل کرده و دست هم مقداری رعشه پیدا کرده و شاید اجل نزدیک باشد و به فضل الهی این دار هم و غم را تبدیل به دار فرح و سرور بنمایم و علی کل حال حیاً و میتاً از جنابعالی التماس دعا دارم.

(۱۱) چند سال قبل در حرم مطهر کاظمین از حضرت حق جل و علا خواستم که مرجعیت به مرتبه ای که از عهده آن برنایم و مستلزم صدمه بر من از جهات شرعیه باشد، نصیب من نشود و در صورتی که حیات من ملازم با این امر گردد، خداوند عالم مرگ را نصیب نماید و این که بعد از ممات آثار قلمی و اشخاص تربیت شده گذاشته باشم که اسباب رحمت بر من باشد. جزء دویم دعای من مستجاب و بحمدللہ از جهت آثار قلمی که از جملة البیان است و آثار خیر علمی که از جمله جنابعالی هستید، بسیار مسرووم. امید است جزء اول نیز مستجاب شود و لاسیما این که از جهات کثیره دنیا که از جمله آنها عدم تکن از قیام به وظایف نسبت به آقایان طلاب نجف و غیرهم از جهت مساعدت مادی بسیار در زحمت می باشم و دل خوشی به این زندگانی ندارم، به جز این که بتوانم خدمتی بکنم.

۱. آیت الله العظمی حاج سیدحسین حمامی از علماء و مراجع تقلید نجف اشرف (م جمادی الاولی ۱۳۷۹ ق)

مرثی

(۱۲) بسیار سیر داشتم نشیر را آم کنم ولی صفت مزاج و گرثت اشنال چاشه نمیدم
 سدهله نندم اما همان نشیر با در پی خودش بست سال باش طوفانی نداشم
 راین طلب بدارم تم درون بیک ه صرفت لذا عزم کرد ام باز فریته
 این آیات احکام را اینسان فته الرأک مع الداهب الحفته بدسم
 شد می این اثر یوم مرد از آثار فخر دیگر شود انش و بهتر ای دعای عزیز ما شید
 سوپن میریم و بعد مبارک ۱۸۰۰ امام سلطان به راضیه را ختم سکتم بعنی
 سلطان به و گل نیز است از تصمیم این ب جزو داری نیایم و بعدم
 علیم در قسم به درگاهه هدایت ایندی ای خواه

(۱۲) بسیار میل داشتم تفسیر را تمام کنم، ولی ضعف مزاج و کثرت اشتغال اجازه نمی دهد. ملاحظه نمودم اتمام این تفسیر با وضع خودش بیست سال با نشاط و فراغ لازم دارد و این مطلب برای احقر بدون شک حاصل نیست. لذا عزم کرده‌ام با توفیق الهی آیات احکام را به عنوان فقه القرآن علی المذاهب الخمسة بنویسم. شاید این اثر مهمتر از آثار قلمی دیگر بشود. ان شاء الله تعالی دعا می فرمایید موفق می شوم و به عدد مبارک ۱۲ امام مطالب عریضه را ختم می کنم. بعض مطالب دیگر نیز هست از تصدیع آن جناب خودداری می نمایم، والسلام عليکم و رحمة الله و بر کاته

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

شماره ۲۳
۱۴۷۹

ششمین ایام
از زمان
زیارت
بهره نه
دیر

و پنجمین سیده بنت هیله بیرون از طلاق از دلم عجم خواست
به مسیحیان دفع میان بین برق و ریشه شیخ خانه که در شهر خواست
استطاعت عربی زیدت و زیارت طیور کاکش و زرمه از
چاه خوشتر شد از خودی دشت برآمد و زیر خود روز خواست
دشت در داشتند از سرمه از خود که مفهوم خواست
که سه بیت هفت نوح و هجده دشت داشت چنان خواست
حالت آنها و صفات دید و از آنها زید است بگزین و زیارت
کللت داشت و زید داشت بده که آنها می خواستند و مگر خواست
بنی سهمت بدهند سه طبق خلاصات و موزع
نمایند از عصر ۴:۰۰ میزه زده بدوی نمیگردند از این
زمان از طلاق خاص نیست همچنان همچنان که از این
کسی چند مردم از طلاق از عصر شصت و هشت
مطریت یوسف زید است زید داشت از طلاق خواست
در طلاق زیگر زد جسده و زیارت از این داشت

٢٣ شوال المکرم

۱۳۷۹

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض می رسانند: ان شاء الله تعالى مزاج مبارک در کمال استقامت و عین عافیت بوده و ملالی نخواهد داشت. امید است پیوسته منظور نظر حضرت ولی عصر - عجل الله تعالى فرجه - بوده در تشیید مبانی دین میین موقع و مؤید باشد. تعلیقه جنابعالی در هامش نامه جناب مستطاب آقای علوی زیارت و از مضمونش اطلاع حاصل شد و از سلامتی جنابعالی خوشوقت شدم. آقای اخوی - دامت بر کاته - که در این چند روز بحمد الله به سلامت وارد شدند از سلامتی حضر تعالی مژده فرما شدند، خوبست جنابعالی هم مانند ایشان همت نموده و جهت زیارت اجداد طاهرین حرکت نموده و ضمناً دیداری تازه گردد. امید است تاکنون وضع مزاجی حضرت آقای والد - دامت بر کاته - کاملاً بهبود یافته و نگرانی نداشته باشد. تبلیغ سلام خدمت ایشان مستند به لطف جنابعالی است. موضوع نامه آقای علوی را تأیید فرموده بودید بنده کراراً به ایشان نوشته ام که حاضر نیستم مراجعه ابتدایی به تجارب نمایم علی الخصوص کسی که اصلاً مراسله ای ندارد. معظم له از علو همت خود هرچه به نظرشان می رسد مرقوم می دارند ولی محاذیر اشخاص دیگر را در نظر نمی گیرند، و چند روز قل نامه ای از ایشان داشتم و جوابش عرض شد کما اینکه جواب نامه حضر تعالی نیز در وقت ارسال گردید شاید تا حال از لحظات مبارک گذشته باشد و دو مطلبی که در آن بود جواب یکی از آنها تقریباً عرض شد و مطلب دوم تفصیلی داشت که مسکوت عنه ماند. زیاده عرضی نداشته ملتمنس دعا و دعاگو بوده و هستم.

والسلام عليكم و رحمة الله و برکاته

ابوالقاسم الموسوي الخوئي

صریح‌الطفه

بیان

بهر قایقران ث دهانه پرست مطراظه هر دفعه از حدا

دیگر بود و سه داریت بخوبی نمایم در ۱۸ محرم

چنان از خرد مردانه فخر شوی همگرایی جایز ملک

فرموده از نجف از فرقه ایام بر زینت و فرموده

نمایند کاطب برگزنشت است دامنه میزند

ششم عرض نمایند و زیر خود حوت و سوت آنها به طبق و این

زور را باز و بنا فخر محظی از شنبه بیم بر زدن

مرحوم داده اند و چون کنی از این ایشان خاص نمایند و دشمن

لرزیدند داده اند و فریاد کنند و آنها بگل لغایه ای دشمن

دشت را که بردارند از طبع جهت سر چاطر نسخه

نیزه هم فرموده اند در حق غای و دوزنها هم از داده اند

عیشه در قدر دهانه در مرقد خود مطلب در قدر

کیانیه هم باز خوبی داشته باشد و همین ب این

۲۵ صفر المظفر

۱۳۸۰

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می رسانند: ان شاء الله تعالى پیوسته منظور نظر حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - بوده، قرین عزت و سعادت و از بلیات محفوظ باشید. نامه مورخ ۱۸ محرم الحرام سال جاری جنابعالی از خوی واصل و از مضمونش اطلاع حاصل گردید. جواب نامه تبریز را مطالبه فرموده بودید. از آنجایی که توقف جنابعالی را در تبریز نمی دانستم چه قدر است، لذا جواب را به قم ارسال و لابد تا حال از لحظه مبارک گذشته است و اینکه بدین وسیله خیر مقدم عرض نموده، مزید عمر و عزت و سعادت آن جناب را طالیم. در آن نامه شرحی راجع به کتابفروشی محمدی نوشته بودم. پس از نوشتن نامه کسی به ایشان مراجعته و مقدار نود و چهار نسخه از ایشان استرجاع نموده و یکصد و شش نسخه را سند داده اند که تدریجیاً به آقای گلپایگانی، آقای آقا سید محمد رضا - دامت برکاته - پیردادند. این مطلب جهت سبق خاطر شریف عرض شد. گویا سند به اسم سید جمال بوده باشد. زیاد عرض قابلی نداشته، در حق شما دعا و از شما التماس دعا دارم، والسلام عليکم و رحمة الله در مرقومه خوی دو مطلب مرقوم داشته بودید. یکی این که جمعی از جنابعالی رساله علمیه خواسته و آن جناب امتناع نموده اید و دیگری این که بعد از ذکر بذل الطاف کریمه در موضوع احقر مرقوم داشته بودید (اما). راجع به مطلب اول عرض می نمایم اگر جنابعالی فی نفسه با حفظ جهات نوعیه و شخصیه و عرفیه و شرعیه این امر را صلاح می دانید، اقدام نماید و خدا را گواه می گیرم که از جهات احقر هیچ مانع نیست. بنده حسب ظاهر به اقتضای مزاج مهمان چند روزه هستم. راجع به جهات

مدصر اکبر الله دله بسته آنچه را که در نظر گرفته بدم حضرت حق سعاده میرزا خوارزمه
 داماد از هبّت رئیس بر رضی که دنیا بر با اقبال گذشت حال در ما مذہبت
 داماد امیر علیب صدیق حباب کی میدرست میدیت بحضرت الله بنیاد است
 سده هر شف ثویه در این وصیع ذرا کار آمیزد و پس علیم در قدره به دوباره
 ابراهیم امیر علی بی اخوند

خدمتی، الحمدلله وله المتن آنچه را که در نظر گرفته بودم، حضرت حق سبحانه بیشتر عطا فرمود و اما از جهات دنیوی بر فرضی که دنیا بر ما اقبال کند، حالی در ما مانده است و اما راجح به مطلب دویم جواب کبی میسور نیست. امید است به فضل الهی به زیارت اعتاب مقدسه مشرف شوید، در این موضوع مذاکراتی می‌شود، والسلام عليکم و رحمة الله و
برکاته

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

۷ ج

۱۳۸۰

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می رسانند: ان شاء الله تعالى پیوسته اوقات منظور نظر حضرت ولی عصر - عجل الله تعالى فرجه - بوده در اعزاز دین مبین و اعلای کلمه حقه موفق و به تأییدات غیبی مؤید و از بلیات محفوظ باشد. غرض از تصدیع پس از استعلام از سلامتی وجود محترم آنکه جناب مستطاب ملاذ الانام حجۃ الاسلام آقای حاج شیخ عباس قوچانی - دامت برکاته - که یکی از مفاخر حوزه‌اند مدت هشت ماه قبل صیہ حضرت حجۃ الاسلام آقای اخوی - دامت برکاته - را برای آغازاده شان خطبه نمود و ایشان جواب را موکول به قم نمود و تاکنون جواب صریحی نهیاً یا اثباتاً نداده‌اند و بنا به درخواست معظم له آقای قوچانی بدینوسیله مصدع شدم تا اگر از اصل موضوع و خصوصیات اطلاعاتی داشته باشد مرقوم دارید تا مطلب یکسره شود و آغازاده ایشان به قرار معلوم جوان مشتعل و باکمالی است لذا خواهشمندم اطلاعات خود را در این باره مرقوم دارید و چنان چه محتاج باشد با حضرت آیة الله آقای والد - دام ظله - مذاکره نمایید. مطلب دیگر آنکه جناب مستطاب آقای محمدی کتابفروش هنگام تشریف به نجف اشرف با اینکه خودشان می دانستند که قیمت تفسیر راجع به احقربنیت و مصرف دارد یکصد نسخه سفید به مبلغ نهصد تومان و یکصد نسخه زرد به مبلغ شصصد تومان خریداری و قرار شد که قیمت آنها را تا یک سال بفرستند و فعلاً که تقریباً مدت سه سال از معامله گذشته است مبلغ پانصد تومان از مجموع مبلغ یکهزار و پانصد تومان ارسال داشته‌اند.

و از قرار مسموع شعست نسخه زرد و سی و سه نسخه سفید پس داده‌اند با این که اصل معامله قطعی و حق ارجاع نداشتند مع ذلک در فرض ارجاع باید به نجف برسانند نه در ایران تحويل دهنند به هر حال این چند نسخه را استثناء و مابقی مبلغ را در صورت امکان هر چه زودتر ارسال دارند و به جنابعالی چنین اظهار داشته‌اند که به بندهزاده سید جمال نیز چیزی پرداخته‌اند، ولی بنده اطلاع ندارم زیرا که بندهزاده چیزی در این باب نوشته است لذا خواهشمندم با ایشان مذاکره و تمیه حساب را بفرمایید ارسال دارند. در چندی قبل به سید جمال نوشتم که ده نسخه از آنها را خدمت شما ارسال دارد پنج نسخه سفید و پنج نسخه زرد، اگر تاکنون ارسال نداشته است مطالبه فرمایید. هفته گذشته نامه‌ای راجع به مرحوم آقای

میرزا محمد

مرحوم میرزا محمد دلختن شاهزاده که پیش از این به آن رعیشه رسید بستگی
اچغر آزاد شد و امیر شاهزاده است دارد و فرداد و حعل شاهزاده است از آنها ملکه کوکام
عرفیه زاده سلطان شد و درست بابل شاهزاده امیر شاهزاده مرفن بر رعیشه نجاح داشت (میرزا موسی)
در سیم عیکم در حجه هجری و پنجمین آذری سال از زاده

مجاهدی^۱ - قدس سره - عرض، لابد تا حال از لحظه مبارک گذشته است.
راجع به بعضی از مطالب مرقوم سابق می خواستم چند سطیر خودم بنویسم در این
ضمن مرقوم جدید رسید که عده آن راجع به امر فواتح مرحوم مجاهدی بود ولی متأسفانه
میسور نشد که یکی از اسباب آن رعشه دست است که اخیراً حادث و گاهی شدت دارد و
فعلاً در حال شدت است از آن جایی که نخواستم عریضه زیاد معطل شود مبادرت به
ارسال شد، بعداً ان شاء الله تعالی موفق به عریضه نگاری می شوم.
والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته
ابوالقاسم الموسوی الخوئی

۱. مرحوم آیت الله حاج میرزا محمد مجاهدی تبریزی

۲۸۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برخان لرستان ای و هن له دهدبارک وزن صفت دی فیت و
درست سبزه هایی که در خود می خواهیم داشت از سیر زنجبیل
سرور و از ایلاف عالی شکردار آذین را بگیری تا شر قدم می خورد و می خوبد
اعیان و حرج زن مخصوص خواهی عرض نماید و از رضی و مکول فضیل کنم
سبق میشود بر ایجاد قصه ایدی شخصی که از این ریخت داشت در طبقه های پنهان
هرگز این رسم و در این حیث باید طلبی بر روب بیان غصه است سیه جا
نگردد و دست بر سبق و دست بر غصه نیش دار باشد در رشته که در رسیده جا می شود
غصه نیش دار غصه نیش دار باشد در رشته که در غصه طبع ایدی شخصی
عصف می این شفی که این طلاق را درست هایی داشته باشند تعلق
یار گلزار این شفی یکجا به طرفه منتهی گلگردید و یونس شرکت طرفت
بالآخره میشوند همچنانه افزاده در این همین پیش شده که از درون خود
رسنیه و غیبت اینها بگذرد و دیگرین اینهم میشوند
حد ازند عالم اینها را هایت کند و الگه بر یافشند انتقام بگشته
که پرسته هیں مردم در میان این ایش عفری خود و نزدیک داشتند
انهه خوبی اینه که رعیم پر می خودد با خود را داشت این
ملب بر غصه و جنبی لگن اند رسائل باقی داشت پر یعنی حضرت

۲۷ شهر شعبان المظمم

۱۳۸۰

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می رسانند: ان شاء الله تعالى وجود مبارک که قربین صحت و عاقیت و عزت و سعادت بوده باشد. محترم مرقوم شریف مورخ ۱۱ شهر جاری زیارت از سلامتی مزاج شریف مسروor و از الطاف عالی متشرک و از تأثر آن جناب متأثر، مرقوم شریف جنابعالی به بنده زاده ایصال و خودش مفضلًاً جواب عرض می نماید و از موضوع و محمول قضیه کاملًاً مسبوق می شوید. اجمال قصه این که شخصی که از معارف و شاید در طبقه دویم علماء تهران به شمار می رود از جنابعالی مطلبی که موجب هیجان غضب است به سید جمال نقل کرده (و شاید مسبوق باشد) که در اثر فشار درد سر، سید جمال مقداری عصبانی شده) او عصبانی شده. و از جا در رفته بر خلاف طبع اولی صحبت هایی نموده. نمی دانم شخصی که این مطالب را خدمت عالی رسانده همان شخص است یا دیگری و این شخص می خواهد دو طرفه نتیجه بگیرد یا غرضش یک طرف است، بالآخر نمی دانم چه شد افرادی در اهل علم پیدا شد که از دروغ و افتراء و نمیمه وغیت ابدًا باکی نداشته و یحسیون انهم یحسنون صنعاً، خداوند عالم این ها را هدایت کند و اگر قابل نباشند انتقام بکشد که پیوسته بین مردم و مؤمنین اشاعه فحشاء و نشر فساد ننمایند. البته جنابعالی می دانید که مرحوم پدر من چه علاقه ای به احقر داشت این مطلب بر شخص اجنبی سنجین آمده و مشغول به فساد شد، بحمد الله حضرت حق - جل و جلا - مطلب را منکشف نموده و به مقصد نرسید و شرح این مطلب شفاه لازم دارد غرض این که جنابعالی بدانید مطالی که خدمت عالی عرض شده ابتدایی نبوده و کلمات در حال عصبانی بودن مورد مؤاخذه تامه نخواهد بود فقط این که از این پیش آمد تا حال متأثر و در نوبت خود از جنابعالی معذرت می خواهم. این قصه یکی از نمونه های ابتلاءات حقیر است دلم را به این خوش کرده ام که مظلوم بودن اولی از این است که ظالم باشم و لا سیما که عمر به آخر رسیده و باقی خیلی کمتر از گذشته می باشد، بحمد الله عمری با ابتلاءات که مقداری را جنابعالی کاملًا می دانید گذراندیم.

در رسمیت ران تاریخ عده میان طوفان به سه اردی تا ششم و نیم آن پشت از
جن باید شد است و تفسیر آن این است که در قلم عالی رسمی داعرین آن این بود که هر دوست را
نمی تواند باشد که نیز عده میان را در نهاده باشند تا بین نزد رفاقتی سیم صفر نهضت اسلام
و می توانند از این نزد رفاقت از کسر مگیرید و باشند نه هبته ناید لیکن اینها می توانند برداش
در زندگانی خود این را که احتمالاً بازی هم داشتند که باز در هر دوست را در نهاده باشند
غایب است که این احتمال را مگر راه را که بطباطب از فتح هم کرد هم مزبور مدهای است نزد
نهضت اسلام این است که رفاقت این این را می توانند با هم را صحبت کرد و هم باشند
غایب است و گفت این این است که رفاقت این این را می توانند با هم را صحبت کرد و هم باشند
غایب است و گفت این این است که رفاقت این این را می توانند با هم را صحبت کرد و هم باشند

امیدات تو فین همچرثد و جنگ با بریارت هستابه نزدیکه شرق نشیدند؟
شرق بود رطبا بر سر گردانز هفت کوه دارد و داهمن علیکم در هسته پیر دارای
اور پیام اخراجی اخراجی

در موضوع دویست تومان آقای آقا شیخ غلامحسین طسوجی هم مقداری متأثر شدم و منشأ آن اشتباہی از جنابعالی شده است و تفصیل آن این که وقتی که مرقوم عالی رسید و مضمون آن این بود که دویست تومان تشویقاً به آقای شیخ غلامحسین داده شود، احقر وجه را در همان تاریخ نزد آقای حاجی شیخ نصرالله خلخلائی گذاشم و به جنابعالی نوشتم که وجه نزد ایشان است از کسی بگیرید و به ایشان حواله نمایید، گویا جنابعالی فراموش فرموده اید و گمان کرده اید که احقر باید بدهم و به این نحو به آقا نورالله دستور داده اید ایشان هم خجالت کشیده از احقر مطالبه نکرد که مطلب را توضیح دهم که وجه مزبور مدتها است نزد آقای خلخلائی است و کیف کان به آقای آقا نصر الله گفتم ایشان هم تلفوناً با خلخلائی صحبت کرد، جواب داد وجه حاضر است یا باید بگیرید، غرض این که از ناحیه احقر تقصیر یا قصوری نشده است.

راجع به حاشیه مکاسب منهاج الفقاہة مرقوم داشته بودید در تحت طبع است تبریزک عرضه می دارم امید است پیوسته در زمرة ناشرین علوم اسلامیه بوده باشد.
امید است توفیق حاصل شود و جنابعالی به زیارت اعتاب مقدسه مشرف شوید شفاهاء عرض شود و مطالبی دیگر نیز هست که حاجت به مذکوره دارد.
والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته
ابوالقاسم الموسوی الخوئی

۱۲ فریضت بکار
سلسله حکم‌الحاج

بهربره هر هوب ناگون راز خانله و همسر زرصفوت ن چه
ایدیت پیرست دار تو جهت خانه کشت و لامصر عبارت یا هزار
در حکم چشم دشیمه با هم دهدند مینهین دینه کلاده دوزن م ده
باشید (۱) هرب مذویخ ۱۸ هزار طبریه با درسته نظر
لاین قدر است راجح کھرست یاره چاهه زنسته ده جزو هاشمی
بسم چرنه مت بس ز امدادین چاهه بسته همچنانه میگذرد

گزنشت ام

(۲) چپ بزرعی سیده سر زدنده دسته چاهه ناده زنی
زیدات جوب بند بندش خورشیده چیز چیز نزنشت
بودند خواست خانله در عرض مذکورت تسبیه کردند که به جزو قدر است
هیت (دینه مینهین دلاkat) بگزند مجاز نیز خود را خودی
در تکیه و نظر گھرست که بآن آن دامنه نمیست

(۳) راجح پسره بیکلسته چهارمینه بوده که بند بند

نامیم او نه چنین قدر شد که نجیبین چند بزرگ زننده چه
ت هر دسته شرکا داده منع دوسته بفرازه گردید ثم عین برخود
ولهه داشت زنی مسزد احمد بارشدند و چهار رکمه عی بجا هر دو

۱۲ ذی القعده الحرام

۱۳۸۰

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض می رسانند: دو مکتوب تاکنون از جنابعلی واصل و از مضمونشان اطلاع حاصل گردید امید است پیوسته در اثر توجهات خاصه حضرت ولی عصر - عجل الله تعالى فرجه - در احکام و تشیید مبانی اسلام و اعزاز دین میین و اعلای کلمه حقه موفق و مؤید باشد.

(۱) مکتوب مورخ ۱۸ شوال مطالی که باید خدمتشان عرض شود از این قرار است:

راجع به حضرت آقای والد اجازه نوشته و در جوف ارسال می شود.

با سلام احقر به خدمتشان برسانید این اولین اجازه‌ای است که ملاحظه می فرمائید و به این نحو نوشته ام.

(۲) جناب آقای حاج سید موسی مازندرانی - دامت برکاته - نامه‌ای از ایشان زیارت، جواب مناسب مقامشان عرض شد. راجع به وکالت چیزی نوشته بودند خوب است جنابعلی در موقع مذاکرات، تنبیه فرماید که همه جور تصرفات ایشان (البتہ نه به عنوان وکالت) مانعی ندارد محاذیری دنیوی و اخروی در توکیل در نظر احقر است که بیان آنها در نامه ممکن نیست.

(۳) راجع به شهریه نجف اشرف اصرار نموده بودید که بدون تأمل اقدام نمایم، اولاً چنین قرار شد که نان نجف بین احقر و آقای شیرازی و آقای شاهروodi مشترکاً داده شود و ورقه امضا گردید ثم به مانع برخورد ولذا آقای شیرازی منفرداً عهده دار شدند و احقر توکلاً علی الله با اصرار

چند نزدیک شده بزمیم که من محترم منی علیم ایرانی خواهد بود و مادر نیز پدر نیز داشتم
لطفاً هر چند دلیل میگفتند از سوابع .

(۴) راجح باشند که در این موضع اخراج همه نسیب و نسبتی به این اتفاق

باشه نزدیک نه دوستی که در این اتفاق این اخراج همه نسبتی به این اتفاق دارد و این داده
روجت از این شد که ناگزیر نزدیک است که همه دوستی این اخراج همه نسبتی به این اتفاق دارد و این داده
آنقدر دارد و این دلیل این اخراج همه نسبتی به این اتفاق دارد و این دلیل این اتفاق دارد و این دلیل
باشه همان نسبتی .

(۵) دلیل این اخراج همه نسبتی به این اتفاق از این طبقه از این دلیل از این دلیل

باشه همه داده این اخراج همه نسبتی به این اتفاق دارد و این داده دارد و این داده .

(۶) دلیل این اخراج همه نسبتی به این اتفاق دارد و این داده دارد و این داده .

(۷) دلیل این اخراج همه نسبتی به این اتفاق دارد و این داده دارد و این داده .

(۸) دلیل این اخراج همه نسبتی به این اتفاق دارد و این داده دارد و این داده .

(۹) دلیل این اخراج همه نسبتی به این اتفاق دارد و این داده دارد و این داده .

(۱۰) دلیل این اخراج همه نسبتی به این اتفاق دارد و این داده دارد و این داده .

(۱۱) دلیل این اخراج همه نسبتی به این اتفاق دارد و این داده دارد و این داده .

(۱۲) دلیل این اخراج همه نسبتی به این اتفاق دارد و این داده دارد و این داده .

(۱۳) دلیل این اخراج همه نسبتی به این اتفاق دارد و این داده دارد و این داده .

(۱۴) دلیل این اخراج همه نسبتی به این اتفاق دارد و این داده دارد و این داده .

(۱۵) دلیل این اخراج همه نسبتی به این اتفاق دارد و این داده دارد و این داده .

چند نفر دیگر متعدد شهریه شدم ولی نه عمومی به تمام معنی بلکه ایرانی ها عموماً و تعدادی از غیر آنها، امیدوارم به فضل الهی کما و چیفای شیناً فشیناً توسعه یابد. (۴) راجع به نان قم مرقوم داشته بودید در این موضوع به احقر مراجعه ای نشده البته در صورت مراجعته اجازه خواهم نمود و معلوم باشد که در گذشت حضرت آیة الله العظمی آقای بروجردی - قدس سره - به اندازه ای موجب تأثیر شد که تاکنون نیز باقی است که اصلاً در مخیله ام خطور نمی کرد که چنین متأثر شوم و علتش هم علاوه بر خدمات دینیه ایشان احتمال اختلال حوزه قم و نجف بود، لذا در هر موضوعی که مفید برای حوزتین باشد امتناع خواهم نمود. (۵) راجع به آقای آقا شیخ محمود یاسری شرحی مرقوم داشته بودید تا حال اثربار از ایشان ظاهر نشده بر فرضی که ظاهر شود البته ملاحظه مقام ایشان خواهد شد و اجازه خواسته بودند لدی الوقت داده شد. (۶) راجع به حرکت احقر به ایران مرقوم داشته بودید فعلاً چنین خیالی ندارم و اساس این انتشارات چه بوده است نمی دانم. (۷) از وضعیات احقر سؤال نموده بودید وضع من این است که به پیش آمد، خوش آمد می گوییم تا خدا چه بخواهد. (۸) راجع به رساله مرقوم داشته بودید، کتابفروشی اسلامیه در یک تاریخ اجازه طبع رساله احقر و آقای شیرازی را خواستند و از هر دو ناحیه به اختلاف یک روز اجازه شد و فعلاً سه روز است که چند نسخه از رساله ایشان را فرستاده اند و از رسالات احقر خبری نشد، نمی دانم طبع کرده است یا خیر. (۹) راجع به حرکت مبلغین به اطراف، مرقوم داشته بودید چنانچه حرکت آنها مفید به عالم دیانت باشد حضر تعالی از قبل احقر با ملاحظه اقتصاد آنچه لازم و ضرور باشد تهیه و اقدام نمایید ان شاء الله بعداً تدارک خواهد شد و تاکنون از ایران غیر از مسموعات چیزی دیده نشده است و دراز کردن پا بیش از گلیم موجب ندامت است.

در خاتمه مزید عمر و عزت و سعادت جنابعالی را طالب، ملتمنس دعا و دعاگو هستم
والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته
ابوالقاسم الموسوي الخوئي

٤٢ من مسرى محمد بن الحسن

بهر علی بیره ب نهاده میخ بار دهک دستور میخ بین پنجه
خوب نماید داشت ایمه ب پرسته سلطان خلیفه هفت دله محمد هم بر آن فرد
دو حجم چشم و قشیده باشد و مضم و میعنی ایمه ب رفاقت دویشی خود را
نهشته بده از آن پس بخواهد تا زندگی بزرگ شوند به جزوی سعی کردند از آنچه
میگردند عازمه طبع رسید و میگردند میانی نزد خود و یک لذت بینی داشت
خوب است بودند رسید و شنید که این طبع دجده روز داشت زنده بینی
باریست از ستم اند ولذت از میخ دشتر جا در بینی که در دیر و دیگر
چنین ستمه میشود که نظرت ب بعض آنها میگذرد تا زیر یک صد
ایت و غیره بودند فقط حالتی شوده اند که خود چرخ زدن طبع نمایند
در شرط بودند که جا درست باشند و پاپ شود و کن خود از زدن برداشند
محب و متنده نادل از زدن عالمد است برخیش رکن خود در جای خود که خود است
بله ای ارجاع دادیم خضری بینی خود میگردند از این مرد ندارند
و همچو که در از پیشنهاد جناب دهیار میعنی پیش از شیره اند میخ اند
برخیم دیر اینها و میعنی از خیر آنها هم گزند و چنین بخواه
و ایمه که فایده نهاد شدند زیر یک کم از زدن از زدن خود خیر
نفرت کرد تا مصادف باشند و لذا جناب ای از این بی کمی از این میخ

۱۶ ذی القعده الحرام

۱۳۸۰

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می رسانند: ان شاء الله تعالى مزاج مبارک در کمال استقامت و عین عافیت بوده و ملالی نخواهید داشت. امید است پیوسته منظور نظر حضرت ولی عصر - عجل الله تعالى فرجه - بوده در احکام و تشیید مبانی اسلام و بعضی از ایثارات موفق و مؤید باشید. غرض از تصدیع آن که آقای کتابجی که به قرار فرمایش جنابعالی به احقر رجوع کرده اند به اختلاف یک روز اجازه طبع رساله و مناسک و حاشیه از احقر و یکی از آقایان دیگر خواسته بودند، رساله و مناسک ایشان را طبع و چند روز است نمونه آن را برای ایشان فرستاده اند و از نامه مورخ ۷ شهر جاری ایشان که دیروز رسید چنین استفاده می شد که نظرشان به طبع آنها تعلق نگرفته است زیرا که اصلاً اشاره ننموده بودند فقط حاشیه عروه را که خود احقر نیز اعاده طبع ننموده ام نوشته بودند که بنا است با عروه چاپ شود و کسانی را که از ایران رساله می خواستند تا اندازه ای اعتماداً بر فرمایش حضرت تعالی و اجازه ای که گرفته اند به ایشان ارجاع دادیم.

غرض آن که نوع مسموعات از این قرار است و بنده که در اثر پیشنهاد جنابعالی و اصرار بعضی دیگر شهریه این ماه را برای عموم ایرانی ها و بعضی از غیر آنها عهده گرفته و چنین به نظر می آید که قافیه تنگ شود زیرا که تاکنون از ایران عموماً خبری نشده است تا خدا چه بخواهد، لذا جنابعالی نسبت به آقایانی که جهت تبلیغ

میو همه هر چیز بودند محصور بودند فضولت بگذاشت
 سکونت گشاد نمود و در طلب شنیده که در قاضیان
 شمرده گشته ایم بیز نگفته ایم پسنه گردیده آنها را نمود
 در داراییم رسم خواهیم دارد و در حق بیرون پیش
 در نهاده خواهیم داشت و قدر خواهد بود اینها
 مریا شد بسیه فرسد زیرا عرضی نداشتند و اینها را
 فهمیدند و در حق بودند اینها اینها را بگذشتند

می خواهند به اطراف بروند به مختصراتی که ضرورت ایجاب می کند، اکثراً نموده و
مواظب باشید که در قافية این شعری که گفته ایم گیر نکنیم، البته اگر بعداً خدا توسعه داد
ما هم توسعه خواهیم داد. و راجع به این موضوع در نامه دو سه روز قبل عرض شده بود
البته کمال اقتصاد را مراتعات خواهید فرمود زیاد عرضی نداشته التمام دعا دارم
والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته
ابوالقاسم الموسوي الخوئي

۱۶ موزه اسلام
بازدید از

- بهره ایران در مربوط به سیاست خارجی عده ۹۰ هزار دلار و نصف دلار پسندیده است.
- ویژه است که در زیرین نامه اکثر دلار خود را بله از نصف دلار پسندیده است.
- منشی داده و به شیوه خدمتمندی این فرمان در میانه کار چشم گشتنی برداشت.
- ۱- بجز این سیاست خارجی اینکه طبق این نسبت کار و خدمت و نفعه
 - ۲- بعضی از طبقه بین کارخانه ای که سیاست خارجی داشته باشد
- مقدمه ای طبق این ترتیب از نسبت کار و خدمت و نفعه
- ۳- از بحث اینکه کجا باید این مرتبه باشند
 - ۴- درین بحث مبنده مرتفع پرسته در داده همراه با پول آن از بحث کار
- پرسش دارد که تجارت نایشه چنانچه چه می بینیم و داده ای از مرتفع پرسته ای که گذشت
- نمودند قبضه نگفته اند. عصر این طلاق تجارت نایشه از این نظر با اینات گردید.
- ۵- از اوضاع این ترویجی دسته بجهوب رئیس این بسیاه کارخانه
- بخدمت کار خود از مرتفع پرسته
- و حکم این کارخانه شرکه همچنان که مقدمه ای این بطریح همراه با نصف دلار پسندیده است.
- باید این بحث
- ۶- از این سیاست از دسته کارخانه خود این اطلاع را در خواسته داشته باشد
 - ۷- مناج پنهان در این سیاست این سیاست را در میانه کارخانه در میانه کارخانه
 - ۸- خوش گذشت.

۲۶ ذی القعده الحرام

۱۳۸۰

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می رسانند: دو مکتوب شریف مورخ ۶ و ۹ جاری واصل و از مضمونشان اطلاع حاصل گردید. امید است پیوسته در اثر توجهات خاصه حضرت ولی عصر - ارواح العالمین له الفداء - در تشیید مبانی دین میین موفق و مؤید باشید. چندین مطلب در این دو نامه درج شده بود که جوابشان به قرار ذیل است:

- ۱- راجع به آقای حاج سید موسی و آقای حاج آقا احمد مطلب چنان است که مرقوم داشته بودید.

- ۲- بعضی که مطلب را به جنابعالی به نحوی اظهار می دارند که موجب مسترتان گردد، تا مطلب معلوم نشده، بر طبق آن ترتیب اثر ندیده. مقام قول غیر از مقام عمل است.
- ۳- از بهبهان تا حال مکتوب یا تلگراف یا غیر آن مراجعهای به احقر نشده.
- ۴- راجع به نان قم قبل از مرقوم داشته بودید که دهنده های پول آن از مراجعین شما هستند و اگر استجازه نمایند، اجازه بدھید و در این نامه مرقوم داشته اید که اگر استجازه نمودند، قبول نکنید. علی کل حال تا حال استجازه ای نشده تا نفی یا اثبات گردد.
- ۵- از اوضاع قم شرحی مرقوم داشته بودید، بسیار متأثر، امید است حضرت حق - جل و علا - به فضل و کرم خودش اصلاح فرماید.

- ۶- تلگرافی که به اصفهان شده بوده، الحمد لله معلوم شده که ارتباطی به احقر نداشته و توصیه آن جناب بسیار به مورد بوده است.
- ۷- از قراری که بنده زاده سید علی نوشته بود، جناب آقای لطفی رساله و مناسک احقر را در تهران طبع و در دسترس گذاشته اند.
- ۸- منهاج الفقاهه تا حال نرسیده، البته بعد از وصول یک نسخه آن حسب الامر به آقای اخوی آن جناب داده خواهد شد.

۹- میخ نیشیم علیرغم وجود جزئیات از مسیر زردا، با اینکه سرخوردهم
دسته بودیم مگر در پیش از آنکه بودیم همچنان طلب ناشر لطف شنیده با خود رسانی
ظرف پیش از اینکه نیشیم غیر از اینکه از این مسیر نیز نیستند تقریباً دسته دری
از ناسیم از این مسیر نیز نیستند و کوچک است که با این مسیر متفاوت باشد. این مسیر
 فقط مقصود نیستند از اینکه از این مسیر که اینها از این مسیر نیز نیستند
میگردند. باید مانند این مسیر را با این مسیر متفاوت دانند. این مسیر از این مسیر
دارسته خوب باشد از این مسیر از این مسیر متفاوت باشد. باید این مسیر را با این
مسیر متفاوت دانند. این مسیر از این مسیر متفاوت باشد.

۱۰- در میان ریاضیات اولیه که در علوم پیش از این مسیر متفاوت باشد این مسیر
عذرسته که در جمله متنین با خصوصیات غیره داشت سرخوردهم نیز نیستند
که این مسیر از این مسیر متفاوت باشد این مسیر از این مسیر متفاوت باشد.

۱۱- پیش از اینکه این مسیر جمیع این مسیرها را داشته باشد این مسیر
از این مسیر متفاوت باشد. این مسیر از این مسیر متفاوت باشد این مسیر از این مسیر
و این مسیر از این مسیر متفاوت باشد این مسیر از این مسیر متفاوت باشد این مسیر
و این مسیر از این مسیر متفاوت باشد این مسیر از این مسیر متفاوت باشد این مسیر

۹- راجع به تقسیم عمومی در قم و جعل مشاهره در تبریز و مابیناسب ذلک شرحی مرقوم داشته بودید. بلکه امر به اسراع فرموده بودید. البته این مطالب ناشی از لطف آن جناب به احقر و حسن ظن به جامعه است. اجمالاً معلوم باشد غیر از یک مشت از تلکرگات تعزیت و مقداری از نامه های تعزیت و استجازه و نحو ذلک که باعث صرف وقت و تشتبه حواس، نتیجه ای نداشته است، فقط فعلآً باید هم خود را مصروف مشاهره مختصري که در نجف عهده گرفته ام داشت تا نوبت به جاهای دیگر برسد. بسیار مایل بودم که قدرت عملی کردن پیشنهادهای جنابعالی را داشته باشم و البته زیر بار قرض رفتن هم باید از طریق عقلایی باشد. به مجرد قیل و قال ترتیب اثر دادن سفهایی است. زیاده عرضی نداشته، ملتمنس دعا و دعاگو بوده و هستم.

۱۰- روی همین موضوع همانطور که در عریضه سابقه که لابد تا حال از لحاظ مبارک گذشته است، عرض شد که در اعزام مبلغین به اختصار قناعت نموده و از سه هزار تجاوز نکند که ان شاء الله تدریجیاً نأیه شود و هرچه کمتر باشد، به مناسب وقت اصلاح است.

۱۱- اجمالاً این که نمی توانم جمیع خصوصیات را در نامه شرح دهم. مصارف متوجه از احقر در خصوص نجف اشرف با واردات حکیم تناسی ندارد. فکیف به جاهای دیگر و در این خصوص و جهات دیگر از جنابعالی التماس دعا دارم و وضع مزاجی احقر با فشار زیاد هم هیچ سازش ندارد. البته خود را به خدا می سپارم.

والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته
ابوالقاسم الموسوي الخوئي

بسم الله الرحمن الرحيم

تیر ماهی ۱۳۸۱

اث و بیان رسیده علیه می‌نمایم اث و بیان رسیده علیه می‌نمایم

در دو ز قبر و ضعیه نمودت پا در بال از محبت ، نماز آن بن عرضیه را نشانید و با
زیگار از عصت صیغ و دلت برآورده قام مطابق شد و در قدم روزخانه بیان
حاجت و عرض کنند . راجح با اینکه و قدم شکوه کارهای خود را وضع هرسنده نظیر
پیمانکارهای از طرح مفعلاً عرض شد اث و بیان رسیده علیه مطابق بیان می‌گذرد .
راجح در پیش سیده هایان طریقت کریمه است قیچی عرض نمایم کوئی کس از زردهن
بسنود و دست پشتی عذر داده اگر از عصر مرید دیگر خود را نهادم کوئی
در اشنا و دو ز مردیه از پیش باشد . ولایانکه رفق و راسته را در عده از صد و دهی
ناسیمیں و من برادر دیگر و خواسته این طبق شنیدن نیکان احسن نمایم
آنها با نیازه از باب نزد عرض نیایم هر از خوبی که در سه اثیت داشت دین
بد از محبت من و مطلب دادم ام امن و طبله سیمی کیا هات آن را من هم
یشند اقدح راه که کسر است اه بی میثیر بدل هر یکی ای اهل این راسته
که نفع آنها سه میمی های سیده هایش میگیره هر چهارم روزی مسرا
ده را این راه دری هر چهارم هر دوی ده را که دچیز نزدیگی را شنید
آن را ایست بده که راه آئی غایب چیزی را نخ لرد . هر چهارم کوئی کسری داشته
ماضی نه میزدی دارد روح نتیجه از اث همیشگاه نیکان

نیگر نیز

۱۳ شهر جمادی الاولی

۱۳۸۱

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می رسانند:

ان شاء الله تعالى به سلامتی و عافیت قرین عزت و سعادت بوده باشد. سه روز قبل عرضه‌ای به خدمت عالی ارسال از جهت تاتمامی آن این عرضه را تقدیم می دارم زیرا که از جهت ضيق وقت نتوانستم تمام مطالب مندرجه در مرقوم سورخ^۶ ربیع الثانی را جواب عرض کنم. راجع به این که مرقوم شده بود که گویا احقر در موضوع آقای معهود خبلی اطمینان پیدا نکرده‌ام شرح مفصلی عرض شد ان شاء الله تعالى از لحاظ مبارک می گذرد.

راجع به وضع بیرونی همان طور است که به خدمتمنان قبل^۷ عرض نمودم یک دسته از معروفین به فضل و دیانت شهدا حاضر و مذاکرات علمی می شود، دیگر احقر جلسه‌ای ندارم مگر شخصی در اثنای روز مراجعه‌ای داشته باشد. و اما اینکه مرقوم داشته بودید عده‌ای از فضلا از قبیل آقا سید یحیی^۱ و من یارده در بیرونی باشند این مطلب نشدنی است و کشف از حسن ظن آن جناب می نماید از باب نمونه عرض می نمایم آقای اخوی جنابعالی^۲ که در مقام اثبات در این بلد از جهت سن و طبقه و امام جماعتی در طول آقا سید یحیی است با آن سوابق حاضر نیستند اقلأً دو ماه بلکه سه ماه یا بیشتر به منزل احقر بیانند آیا جای این است که توقع آمدن آقا سید یحیی به بیرونی باشد؟ حاضرین مجلس احقر آقای آقا شیخ صدری^۳ و آقای آقا تقی^۴ و آقای آقا شیخ اصغر شاهروodi^۵ و آقای اراکی^۶ و چند نفر دیگر می باشند از آیات الله دوره آئیه نباید جنین توقع کرد. آقای شیخ در ضمن مکتوبش نوشته بود ما مضمونه چه لزومی دارد مرجع تقلید از مشاهیر باشد آقای... در نجف را چرا نمی گویند.

۱. مرحوم آیت الله آقای حاج سید یحیی مدرسی بزدی.

۲. آیت الله العظمی حاج سید محمد روحانی.

۳. آیت الله شیخ صدری باد کوبه ای.

۴. آیت الله حاج سید تقی قمی.

۵. آیت الله شهید شیخ علی اصغر احمدی شاهروodi.

۶. آیت الله شیخ حسین الله اراکی.

... سه را از رده در اینجا از قبیر نهایت داشت
 نیاز است اینها اینه موقوفه میراند اینه اینه بینه نمیزند در اینه مکنست بسته در طبقه میشوند
 خواسته مددوه بر اینه که در بکش هر چیز هر دو زن و زن و فیک دفایل هم نمیزند اینه ذلک همین
 شدم کرد و از هجت ساعت پس از هر دو زن هم پرسید هجت است که کدام یکی از اینه هایی مصیح خواهد بود
 اینه اینه همینه فیض راجع بآن های عرض نیامند که شد و هجت است که اینه که در بین دو زنی
 بشد اینه بروز شده ام همین کاری از زمان رفت اینه که در بین دو زنی فضیله از اینه نمیشود
 و همک داشته باشد اینه بمناسبت احتیاط همیشه غیر منصف دیده ام خواهیم نمود و نه اینه نمکه
 در قدم داشته بودیم نایت که عینی بر عینی اینه میزد اگر اینه بمناسبت اینه همچویی
 که تجربه در عمر داشت بگرد و حسب دادن اینه که در اگر بستاق نهادن اینه خیز
 در زنینه داده اینه روزی خواهی ام که آن روز بظالم اشده از اینه روزه است بر راه
 شدنی بیچاره داریم و جایی بر اینه که اگر اینه دیده میشوند و نیم الکل
 خواهیم کرد از دو زن و خداش اینه اینه که اینه دلیل پیشان داشت خواب نیما
 هم اینه که هجت حق بمن و عدد بیکل بسیار داده سیم دو همراه به دیده
 اینه که اینه لبروی اینه که نمیشود

راجع به شهریه البته با تمکن ولو اینکه با زحمت باشد، ترک نخواهم کرد ولی اگر ضرورت اقتضاء کند (لا سمح الله) انا الله و انا اليه راجعون، آنچه حضرت حق - جل و علا - بخواهد همان صلاح است احقر در این موضوع و در سایر امور راجعه به شؤون متین و تائی اقدامی نخواهم کرد و راضی نیستم کس دیگر هم اقدامی بکند. جریان امور مطابقی بوده میل دارم بقانای نیز طبیعی باشد اگر از قم مراجعه ای در امر شهریه نشود حسب الامر جواب صریح در عدم تمکن نخواهم داد. آقایان تجار که به احقر مراجعه دارند از قرار نقل بعضی از موئیین جمله‌ای از آنها تصریح کرده‌اند که حفظ قم اهم از حفظ نجف است لذا لازم است پول را به قم فرستاد و از اینجا معلوم می‌شود که موضوع مذاکره با بعضی در موضوع مشاهره قم هیچ... اگر توجه فرماید از قبیل قضایایی است که قیاسات‌ها معها البته ملاحظه می‌فرماید احقر با این همه معاندین در اثر تمحيض بحث در طلبگی چه نتیجه را حائز شدم، علاوه بر اینکه در بحث حقیر مشاهره نبود تعارف خشک و خالی هم نبود مع ذلک چنین تقدم کرد و از جهت نتایج اخروی هم پرواصلح است که کدام یک اقرب به تقوی و صلاح خواهد بود. ایضاً در تعقیب عربیه قبلی راجع به آن چه عرض می‌نمایم فکر شما راحت باشد ابداً چیزی که موجب دستاویزی باشد احقر نوشته‌ام چنین کاری در زمان رفاقت ایشان نکرده بودم فضلاً از اینکه بنای ایناء و هنک داشته باشند البته به مقتضای احتیاط همیشه عملی بوده و بعداً هم خواهم نمود انشاء الله تعالی.

مرقوم داشته بودید فعالیت‌های عجیبی بر علیه احقر می‌شود اگر احقر استحقاق دارم چه قدر جای شکر است که تعجیل در عقوبت شود و حساب در این عالم باک گردد و اگر استحقاق ندارم این چند روز می‌گذرد و البته روزی خواهد آمد که آن روز بر ظالم اشد از این روز است بر این تقدیر ربح با ما است و امر خود و جنابعالی را به خدا واگذار می‌کنم و هو حسينا و نعم الوکیل. خواستم به یکایک از وجود خدشنهای موهومه جواب بدhem ولی پشیمان شده جواب عملی همه اینها را به حضرت حق - جل و علا - موکول می‌دارم.
والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته
ابوالقاسم الموسوي الخوئي

سلف ام

۱۴۸۱

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

لَعْنَدُ مُرْبِتِ مُرْبَتِ مُرْبَعِ مُرْبَعِ مُرْبَعِ مُرْبَعِ
 دَنْدَرَتِيْ جَنْجَلِ بَعْدِ بَعْدِ دَنْدَرَتِيْ طَهُونِ طَهُونِ طَهُونِ طَهُونِ طَهُونِ
 نَاهِرِ لَزِكِ بَعْدِ بَعْدِ دَنْدَرَتِيْ دَنْدَرَتِيْ دَنْدَرَتِيْ دَنْدَرَتِيْ دَنْدَرَتِيْ
 دَلْدَلَتِيْ دَلْدَلَتِيْ دَلْدَلَتِيْ دَلْدَلَتِيْ دَلْدَلَتِيْ دَلْدَلَتِيْ دَلْدَلَتِيْ
 حَمَلَهُ وَطَلَانِيْ بَعْدِ بَعْدِ بَعْدِ بَعْدِ بَعْدِ بَعْدِ بَعْدِ بَعْدِ بَعْدِ
 عَوْزِ
 دَلْدَلَتِيْ دَلْدَلَتِيْ دَلْدَلَتِيْ دَلْدَلَتِيْ دَلْدَلَتِيْ دَلْدَلَتِيْ دَلْدَلَتِيْ
 لَهَلَهَلَهُ دَلْدَلَتِيْ دَلْدَلَتِيْ دَلْدَلَتِيْ دَلْدَلَتِيْ دَلْدَلَتِيْ دَلْدَلَتِيْ
 هَسْجَابَ سَهْجَابَ سَهْجَابَ سَهْجَابَ سَهْجَابَ سَهْجَابَ سَهْجَابَ سَهْجَابَ

۱۵ شوال المکرم

۱۳۸۱

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می رسانند: مکتوب شریف مورخ ۱۶ شهر صیام که حاکی از سلامتی و تدرستی جنابعالی بود واصل و از مضمونش اطلاع حاصل گردید. در اواخر شهر صیام، نامه ای از کربلا ارسال خدمت شد، لابد تا حال از لحاظ مبارک گذشته است. فاجعه عظیمی در گذشت مرحوم آیة الله آقای والد - قدس سرہ - بی اندازه موجب تأثیر و اقامه مجلس از جمله وظایيف بود که موفق به انجام آن شدم. خداوند متعال آن یگانه فقید عزیز را غریق رحمت فرماید. حضرت مستطاب آقای اخوی - دامت برکاته - مدتی است مشرف و لدی الورود اقامه مجلس نمود و خدمتشان رفیتم. ولی تاکنون تشریف نیاورده‌اند که خصوصی خدمتشان بررسیم،

در خاتمه از دعا فراموشان ننموده، در مظان استجابت مستدعی دعا هستم.
والسلام عليكم و رحمة الله و برکاته
ابوالقاسم الموسوي الخوئي

سچهون

پرلز زستن نامه مربوط شد «چند دهه گذیر گذید چوب طلب
 بخواهد نهادت با اینکه خیابان داشت ای در فوت مردم آمده که این نهادت
 ملکه نایشه متکرم د نامه جایز بخطه علیع رخ این پیشامد
 در جو بسیف دهند و رجب شکر گذید ۲ مرضع عزیز خوش رسانیده
 مرضع ندارد ۳ از نهاده در خلصه صریح کنم بعضی از مرطوط علیه جایز
 تقدیر نمایم بعده بر ظلمیه عمر کرد و دیگر دهند از این تقدیر نمایم
 از از مرضع فرسدن شهیر بر برقی قلم روزگار گذاشت این پیرده بعد از
 من مسدحه نشرت ۴ جو بسیف نهادت در هر گزه
 در خاتمه مسلمه ملکه ملکه در فوت علیکم اینجا نهاده طبع
 در این از حسره بی احمد ملکه نشانه جوزلات نمیگزد
 بعثه ملکه نهاده ۵ رجیل هر روزه عزیز تفصیل باید
 لمحه وضن ما باشیم که در مریزه است جانهاوس بورفته
 نیز بین کو رفت رئایش و دیسمبری و دصریه مدعا به
 اول آن پیش از این اکتوبر

بسمه تعالی شانه

پس از نوشتن نامه، مکتوب مورخ ۱۱ جاری وصول گردید. جواب مطالب به قرار ذیل است:

۱ - از اینکه بنا داشته اید در فوت مرحوم آیة الله کاشانی - قدس سره - تلگراف نمایید،
مشکر.

۲ - نامه جناب مستطاب آقای حاج میرزا ابوالقاسم - دامت بر کاته - در جواب تلگراف
واصل و موجب تشکر گردید.

۳ - موضوع آفای اخوی پس از آمدنشان موضوع ندارد.

۴ - از بندهزاده در خصوص انجام بعضی اوامر مطاعه جنابعالی تقدیر فرموده بودید، به
وظیفه عمل کرده و ان شاء الله در نامه از ایشان تقدیر خواهد شد.

۵ - از موضوع فرستادن شهریه برای قم از قبل آقایانی که نام برده بودید، بنده مسحوم ع
نشده است.

۶ - جواب آقای تولیت ارسال گردید.

در خاتمه معلوم باشد در فوت آقای کاشانی تا آنجا که بنده اطلاع دارم، از احدی برای
احدی تلگراف نشد جز از کاشان یکی از آقایان به بنده تلگراف نموده اند.

۷ - راجع به آقای تهرانی آقای اخوی تفصیلی بیان نمودند. وضع ما با ایشان کچ دار
مریز است، جنابعالی و سایر رفقانیز به همین نحو رفار نمایید.

والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته
ابوالقاسم الموسوي الخوئي

بسم الله الرحمن الرحيم ۹ شه صفر الحجه
۱۳۸۴

مرحمة علیکم نهاد اش و به کلمه پویاسته در تابعید و در دین

شرع مطهر مدام بعده باشد اد لآن است دست مرحوم محمد بن
هر عربی اکبر دویس تبریز عرض نمایند مکار افغانستان
نهادی قبر و همسر دیده اند مادرک نزد رسید آغاز می
آمد تازه نش انتبه رهایت هدایت که بر قدم نش بخواه
دانه هال نزدیک سینه ره مردودی نزدیان بعده باشد
اسدی نصیر الدین ائمه از قبر حضرت دام عصر علیهم السلام
فرموده شد یه شاهزاده دام سعید در فتحه بهر دویس کارهای
ابوالحسن ابوالعلاء ابوالعلاء ابوالعلاء

۹ شهر صفر الخیر

۱۳۸۴

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می رساند: ان شاء الله تعالى پیوسته در تأیید و ترویج شرع مطهر مستدام بوده باشید. اولاً به مناسبت فوت مرحوم حجۃ الاسلام آقای عمومی آن جناب - قدس سرہ - تعزیت عرض، ثانیاً تلکگراف عالی چندی قبل واصل و بعداً نامه مبارک نیز رسید. تا حال پیش آمد تازه‌ای نشده، البته رعایت جهاتی که مرقوم شده بود، خواهد شد و تا حال نیز کارها مبنی بر تأمل و روی میزان بوده است. امید به فضل الهی این که از قبل حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - تسدید باشد.

والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته
ابوالقاسم الموسوی الخوئی

خود را بیو پیدا / ۸۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَكُمْ الْحِلْفَةُ چند روز بیرون از علی بن ابی طالب مکالمه جلد دیگر شیخ ربط
 چند روز بیرون از مردمت گردید و فضله هم علیه محمد پسر شیخ و میخانه
 محمد پسر میخانه از تئوریت اولیه میگردد چند روز میخانه در آن
 عزت و سعدت و نسبت محظوظ و بیشترین پیروزی خود را در حرب
 خاصه از سعد و مطاعم برآورده باشد و در مکالمه بناهای زیست
 در آن میخانه پیشبردی دارد به دست محظوظ پادشاه خوشبخت بود
 و نادانه میخانه و لازمه دند منصف و دخوت میخانه که توپتی کنیا
 در کام عالم مررت و علیک خوشبخت بخواهم در تقدیر میخانه خود
 پادشاهی خوشبختی چند روز بیرون عزت و سعادت خود را در مکالمه
 طیبیخ خواهید داشت و خداه مدنظر نداشت بلکه از پیروزی خود
 مسنه عزیزی از میخانه عیسی و دو قریب دیده است ابراهیم امیر کوچک

غره ربيع الاول

۸۶

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می رساند: چند روز قبل جواب نامه عالی به ضمیمه جلد چهارم تنقیح توسط جانب آقای آقا سید عباس چاوشی ارسال خدمت گردید فعلاً هم بقیه مجلدات تنقیح و سایر مجلدات میسور از تقریرات ارسال می گردد. امیدوارم پیوسته قرین عزت و سعادت و از بلیات محفوظ و بیش از پیش از عنایات و توجهات خاصه حضرت ولی عصر - عجل الله تعالى فرجه - برخوردار و در تشیید مبانی دین میین موفق و به تأییدات غیبی مؤید و از بلیات محفوظ باشید. حقیر بحمد الله به سلامت و تازهای ندارم و از خداوند متعال درخواست دارم که توفیق انجام و اتمام اعمال را مرحومت و عاقبت را ختم به خیر فرماید. تفصیل حال حقیر را خواسته باشد آقای خوانساری چند روز دیگر حرکت و لابد خدمت خواهد رسید، اطلاع خواهد داد. در خاتمه در مظان استجابت از دعا فراموشستان ننموده مستدعي دعا هستم.

والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته
ابوالقاسم الموسوي الخوئي

۱۹ از رسالات

۱۳۸۶

بسم الله الرحمن الرحيم

لهم عاصي ربنا مُرِّبِّي ربنا مُرِّبِّي
 و مُرِّبِّي ربنا مُرِّبِّي ربنا مُرِّبِّي
 قَبْدَةٌ مُغْرِبٌ كَفَرَ لَهُمْ رَسَمٌ وَجْهٌ عَذَابٌ دَفَقَتْهَا
 زَرَّهُمْ وَرَحْمَةٌ لَهُمْ نَعْصَمُهُمْ مَنْعَمٌ وَجْهٌ زَرَّهُمْ
 بَرَكَةٌ لَهُمْ لَهُمْ بَرَكَةٌ لَهُمْ بَرَكَةٌ
 وَكَرَبَاتٌ كَرَبَاتٌ كَرَبَاتٌ دَفَقَتْهَا
 از دشنه ز شکوه و قدره از دشنه ز شکوه
 شکوه عیشه دوچشم عیشه دوچشم خواهد شد
 تهاب سنه عزمه ای دلیل عیشه دوچشم خواهد شد
 ای دلیل ای دلیل ای دلیل

۱۹ ذی القعده الحرام

۱۳۸۶

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می رسانند: مکتوب شریف واصل و از مضمونش که مبشر سلامتی وجود مبارک و مبني بر اظهار محبت و احوالپرسی بود اطلاع واصل و موجب خوشوقتی گردید. قبلًا تلگراف حضرت عالی هم رسید و جوابش عرض و قبض شماره ۵۳۴۴۶ نزد ما موجود است. از مضمون نامه چنین استفاده می شود که جواب از لحظه مبارک نگذشته است. به هر حال لطف و محبت حضرت عالی محرز و مورد تقدیر و تشکر است. کسالت بحمد الله بروط ف شده است و فعلًا حالم خوب است از وضع اخیر خود مرقوم داشته و اشاره نموده بودید بلی مسموع شد. شکر الله سعیکم و جزاکم عن الاسلام والملمین خیراً در خاتمه در مظان استجابت مستدعی دعا هستم، والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته ابوالقاسم الموسوي الخوري

۸۹/رجب‌لرجب

بسم الله الرحمن الرحيم

بوزیر عالیه نسبت به این مذکوره بارگردانی شد و میان اینها
 نتوانسته باشد این مذکوره را از مذاکرات و درجهات خاصه محروم شود اما
 فرد بوجند داده باشید و این نسبت به این مذکوره داشته در نهضم پیروزی داشته باشد
 بر این اثر نسبت به این مذکوره در نظر نداشته باشد و میان اینها
 بین توانایی این مذکوره در حفاظت از این مذکوره و میان اینها
 نهم که این مذکوره از مذکوره دفتری است و مذکوره از این مذکوره
 بدان از این مذکوره میگذرد این مذکوره کجا آمدند و میان اینها این مذکوره
 و این مذکوره از این مذکوره از این مذکوره میگذرد این مذکوره از این مذکوره
 مذکوره از این مذکوره از این مذکوره میگذرد این مذکوره از این مذکوره
 این مذکوره از این مذکوره از این مذکوره میگذرد این مذکوره از این مذکوره
 و این مذکوره از این مذکوره از این مذکوره میگذرد این مذکوره از این مذکوره
 نشسته از این مذکوره از این مذکوره از این مذکوره میگذرد این مذکوره از این مذکوره
 این مذکوره از این مذکوره از این مذکوره از این مذکوره میگذرد این مذکوره از این مذکوره
 این مذکوره از این مذکوره از این مذکوره از این مذکوره میگذرد این مذکوره از این مذکوره
 این مذکوره از این مذکوره از این مذکوره از این مذکوره میگذرد این مذکوره از این مذکوره

۲ رجب المرجب

۸۹

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می رسانند. ان شاء الله تعالى مزاج مبارک در کمال استقامت و عین عافیت بوده و ملالی نخواهید داشت. امید است پیوسته از عنایات و توجهات خاصه حضرت ولی عصر - عجل الله تعالى فرجه - برخوردار باشد. اینجانب بحمد الله به سلامت و تازه ای ندارم. پیش آمد ناگواری که برای حضرت عالی رخ داده بود و به فضل الهی فعلاً مرتفع و برطرف گردیده در حین ابتلا بسیار متأثر بوده و در حقтан دعا ننموده و پیوسته جویای حالات و جریان بوده و متأسف بودم که کاری از من ساخته نیست و قصی که بشارت استخلاصن جنابعالی را مسموم شد، بی اندازه خوشوقت شده حمد الهی را بجا آوردم و لازم بود فوراً تلگرافاً تبریک و تهنیت عرض و خوشوقتی خود را اظهار دارم ولی به جهت محاذیری که شاید بر جنابعالی مخفی نباشد از این امر خودداری گردید. فعلاً که جناب مستطاب رکن الاسلام آقای باهلو عازم بودند، لازم دیدم بدینوسیله مراتب علاقه خود را به سرکار اعلام و احوالپرسی نمایم و امید است در ذهن حضرت عالی از اینکه فوراً تلگراف نشده است چیزی نباشد و علتش هم این بود که ذکر شد. در خاتمه در مظان استجابت از دعا فراموشتان ننموده، مستندعی دعا هستم، السلام عليکم و رحمة الله و بر كاته ابوالقاسم الموسوي الخوئي

۱۹/ میلادی مظم / ۲۵

بسم الله الرحمن الرحيم

سپاهیان
لعلت نهاده مسخ ماه رب بحسب صوره میگشند
و سیما کل این روزه میگشند و خواهان میگشند
محظوظ درست لذاد ضاع خدمت مردم فرموده باشند و بجهت پسرانه
فوج کم غایب نباشد و بگفت (زخم پسرانه) خوش شده باشند
بعده مرجب نرساند و خبر عباروت کنم مهمنه میگذرد
مهمنه ساده دست بخطمه میگشت و مده فرموند کنم درین
دو سیام زرماه بارگشته درخواست نشده و زرد و فربت
نهاده محظوظ مسند عزیزی است در سیم عکس دهد و میرجا شد
ابوالله (ابوی اکرم)

۲۵ شعبان المعظم

۸۹

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض می رسانند. تعزیت نامه مورخ ماه ربیع المرجب واصل و موجب تشکر و
تسلی خاطر گردید. از تلگراف نزدن، معلمتر خواهی نموده بودید، محبت حضرت عالی
محرز بوده و هست. از اوضاع خود شرحی مرقوم داشته بودید، امید است خداوند فرج کلی
عنایت فرماید. به کسالت (زخم اثنا عشری) خود اشاره فرموده بودید، موجب تأثر گردید،
شفای عاجل و صحت کامله حضرت عالی را از درگاه حضرت احادیث - جلت عظمه -
خواستارم. در خاتمه موقیت آن جناب را در قیام و صیام این ماه مبارک رمضان
درخواست نموده و از دعا فراموشان ننموده، مخصوصاً مستدعی دعا هستم.
والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته
ابوالقاسم الموسوي الخوئي

٢٣ / نر لعنه حام ١٩

بسم الله الرحمن الرحيم

نضر بر نه
ن دیگر نه مزاج پارک در حکم تهافت و عین
و خلاصه این بیان است که پرسته سید علی زاده نماین جهت
نشر فنه صداقت آن محترم صداقت پروردگار عالمه علامه مرتضی
دبیا مسیده تغییر نماید و از دیگر این مخاطبین طبقه ای از این کسانی است
و قاراء این مزموم ممکن است جمله دل (قصده عرف) را که خلاصه
بررسید خوب است چون هر چهارمین ارجاع خواهد بود از این دو افراد
و همین دو نهاد است در جهت خواسته از این دو افراد مذکور شده
سید ناصر صفت حسن از این دو نهاد از خواسته ای از صداقت
و صداقت این از این امطا لام کویم ای سید مسیم طبعی نمایند چنان
مزاج مزوجه بی هم رشته نمایند به خوبی بیهوده از تو و نهاده
مزاج مزده عزت و در حقیقت این کسانی هم که خداوند خداوند
و زندگانی فریاد نمایند اینها مسیده علی زاده نمایند و نهاده
ای اینها از این کسانی ای اینها

۲۴ ذی القعده الحرام

۸۹

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض می رسانند: ان شاء الله تعالى مزاج مبارک در کمال استقامت و عین عافیت بوده و ملالی نخواهد داشت. امید است پیوسته در اعزاز دین میین و احیاء و نشر فقه صادق آل محمد - صلوات الله و سلامه عليه و عليهم - موفق و به تأییدات غیبی مؤید و از بیانات محفوظ باشد. اینجانب بحمد الله سلامت و تازهای ندارم. یک نسخه از جلد اول (فقه الصادق) ارسالی جنابعالی به وسیله جناب مستطاب حجۃ الاسلام آقای حاج میرزا احمد انصاری - دامت تأییداته^۱ - واصل و بی نهایت موجب خوشوقی و تشکر گردید. به خصوص از این که در این فرصت چنین اثر گرانبهایی از حضرت تعالی صادر شده است و مقداری از آن را مطالعه کردم. امیدوارم در طبع بقیه اجزاء موفق شوید. بدیهی است که نسخه ما را خواهید فرستاد.

در خاتمه مزید عمر و عزت و موقفیت حضرت تعالی را از خداوند متعال طالب و از دعا

فراموشتان ننموده، مستدعی دعا هستم.

والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

۱. از علمای نجف اشرف، و از نزدیکان مرحوم آیت الله العظمی خوبی، که به دست رژیم بعث عراق به شهادت رسید.

وَسُلْطَن

سیم بیانیه از این جمله می‌باشد که در آن از این دو اصطلاح استفاده شده است: «بُلْدِرْ بُرْ» و «بُلْدِرْ بُرْ نُرْ». این اصطلاحات از زبان آلمانی برداشت شده اند و به معنای «کارگری از ایجاد و تغییر» و «کارگری از ایجاد و تغییر با استفاده از تجهیزات صنعتی» می‌باشند. این اصطلاحات در ادب ایرانی نیز استفاده شده اند و معمولاً به معنای «کارگری از ایجاد و تغییر» می‌باشند.

٢٦ شعبان المظمم

٩٠

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض می رسانند: مکتوب شریف مورخ ۲۲ ربیع المرجب سال جاری که حاکمی از
سلامتی وجود مبارک بود، واصل و از مضمونش اطلاع حاصل گردید. امید است پیوسته از
عنایات و توجهات خاصه حضرت ولی عصر - عجل الله تعالى فرجه - برخوردار بوده، بیش
از پیش موفق و مؤید و از بلایات محفوظ باشید. اجازات آفای غفاری را ارسال و اجازه
خواسته بودید. اجازه صادر و به ضمیمه اجازات لفأ ارسال گردید. شرحی راجع به شهریه
قلمرو مرقوم داشته بودید، بعضی از آقایان دیگر هم پیشنهاد نموده بودند و در اطرافش زیاد
فکر شد و نظر به این که مخارج عراق خیلی سنگین است و شهریه نجف نسبت به سایق دو
سه برابر شده و بودجه فعلی جوابگوی این مخارج نیست، زمینه برای شهریه ندیده و قرار بر
این شد به عنوان ماه مبارک تقسیمی بشود و شاید همین ایام مشغول باشد و در آینده اگر
زمینه مساعد شد، ان شاء الله تعالی این موضوع عملی و برقرار خواهد شد. از محبتی که
فرموده و آمادگی خود را برای انجام هر کاری اعلام نموده بودید، موجب تشکر گردید.
خداؤند بر عمر و عزت و سعادت و توفیقات و تأییداتتان بیفراید. راجع به آقایی که با شما
مذاکره آیة الله نوشتن در نامه ها نموده بودند، شرحی مرقوم داشته بودید، در اطرافش فکر
خواهد شد. تقریرات اصول خواسته بودید، آن چه موجود باشد، ارسال خواهد شد. راجع
به خروج جلد اول رجال از طبع که خدمتتان عرض شده، خلاف بوده است و تاکنون
خارج نشده، بلی تعداد زیادی از آن چاپ شده است، ان شاء الله پس از خروج تقدیم
خواهد شد. در خاتمه در مظان استجابت از دعا فراموشتان ننموده، مستدعی دعا هستم.
والسلام عليكم و رحمة الله و برکاته
ابوالقاسم الموسوي الخوئي

۹۰۱۲

بسم الله الرحمن الرحيم

بهر سر بر ملک طرب طلب نمیخواهیم که هر دو شاهزادگان
 همان روزه ایشان پسر است از غایبات و زیارات فاطمه خاتون عصیر
 عصیر از اینها فرموده بود که میرزا پسر از پسرانش باشد و همین بیان در حقیقت
 عصیری برای مردم روزی داشت مگر قحطی بشهیه از عاد و هاشم خواه (زخم شاعر شرکت)
 رشت بوجه رجب شاهزاده ایشان پسر از داده هایشان بودند و داشتند عبارت
 عبارت از این شعر رجیح بوضیع نسبت به دشنهای خود که اینجا
 داده بودند و رجب خوبی نهادن گردید فتحیه ایشان بجهت عصیری نسبت
 شود ولذا بنازد این تفاسیر خوب است که رجیح در نظر افراد شیعیان
 که ایشان خوارجی هستند بمعنی نظر ایشان سه پسر است داشته اند
 شوهد فاتحه مطلع از تجابت از داده خوارجی از پسرانش میشود
 این دو سهم علیهم در گستره های وسیع است اینها همچنان که اینجا

۱۲ شوال المکرم

۹۰

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض می رسانند: مکتب شریف مورخ شهر صیام و اصل و از مضمونش اطلاع حاصل گردید. امید است پیوسته از عنایات و توجهات خاصه حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - برخوردار بوده بیش از پیش در تشیید مبانی دین مبین موفق و به تأییدات غبی مؤید و از بلیات محفوظ باشد. از عارضه خود (زخم اثنا عشری) مرقوم داشته بودید موجب تأثر گردید، امید است خداوند متعال به زودی زود شفای عاجل عنایت فرماید. شرحی راجع به موضوع تقسیم و شهریه مرقوم داشته و تذکراتی داده بودید موجب مزید امتنان گردید، فعلًا کار بی اشکال ممکن نیست انجام شود ولی تا آنجا که ممکن است خوب است کم اشکال در نظر گرفته شود در این کار هم حضر تعالی جز یک اشکال به نظرتان نرسیده امید است در آینده تدارک شود. در خاتمه در مظان استجابت از دعا فراموشان ننموده، مستندعی دعا هستم.

والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته
ابوالقاسم الموسوي الخوئي

سال
شانزدهم

بعرض عالی میراث
انت و دستورالله در کمال صحبت علی

بهای زید

در اعلام کلمه حقه در پیغام دین میان نوی و دیوید بوده و خواه طلب

در قیمه تر نیز هر کدام در پیغام خود در محل درج است که گردید

من در حکم مسلمان گردید نظر بخوبی در لفظ است از خواهی گردید

و شرط حاصل با خوبی تجربه کدام مطابق با خواهی دست برآمد گردید

و تفصیل آن را بجهات این اصلاح خواهند بود در مواد ترجمه از

در عیّه صالح فراموش شاید لیست خواهی شد که اینها مذکور شوند

و اسلام عینکم در حکم میراث در کلام ابراهیم خواهد بود

۱۳۹۰

بسمه تعالیٰ

به عرض عالی می رساند:

ان شاء الله تعالى در کمال صحت و عافیت در اعلاه کلمه حقه و ترویج دین میین موفقی و مؤید بوده و خواهید بود. دو رقیمه شریفه، هر کدام در موقع خود واصل و موجب مسرت گردید. مطالب مندرجه معلوم گردید. نظر به محذوری که در نظر است از جواب کتبی معتردم و مشروحأ با جانب حجه الاسلام و المسلمين آقای اخوی - دامت برکاته - مذکوره گردید و تفصیل آن را به جانبالی ابلاغ خواهند نمود. در موارد توجه از ادعیه صالحه فراموش ننمایید، البته فراموش نخواهید شد. ان شاء الله تعالى.

والسلام عليكم و رحمة الله و برکاته
في ۲۳ ذي الحجه الحرام ۱۳۹۰ هـ
ابوالقاسم الموسوي الخوئي

۹۳ / ذقیر

سبت

موزر را مُرّب گفته و نیز آنرا عده مُرّکه از زیرین
 دجود بر کجا به همراه وزیر نزدیک هم زنده بود و بجهت دوچه بسیار طیبه بود
 هم در حب خواستار شد که گرایی بسیار پرسته باشد و زنده باشد
 و توجهات خاصه حضرت ولی عصر علیه السلام فرموده بود و وزیر داد
 محترم طلب کنید آیا جای بکار بر سردار است و بخوبی و مهربانی
 درست و زدن و بیانات، آنها معرفت نیافرسته باشند و فرع دیسمبر او ضعیف
 نباشد و زده میشوند تحقیق نیافرسته دست اول را این و شکنند و متفهم باشند
 شروع شیرینه با طلب حضرت هدایت بسته باز پیش تحقیق نمایند
 در اینجا بعد از دستور نهاده باشند و باز از این دستور متفهم شوند و در اینجا
 آنها را سه باز پیش تحقیق نیافرسته کی اینها از ده بیان میکنند و از اینجا
 مزد از این پیش تحقیق نیافرسته که در داده بوده تا اینجا که این طبق
 داد اذن برای این دستور نیافرسته از اینجا باشند و این طبق نیافرسته
 نیافرسته باز پیش تحقیق نیافرسته باز جزو همین این طبق نیافرسته
 در اینجا این پیش تحقیق از دستور پیش تحقیق نیافرسته باشند
 عیسی و حسن ام و براهم ام اکنون
 روح پیش نیافرسته از این دستور نیافرسته باز و این دستور نیافرسته
 ۱۳۹۵

۲۴ نیافرسته باز فرموده بود

۳ / ذق

۹۱

بسمه تعالی شانه

به عرض می رسانند: مکتوب شریف مورخ ۲ شوال سال جاری که حاکی از سلامتی وجود مبارک بود واصل و از مضمونتش که منبی بر اظهار محبت و احوال پرسی بود، اطلاع حاصل و موجب خوشوقتی و تشکر گردید. امید است پیوسته از عنایات و توجهات خاصه حضرت ولی عصر - عجل الله تعالى فرجه - برخوردار و از بلیات محفوظ باشید. اینچنان به محمد الله سلامت و به جز آلام روحی که روز به روز در شدت و افزایش است، تازه‌ای نداشته، انتظار فرج داریم. اوضاع را لابد از قادمین تحقیق نموده و دست آورده‌اید و آن چه مقدور بود، اقدام شده و نتیجه‌اش بسته به لطف حضرت احادیث است. تذکراتی راجع به اقطار اسلامیه داده بودید. کم و بیش از آن جا مطلع و به اندازه میسور تفکر و رسیدگی شده و در آینده البته باید توجه بیشتری بشود. از دعاهای سرکار تقدير نموده و امیدوارم مقرون به اجابت گردد. راجع به رجال تذکر داده بودید تا آن جا که در نظر است در اوایل امر ارسال خدمت شده است. نمی‌دانم چطور شده که نرسیده است. فعلان شاء الله با اولین وسیله تقديم می‌شود. جزء دوم نیز تحت طبع است. در خاتمه در مظان استجابت از دعا فراموشان ننموده، مستندعی دعا هستم.

والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته
الخوبى

این نامه از لندن فرستاده می‌شود و ان شاء الله تعالى دوشنبه ۲۸ به نجف اشرف مشرف

خواهیم بود.

مورخه ۲۵ ذیحجة سنہ ۱۳۹۱

۹۵ / محرم ۱۳۹۴

سبک

سپر عالیه رئیس امور بجهت مردی خود معرفت کرد و میرزا را که از
 دوچه به دست بود و میرزا را در معرفت نداشت و میرزا طلب رجحت و میرزا
 بعده طلبد عذر و در حب خواسته تا کسی از برادرانش را بسیده پرست
 از زندگانی داشته باشد و میرزا فرمود: «فرموده بخود را»
 و میرزا میزد پس از شنیدن این میان میان میان میان میان
 میرزا در میزد بیت مختلط پیشنهاد نهاد که میرزا نیز میان
 که میرزا با همراه کارنیزه از فرجت و در فوجه اینها
 فتح آذربایجان را داشته باشد و میرزا میان میان میان
 خواسته بعید از این نتیجه میان میان میان میان میان
 از ده فروردین از نیمه میرزا را که از این میان میان
 آنکه

۲۹ محرم الحرام

۹۲

بسمه تعالی شانه

به عرض عالی می رسانند: مکتوب شریف مورخ ۲۶ ذی الحجه / ۹۱ که حاکم از سلامتی وجود مبارک بود، واصل و از مضمونش که مبنی بر اظهار محبت و احوالپرسی بود، اطلاع حاصل و موجب خوشوقتی و تشکر گردید. امید است پیوسته از عنایات و توجهات خاصه حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - برخوردار و بیش از پیش در تشیید مبانی دین میین موفق و به تأییدات غیری مؤید و از بلیات محفوظ باشد.

اینچنانب بحمد الله مدت بیش از یک ماه است که به سلامتی و با بهبود کامل به نجف اشرف مراجعت و دو هفته است بحث فقه را شروع و تازهای نداشت، دعاگو هستم. ضمناً قبضی که خواسته بودید، لفآ تقدیم شد. در خاتمه در مظان استجابت از دعا فراموشان ننموده، ملتمنس دعا هستم. والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

الخوئی

۹۲/۱۷

سبیله

دویز مریم ندب از بزرگ خانه هایی که از سیده های خوش
 بودند همین نهضت ملکه علیه از هر گزی و بسیار پرستش نداشتند
 فاطمه خاتون را اعصر علیه از هر گزی بر خود در دویز نهضت ملکه علیه از هر گزی
 بین زن هایی دادت اسد حضرت خانه را که بزیر سیده های خوش
 نداند از همین نهضت ملکه علیه از هر گزی بر خود در دادند
 هفت در سی هشتاد و خوب داشتم هشت بودند از هر چیز شکر و شیر
 استه ده مرا آن متعفنه با مرعن شو زند فاتح ده مظاہن شکایت نداشند
 فریزت از نفع سیده های که آنها می خواهند از آنکه

۹۲ / ۱ ع / ۱۷

بسمه تعالی شانه

به عرض می رسانند: مکتوب شریف مورخ ۵ شهر جاری که حاکمی از سلامتی وجود مبارک بود واصل و از مضمونش اطلاع حاصل گردید. امید است پیوسته از عنایات و توجهات خاصه حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - برخوردار و بیش از پیش در اعزاز دین میین موقق باشید. ولادت با سعادت حضرت ختمی مرتب را بدین وسیله تبریک گفته امیدوارم از خیرات و برکات این فرخنده روز برخوردار باشید.
ضمناً دو سه پیشنهاد بسیار خوب مرقوم داشته بودید که موجب تشکر گردید. البته در موقع مقتضیه باید عملی شوند. در خاتمه در مظان استجابت، از دعا فراموشان ننموده مستدعی دعا هستم. والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

الخوئی

جلد ۹/۹۲

سپاهان

بوزیر امیر بلهیت شریعه ۱۸/۱۰۷ برگزیده نشود
 بوزیر دهدزندگان شرطی عده گردد رسیده است برگزیده زین
 زن و بنا میمه آن عیسی مذکور در زبد سخن طبیعتی روح کسر و ایمان
 نسبت غمگین بوزیر داده موصوعی ملطف نشاند نظم بالطفی و جذب
 خوش سمع و فهم و حبل فتح ایامه است برآنها مرحه مذکوره خواسته
 دسته دیده از مجام خوب میشه در در هاتم در نظر از تهاب مسنه عزم
 مرسوم عیتم درسته بعد از آن اخراج

٩ رجب المرجب

٩٢

بسمه تعالی شانه

به عرض می رسانند: مکتوب شریف مورخ ۱۸ / ج / ۲ سال جاری که از همدان مرقوم داشته بودید و اصل و از مضمونش اطلاع حاصل گردید. امید است پیوسته در اعزاز دین مبین موقع و به تأییدات غیبی، مؤید و از بیانات محفوظ باشد. راجع به حوزه آنجا پیشههاد تقسیم نموده بودید در این موضوع به جانب مستطاب دانشمند معظم آقای لطفی و جانب مستطاب حجۃ الاسلام آقای حاج آقا جلال فقیه ایمانی - دامت برکاتهما - مراجعه نمایید.

چنانچه زمینه بود و صلاح دیدند انجام خواهند داد. در خاتمه در مظان استجابت، مستدعی

دعا هستم، والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

الخوئی

۹۷/۱۲۵

سبک

میرزه کهرباوه شیخ ۲ هجری می که از نوادران
بود و هم در دندان خضر از طبع گاهی گردیده است
سینه هر قدر بنا می سیده غصی مژده دندان است منظر اینها را
چو بسا مردم موقم برگشته بود و مادر خضر از مادر می خوردند و لذت
مادر خود را نداشت از همه ریشه برخی صاف عجب بود شرکه قدر
دید خواست قدم هم برگشته بود و با هم بر زمین رفته اند و خلیفه
قیقدار رکن شیخ خوبی مدد داد فاتحه مظلوم را بستند
زید بن ابراهیم مولیه خوبی نزدیک قدم آغاز کنند
مرقم فریاد شیخه و دیگر عینه دیگر و دیگر ای اخوند
پسر زید زید بن ابراهیم خود را از پسر که بر جای پسر خود می
از محبت شاید رفته و بزرگ شده است از همان کنیه اخوند

۲۶ ذی الحجه

۹۲

بسمه تعالیٰ شأنه

به عرض می رسانند: مکتوب شریف مورخ ۲ شهر جاری که حاکی از سلامتی وجود مبارک بود، واصل و از مضمونش اطلاع حاصل گردید. امید است پیوسته در اعزاز دین مبین، موفق و به تأییدات غیبی مؤید و از بیانات محفوظ باشد. از نرسیدن جواب نامه قبلی مرقوم داشته بودید، در وقتی عرض شده، دیر یا زود از لحظه مبارک خواهد گذشت ان شاء الله تعالى. راجع به موضوع جدید شرحی مرقوم داشته و درخواست اقدام جدای نموده بودید. البته پس از مطالعه دقیق آن چه وظیفه اقضا کند، انجام خواهیم داد. در خاتمه در مطان اجابت از دعا فراموشتان ننموده، مستدعی دعا هستم. خوب بود نوع اقدام آقایان قم – دامت برکاتهم - را مرقوم می داشتید.

والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته
الخوئی

پس از نوشن نامه، مکتوب مورخ ۱۵ شهر جاری که در جواب نامه قبلی بود، واصل شد. از محبت شما بسیار مشکر و برای موفقیت بیشتران دعا می کیم.
الخوئی

۱۷

عمر بن هرماند انت و الله سائى در کمال صحت و عایه
لهم

۱۳۹۵/۰۸/۲

بسم‌ه تعالی

به عرض می‌رسانند: ان شاء الله تعالى در کمال صحت و عافیت موفق به توفیقات الهیه بوده و خواهید بود. مرقوم شریف مورخ سوم شهر جاری واصل و موجب خوشوقی گردید. کتاب فقه الصادق ارسالی موجب تشکر، امید است خدمات دینی جنابعلی منظور نظر حضرت ولی عصر ارواحنا فداه - و از ادعیه آن حضرت - عجل الله تعالی فرجه الشریف - برخوردار گردید. شرحی راجع به وضع بیرونی مرقوم داشته بودید که مانند سابق نیست. البته معلوم و بدیهی است پس از مسافت اغلب آقایان اهل علم ایرانی چگونه وضع مانند سابق می‌شود، و اما روایات و احادیث و قضاوت‌های شخصی سیار است. انما الكلام فی الصحة و السقم، از آن جمله رانده شدن بعضی از اصحاب با کیفیت با شخصیت بود که ابدأً صحت ندارد و تمام رفقاً موجود و به انجام وظایف خود مشغولند و احدی رانده نشده است.

بر ناقل این قضایا لازم است که جواب خود را در برابر محکمه عدل الهی حاضر نماید.
در موقع توجه ملتمنس دعا می‌باشم و ان شاء الله از دعا فراموشتان نمی‌نمایم.
والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته
الخوئی
۱۸ رب سنه ۱۳۹۳

١

بعرض سرمهد لبست در کمال حکمت عادل خواه
مودیت بسایدات لهمه بوده دخواهید بود مردم رفیق موزخی قمی
که ها که زرسلامی بودند ممکن نداشتم از این سال خابرد و صلح بگیرند
گردیده برقی رایح بکریه عملیه قم مردم شرمند بودند مسلم کرید خانهای
اشرمانیت طولانی که با انجام نموده اید لئنیه سریع شد و بعد از
ذخیره کردن وجهه تربیع راند از دم و عقبه ای که میزد آن را نقدار برداشت
و رسیده بودن اینکه کسی ایده عزده باشد که بدهد و بعد از آن نفت
عزوجل بالصلعیم خود عناستی خوبود که سمعه شد است اینها تنها
هزاره ۴۰ عالی اخقوص خوزه قم از تو سمعه دارند و دفع نخواهند شد از جراحت
نفت بخاست احمد را طلوع نموده رسیده رسودم که به جوار ایان رفته
کس است از انجابات گردیده و محبت کامله شنیدم همایش در روح رفیق میرزا
میباشم و رسیده دارم از زرع عالم از نوشتن نهایم و رسیده عکم و در حرم رسیده کلام
بر جسم و در حرم رسیده عالم ۱۷ فروردین ۱۳۹۶
در رفاقت فرمائید

بسم‌الله تعالیٰ

به عرض می‌رسانند:

ان شاء الله تعالى در کمال صحت و عافیت، مؤید به تأییدات الهیه بوده و خواهید بود. مرقوم شریف مورخ ۳۰ ذیحجه ۹۳ که حاکی از سلامتی بود، هفدهم شهر محرم الحرام سال جاری واصل و موجب خوشوقتی گردید. شرحی راجع به حوزه علمیه قم مرقوم داشته بودید. معلوم گردید جنابعلی در اثر معاشرت طولانی که با اینجانب نموده‌اید، البته مسبوق شده‌اید که قصد ذخیره کردن وجه شرعیه را ندارم و به مقداری که می‌رسد به همان مقدار توسعه داده و می‌دهم. بدون این که کسی ابدانموده یا تذکر بدهد و بعداً هم چنان چه خداوند عزوجل به فضل عظیم خود عنایتی فرمود و توسعه‌ای شد، ان شاء الله تعالى نسبت به تمام حوزه‌ها علی الخصوص حوزه قم از توسعه دادن دریغ نخواهد شد. از اجراء عملیه نسبت به جنابعلی احدی اطلاع نداده و بسیار مسرورم که به اجرای آن رفع کسالت از آن جناب گردیده و به صحت کامله متنعم می‌باشید. در موقع توجه ملتمنس دعا می‌باشم و امیدوارم از دعا فراموشان ننمایم. والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

الخوئی

فى ۱۷ محرم الحرام ۱۳۹۴ هـ

به موجب ورقه جوف رجال را دریافت فرمایید.

بسمه تعالیٰ

به عرض می رسانند انشاء الله تعالی در کمال صحت و عافیت مؤید بوده و خواهید بود
مرقوم شریف مؤرخ غره شهر جاری که حاکمی از سلامتی بود واصل و موجب خوشوقی
گردید آقای ولی الله کریمی دام توفیقه به وسیله جنابعالی استجازه نموده بود که نصف
سهم مبارک امام علیه السلام که به ذمہاش تعلق می گیرد در موارد مقرر شرعیه صرف
نماید مؤمنی الیه مجاز و مأذون می باشد و نسبت به موضوع فیلم زندگانی حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله تلکرافی قبل از وصول نامه جنابعالی رسیده است تعمق و تأمل در این
امر لازم است در موقع توجه ملتمنس دعا می یاشم و امیدوارم از دعا فراموشان ننایم
والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته
الخوئی
فی ربيع الاول ۱۳۹۴ هـ

رسانه

لبرض میرساند ایت داللهش لادر کمال محکت دلیلیت سرید
 تبا بیدرات اللهم بود و خدا بید بود مردم شریف بزرگ ای امیر خا
 کر حاکم زریندش بود و اهل ولوب بخوشنویی گردید به عالم از خود
 نیز ایسید بحیره الله تعالی از حیثیت فراخ عارضه نیست دانش سالی با خواهی
 انتقال درم شریح راجع سبب دهن از بالک مردم شریف بود بدلیل گردید
 اللهم از این حیات غفلت نیوود اگرچه مقصیدان این امر بر طبق
 دو لور بینند ولی سبب وجہ لعلیان فردی نیست راجع باجتناب همچو
 بعد از ما ریحانی دست داد بیوید ایسید دام خدا دین عز و جل قدر
 دینی شما را قبول فرموده سخنوار ارعیه حضرت دلیل عصر اروپنا مازن و ای
 عذایات خاصه آن ای امام عاشق بخل بسال فخر بشریف بخورد ای امیر
 در خاتمه سید دام از دعا فراموشان تمام دلیل عکم دهی بود ای امیر

بسمه تعالیٰ

به عرض می رسانند: ان شاء الله تعالى در کمال صحت و عاقیت مؤید به تأییدات الهیه بوده و خواهید بود. مرقوم شریف مورخ ۱۱ شهر جاری که حاکی از سلامتی بود واصل و موجب خوشوقتی گردید. استعلام از حالات بفرمایید بحمد الله تعالى از جهت مزاج، عارضه‌ای نیست و مانند سابق به انجام وظیفه اشتغال دارم. شرحی راجع به سحب وجه از بانک مرقوم داشته بودید معلوم گردید البته از این جهات غفلت نمی شود اگر چه متصدیان این امر، مورد اطمینان و وثوق هستند ولی سحب وجه به عنوان فردی نیست. راجع به افتتاح مدرسه بعد از ماه رمضان بشارت داده بودید امیدوارم خداوند عزوجل خدمات دینی شما را قبول فرموده، مشمول ادعیه حضرت ولی عصر - ارواحنا فداء - و از عنایات خاصه آن امام غائب - عجل الله تعالى فرجه الشریف - برخوردار گردید. در خاتمه امیدوارم از دعا فراموشتان ننمایم.

والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته
فى ۱۸ ربى سنہ ۱۳۹۴
الخوبی

لشکر

بعض پرساند انت و الله تعالیٰ در کمال محبت و عناست بود
 بودند و خواهید بود استعدام و ز حادثت نبرهای از ناهمه فرماج عارفه
 و با خیام و طبقه شاعر دارم مرقوم شریف نورخ یازدهم ماه جمادی که هرگز روز
 سلطنتی بود و حصل و بوجب هوشیاری گردید از محجه‌هار عنای سایه سایه
 و پسید و دارم خداوند غرور حل بر بنا بید آستان بیزراید راجح بوضع لکن
 اشاره ننموده بود به صراحتی مه ساقیه با خود را بخابست و دلخیزی نیز
 نیست چنانچه چنین سمع شد. باشد هترون بخت نیست و اهداف روحیه
 مدرا خلند ندارد و خانمه پسید دارم از دعا و لذتستن تمام و لذت
 ای اکنون

۲۱ ذوالععده ۱۳۹۶

بسمه تعالیٰ

به عرض می‌رسانند: ان شاء الله تعالى در کمال صحت و عافیت مؤید بوده و خواهید بود. استعلام از حالات بفرمایید از ناحیه مزاج عارضه‌ای نیست و به انجام وظیفه اشتغال دارم. مرقوم شریف مورخ یازدهم ماه جاری که حاکی از سلامتی بود، واصل و موجب خوشوقی گردید. از محبت‌های جنابالی سپاسگزارم و امیدوارم خداوند عزّوجل بر تأیید انتان بیفزاید.

راجع به موضوع آقای مصباح اشاره نموده بودید. حساب معظم له مستقیماً با خود اینجانب است و واسطه‌ای در بین نیست. چنان چه چیزی مسموع شده باشد، مقرن به صحت نیست و احتمالی در حساب ایشان مداخله‌ای ندارد. در خاتمه امیدوارم از دعا فراموشتان ننمایم.

والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته
في ۲۱ ذي القعدة الحرام، سنه ۱۳۹۴هـ
الخوئی

ل

بَشَّـة

لعرف سریاند لـت دا شـعـال درـکـالـست وـنـیـت بـرـیدـرـده
وـظـراـهـیدـبـورـ عـرـکـوـمـ شـرـیـتـ نـوـرـخـ باـزـدـامـ عـمـوـرـ اـخـامـ سـالـ خـارـجـاـرـ

برـدـ رـضـنـ اـینـ نـقـنـهـ دـرـ مـلـگـرـدـیدـ
سـتـعـدـ اـزـ حـالـتـ بـنـیـاـیدـ لـهـ رـجـهـ دـلـمـنـهـ اـزـ عـصـیـتـ مـرـاحـ عـارـضـهـ بـنـیـتـ دـلـمـجـ اـنـدـمـ
وـظـیـقـهـ اـشـعـالـ دـارـمـ دـرـ خـامـهـ بـرـیدـ دـارـمـ اـزـ دـعـاـ فـاـرـوـشـانـ تـلـامـ دـوـمـ
عـلـمـ دـرـ قـهـ بـهـ دـرـ لـاـسـ ۱۷۰۵ هـ

بسمه تعالیٰ

به عرض می رسانند انشاء الله تعالى در کمال صحت و عاقیت مؤید بوده و خواهید بود
مرقوم شریف مُورخ پانزدهم محرم الحرام سال جاری که حاکمی از سلامتی بود در ضمن
این هفته واصل گردید استعلام از حالات بفرمائید له والحمد والمنة از حیث مزاج عارضه
نیست و كما فی السابق به انجام وظیفه اشتغال دارم در خاتمه امیدوارم از دعا فراموشتان
نمایم.

والسلام عليکم ورحمة الله وبرکاته

الخوئی

فى ۱۷ صفر ۱۳۹۵

ل

س

بعض هر زاده هست و اندیش ای در کمال صحیت و عینت نموده
و خواهید بود مرقوم شریف سرخ بهبود ششم ماه پیسع الدوله ای ای ای ای
نهنده و مظلوم کردید و بر رضامیان آن کمالاً مطلع شدم ادلاً سکاگر سر ای ای
انجابت کمال آشتی را داشته و داریم و رسید و نزد بر مجمعیت و نون آن ای ای
برند شهره و بر عینه ارم و رسید و ارم خنادند عده ای ای ای ای ای ای ای
د باصر از منوبین و غیر ای
و تمام ای
ازن و ای
بها فدا نشده و تجویی شد و راجح بجهت تکمیل شده در طه ای ای ای ای ای ای
کنون ای
ای
ای
و عدم کمالیت نزد خداوند عرق و قتل در دنیا و آخرت کافی است
در فاتحه رسید و ارم ای ای

بسمه تعالیٰ

به عرض می رسانند: ان شاء الله تعالى در کمال صحت و عافیت، مؤید بوده و خواهید بود. مرقوم شریف مورخ بیست و ششم ماه ربیع الاول سال جاری در ضمن این هفته واصل گردید و بر مضامین آن کاملاً مطلع شدیم. اولاً سر کار بر احوالات و اخلاق اینجانب کمال آشنایی را داشته و دارید و می دانید برای مرجعیت و شؤون آن هر گز قدمی برنداشته و برنمی دارم و امیدوارم خداوند عزوجل از توابع آن مرا محفوظ و مصون بدارد و به احدی از منسوبيين و غيرهم هيجگونه اختياراتی نداده و ان شاء الله تعالى بعداً هم تمام امور از مالی و غيرمالي به نظر و اشراف اينجانب است چه در داخل و چه در خارج و بدون اذن و اجازه اينجانب هیچ کس در جزئی و کلی دخل و تصرفی نداشته و ندارد و هيجگونه سوء استفاده نشده و نخواهد شد. و راجع به جلسات تشکيل شده در تهران راجع به وجوده، تاکنون احدی به اينجانب چيزی ننوشته و شما اولین شخصی هستید که اظهار اين معنی را نموده يد انشاء الله تعالى اينجانب بر حسب موازين شرعی و وظیفه شرعی خود عمل نموده و می نمایم و با وجود اين معنی که فيما بينی و بين الله به وظیفه شرعی عمل نموده ام اعتنای به جلسات اگر تشکيل شده ندارم و عدم مسئولیت نزد خداوند عزوجل در دنيا و آخرت کافی است. در خاتمه اميدوارم از دعا فراموشان ننمایم.

والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

الخوئي

فى ۲۲ ع ۱۳۹۵

ل
س

لعرض نمودند
نیت دال به تسلی در کمال حکمت عمارت
دو خواهید بود نه سرمه رصه ۱۳۹۵ که هاکی ز رسالتی بود در زمان
نهضت و چلگردی هستدم از عالمت نیاید له انجهد المنه ارجست
عازمه نیت دکنای این با یادم دنیا نف استغافل را در از مطالعی کنند
داره بدریه متنکرم و رسید وارم از دعا خواهی از نیایم داشتم و در زمان
۱۳۹۵. ۲. ۱۹

بسمه تعالیٰ

به عرض می رسانند: ان شاء الله تعالى در کمال صحت و عافیت، مؤید بوده و خواهید بود. نامه مورخه ۳/ج/۹۵ که حاکی از سلامتی بود در ضمن این هفته واصل گردید، استعلام از حالات بنمایید له الحمد والمنة از حیث مزاج عارضه‌ای نیست و كما فی الساق به انجام وظایف اشتغال دارم. از مطالبی که تذکر داده بودید متشرکرم و امیدوارم از دعا فراموشان ننمایم.

والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته
الخوئی
۱۳۹۵ ج ۲ سنته ۱۹

بسمه تعالیٰ

به عرض می رساند: ان شاء الله تعالى در کمال صحت و عافیت، مؤید بوده و خواهید بود. مرقوم مورخ چهارم ماه ربیع سال جاری که حاکی از سلامتی بود در ضمن این هفته واصل و موجب خوشوقتی گردید، از پذیرایی نمودن از نور چشمی آقا سید محمد تقی - سلمه الله تعالى - متشرک، خداوند عز و جل بر تأیید ا titan بیفزاید. قبولی مطلوب لفاظ ارسال می گردد در خاتمه امیدوارم از دعا فراموشتان ننمایم.

والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

الخوئی

فی ۹ ربیع ۱۳۹۵

ملحوظه: نامه جوف را به قم ارسال داشتیم برگشته، مقتضی است امر به ایصال ننماید.

سیاه

بپرسیم ساند اثـ دـالـهـ سـالـ رـکـالـ صـحـتـ حـکـمـ کـوـ
 بـودـهـ دـخـلـهـ بـودـ مـوـقـعـ تـرـیـفـ نـزـحـ ۱۸۰۷ـعـیـانـ طـلـیـ سـالـ چـلـهـ کـوـ
 اـزـ سـلـیـمـ بـودـ وـصـلـ وـرـصـبـ خـوـرـقـیـ گـرـیدـ آـجـازـ مـلـکـیـهـ لـئـلـهـ سـالـ چـلـهـ کـوـ
 بـرـضـوـعـ هـنـایـ شـرـحـ مـوـقـعـ بـودـهـ بـودـ هـنـیـ رـفـطـرـ اـخـاـبـ بـودـ هـنـیـ
 خـداـونـدـ خـرـ وـمـلـ تـرـیـقـ عـذـیـتـ فـرـایـ عـلـیـ خـواـهـ شـدـ وـاـنـشـ بـوـقـعـ هـنـیـ
 طـلـبـ بـاـلـرـافـ بـاـخـدـاـجـ خـرـاـسـمـ تـرـیـعـ سـهـ صـلـالـ الـیـنـ قـصـیـهـ کـاـلـهـ کـوـ
 مـذـکـرـ بـنـیـ بـاشـدـ زـیرـ کـرـکـ غـلـ خـاـبـ زـنـتـ سـلـمـ آـقـایـ مـلـکـیـ دـشـلـهـ کـوـ
 زـیـادـتـ وـنـیـوـ اـنـهـ بـاـسـ قـبـیـلـ اـبـرـ رـسـمـ گـرـ خـانـدـ وـاـسـقـعـ چـلـهـ کـوـ
 خـاجـهـ بـرـگـرـ خـمـیـ رـکـمـ دـکـتـهـ بـرـدـهـ وـکـاتـ طـلـقـیـ دـرـ اـبـلـ مـلـکـیـهـ رـلـهـ کـوـ
 تـاـکـنـونـ دـیـمـیـ لـفـطـهـ اـزـنـ طـ دـسـاـ وـکـاتـسـ اـلـقـلـوـ بـاـجـدـنـدـهـ اـمـ لـعـدـ اـکـبـ
 دـادـ عـلـادـهـ بـرـ آـنـکـهـ دـرـ اـبـلـ خـاـبـ بـیـ قـسـعـ عـلـیـ مـرـاجـعـیـ بـرـ اـنـسـیـعـ بـرـ اـنـسـیـعـ
 بـوـدـ بـنـدـ اـزـ طـفـ اـنـجـاـبـ مـحـاـلـتـ دـرـ خـاقـهـ سـیـرـ وـادـ اـرـدـعـ اـخـرـ اـنـجـتـنـ اـنـجـتـنـ
 دـلـهـمـ عـلـکـمـ درـ قـمـ بـهـ دـرـ لـهـهـ ۲۴ـ رـصـنـ اـبـلـرـ ۱۳۹۷ـعـ

بسمه تعالیٰ

به عرض می رساند: ان شاء الله تعالى در کمال صحت و عافیت مؤید بوده و خواهید بود. مرقوم شریف مورخ ۱۸ شعبان المعظوم سال جاری که حاکمی از سلامتی بود، واصل و موجب خوشوقی گردید. استجازه مطلوبه لفأً ارسال می شود. راجع به موضوع منهاج شرحی مرقوم داشته بودید. همین معنی در نظر اینجانب بود. چنان چه خداوند عزوجل توفیق عنایت فرماید، عملی خواهد شد. و اما نسبت به موضوع اعزام آقایان طلاب به اطراف، با جناب حجۃ الاسلام آقای حاج سید جلال الدین فقیه ایمانی - دامت برکاته - مذکوره بفرمایید. زیرا که مشاغل جناب داشتمند معظم آقای طلقی - دامت تأییداته - زیاد است و نمی تواند به این قبیل امور رسیدگی نماید. و اما موضوع اجازه آقای حاج آقا بزرگ حسینی مرقوم داشته بودید و کالت مطلقی در زابل به معظم له داده شود، تاکنون در هیچ نقطه‌ای از نقاط دنیا و کالتنامه مطلق به احدی نداده ام و بعداً هم نخواهم داد. علاوه بر آن که در زابل جناب آقا شیخ علی مراد بختیاری - دام تأییده - که سال‌ها در نجف بودند، از طرف اینجانب مجاز است. در خاتمه امیدوارم از دعا فراموشتان ننمایم.

والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته
الخوبی
۱۳۹۶ فی ۱۴ رمضان المبارک سنہ

برگشته

عرض بر سند اث داللهی رکمال ملت دعا و متن
بخط خواجه نور محمد شریف که میر سلطان بود در مصلی پیغمبر

برده و خواهید بود مردم شریف که میر سلطان بود در مصلی پیغمبر
گردید از اعتصام مدرس دهدست لایان طلاق دعویل مردم شریف
بر حب برت گردید اسید ایم فضات دینی ها را نهاده و خواهید
در زاده عصی اخفرست عجل اسرت نی فرم شریف بخود از گردید

نظام پرسنلیم در حقیقت براست ۹۷۰۱۵۷

بسمه تعالیٰ

به عرض می رسانند: ان شاء الله تعالیٰ در کمال صحت و عافیت مؤید بوده و خواهید بود. مرقوم شریف که مبشر سلامتی بود، واصل و موجب خوشوقتی گردید. از افتتاح مدرسه و جدیت آقایان طلاب در تحصیل مرقوم داشته بودید، موجب مسرت گردید. امیدوارم خدمات دینی سرکار منظور نظر حضرت ولی عصر- ارواحنا فداه - و از ادعیه آن حضرت - عجل الله تعالیٰ فرجه الشریف - برخوردار گردید. در خاتمه امیدوارم از دعا فراموشтан ننمایم.

والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته
الخوئی
فی ۲ ج ۹۷

لر
لر

برض سر ند اشاده الله ما در کلیت و عمار فتنه بودند
 و خواهید بود مرقوم شریف که مشیر سلطنتی برز و مصل و موجب خوبی برگردان
 استعدم از حادثت نبزماید که المحمد لله عارف نه از حسنه فراغ غفت و چند نهاد
 با خاص رفعیه تتفاوت داشت نهاده که رُزِ ازی دست نماید راه و مصل مگرد و ملکیت
 ندارد که اکثر از سلاطین بزرگ شده است داماد اجمع نهضتیها حق تقدیم مغلبه
 آنکه از دشنه است در خانه رسیده دارم از رعایا فراز است نهایم (ول) اکونه
 ناسی پسر از از لفاف موضع پنگدد ۱۳۸۲ ۹۷

بسم‌الله تعالیٰ

به عرض می‌رساند: ان شاء الله تعالى در کمال صحت و عافیت مؤید بوده و خواهید بود. مرقوم شریف که مبشر سلامتی بود، واصل و موجب خوشوقتی گردید. استعلام از حالات بفرمایید له الحمد والمنة عارضه‌ای از حیث مزاج نیست و مانند سابق به انجام وظیفه اشتغال دارد.

نامه آقای شیرازی - دامت تأییداته - واصل گردید ولی هیچ دلالتی ندارد که اسمی از سرکار برده شده است. و اما راجع به زمین‌های قم تصمیمی برخلاف تصمیم سابق اتخاذ نشده است. در خاتمه امیدوارم از دعا فراموشان ننمایم.

والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

الخوئی

۹۷ / ۲۸ / ج

نامه آقای شیرازی لفأً مرجوع می‌گردد.

خواسته قبور و مساجد دینی اسلامی را که در خبر صادر او
 درست نمایند

بفرض میرسانه افت داده توانی در کمال صحت و مدعی شیوه معلوم
 و خواهید بود در این هیم خبر در حالت والده سلطنتی و فخر بر علیها کوشید و
 چند ماه از وقت معرفه ریگل زرد دمایی اهلخان بوده ام و علی کل حال عذر
 عرض ننمایم و اسید و ارم خداوند غریب از خود مردای ایام طهارت ام
 محشور و صبر جعل و ای خوب شما غافیت زناید در فاتحه از دی خواست
 نیتایم دلهم علیکم در قدر این بذلت نیم و در هبته ۱۴۰۵ امکله

بسمه تعالیٰ

جناب مستطاب حجۃ الاسلام و المسلمین آیة الله آقای حاج سید محمد صادق روحانی
دامت تأییداته

به عرض می‌رسانند: ان شاء الله تعالیٰ در کمال صحت و سلامتی، مؤید بوده و خواهید
بود. در این یام خبر رحلت والدہ معظمه - رحمة الله عليها - مسحوم و ضممناً معلوم شد، چند
ماه از وفات مخدّره می‌گذرد و ما بی‌اطلاع بوده‌ایم و علیٰ کل حال تعزیت عرض می‌نماییم
و امیدوارم خداوند عزوجل آن مرحومه را با ائمه اطهار - سلام الله عليهم - محسشور و صبر
جمیل و اجر جزیل به شما عنایت فرماید. در خاتمه از دعا فراموشان نمی‌نمایم.
والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته
الخوئی
فی ۲۵ ربیع سنہ ۱۴۰۵ھ

حبیب‌الله به ای اللهم صاحبی رو
 داشت ناسیده قریب
 بعرض پرسنه اسید وارم کند آنکه بترفع صفت سیدلله
 گرد استعلام از حادث نیز اسید له الحمد لله الشفیر فارجه از حبیب مراج
 و مانند را بیان طبقه معمول میباشد در خاتمه اسید وارم خداوند
 غریب حصل سفرا عاصیل کامل به سه اعذایت فرماید و پس غشیم در قریب ای اللهم
 ۱۴۰۹ هـ ۲۵ جمادی

بسم‌الله الرحمن الرحيم

جناب مستطاب آیة الله آفای حاج سید محمد صادق روحانی دامت تأییداته

به عرض می‌رساند: امیدوارم کسالت آن جناب مرتفع و ضعف مبدل به قوت گردد.

استعلام از حالات بفرمایید له الحمد و له المنة عارضه‌ای از حیث مزاج نیست و مانند سابق
به انجام وظیفه مشغول می‌باشم. در خاتمه امیدوارم خداوند عزوجل شفای عاجل کامل به
شما عنایت فرماید.

والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

ابوالقاسم الموسوی

فی ۱۴۰۹ هـ ۲ ج ۵ سنه